



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت  
علیهما الصلوات  
والتسلیمات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



# الگوی حیات زیبا

محمد جوان مروجی طبسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فاطمه (س) الگوی حیات زیبا

نویسنده:

محمد جواد مروّجی طبسی

ناشر چاپی:

محمد جواد مروّجی طبسی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۲	فاطمه الگوی حیات زیبا
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	پیشگفتار
۱۲	میلاذ نور
۱۳	شخصیت فاطمه از دیدگاه پیامبر
۱۳	اشاره
۱۳	فاطمه پاره تن پیامبر
۱۴	فاطمه قلب پیامبر
۱۴	فاطمه تار موی پیامبر
۱۴	فاطمه نور چشم پیامبر
۱۴	فاطمه مایه سرور پیامبر
۱۴	فاطمه برتر از آسمانها و زمین
۱۴	فاطمه برگزیده خداوند
۱۵	فاطمه یکی از حجت‌های خدا
۱۵	فاطمه بهترین زنان امت
۱۵	برترین زنان اولین و آخرین
۱۵	اگر تمام خوبی‌ها مجسم شود
۱۵	فاطمه مریم کبری است
۱۵	عزیزترین مردم نزد پیامبر
۱۶	محبوب‌ترین مردم
۱۶	فاطمه و ازدواج با علی
۱۶	اشاره

- ۱۷ ..... تلاش یاران و خواستگاری علی
- ۱۷ ..... خواستگاری علی از فاطمه
- ۱۸ ..... چرا پیامبر جواب رد می‌داد؟
- ۱۸ ..... تعیین مهریه
- ۱۸ ..... اشاره
- ۱۹ ..... مقدار مهریه فاطمه زهرا
- ۱۹ ..... اشاره
- ۱۹ ..... زره حطمیه
- ۱۹ ..... زره و چند چیز دیگر
- ۱۹ ..... پول نقد
- ۱۹ ..... توضیح و بررسی
- ۲۰ ..... تأمین و تهیه جهیزیه
- ۲۱ ..... صورت جهیزیه فاطمه
- ۲۱ ..... مراسم ازدواج فاطمه
- ۲۱ ..... آراستن فاطمه
- ۲۲ ..... ولیمه عروسی علی و فاطمه
- ۲۲ ..... از خانه پیامبر تا خانه علی
- ۲۳ ..... دست فاطمه در دست علی
- ۲۳ ..... دعای ویژه برای فاطمه و علی
- ۲۳ ..... چشم‌اندازی به خانه فاطمه
- ۲۳ ..... اشاره
- ۲۳ ..... ویژگی‌های خانه‌ی فاطمه
- ۲۴ ..... موقعیت جغرافیایی
- ۲۴ ..... مساحت خانه‌ی فاطمه

۲۴	اهدایی خدا و رسول
۲۴	راهی به بیرون جز از مسجد نداشت
۲۴	خانه‌ی رفیع و پر نور
۲۵	محل نماز و عبادت پیامبر
۲۵	زادگاه امام حسن و امام حسین
۲۵	محل رفت و آمد فرشتگان
۲۶	سلام پیامبر بر اهل خانه
۲۶	بسته شدن در خانه‌ها جز خانه فاطمه
۲۶	احترام ویژه امامان
۲۷	نگاهی دیگر
۲۷	سرنوشت خانه‌ی فاطمه
۲۷	فاطمه اسوه حیات زیبا
۲۸	اشاره
۲۸	تهجد و عبادت
۲۸	اشاره
۲۸	وجود فاطمه مملو از ایمان است
۲۸	سلام فرشتگان به فاطمه
۲۸	منزلت خداوندی
۲۹	ترس از روز قیامت
۲۹	انس با قرآن کریم
۳۰	دعا برای دیگران
۳۰	احترام فوق‌العاده به پیامبر
۳۰	سبقت در سلام
۳۰	تحمل سختی‌های زندگی

- ۳۱ ..... پاسخ به پرسش‌های مذهبی
- ۳۲ ..... التزام به تعهدهای اخلاقی
- ۳۲ ..... خوشحالی از کم شدن بار مسئولیت
- ۳۳ ..... خدمت بی‌منت
- ۳۳ ..... فاطمه الگوی حیا و عفاف
- ۳۳ ..... اشاره
- ۳۳ ..... فاطمه معدن حجب و حیا
- ۳۴ ..... گفتگوی فاطمه و درخواست از اسماء
- ۳۴ ..... نمونه‌ای دیگر از حیای فاطمه
- ۳۴ ..... فاطمه مظهر عفاف و حجاب
- ۳۵ ..... درسی دیگر از فاطمه
- ۳۵ ..... سیمای فاطمه در روز قیامت
- ۳۵ ..... اشاره
- ۳۵ ..... کیفیت برانگیخته شدن
- ۳۶ ..... حضور فاطمه در میان مردم
- ۳۶ ..... منبری از نور برای فاطمه
- ۳۷ ..... شکایت در دادگاه عدل الهی
- ۳۷ ..... دیدار حسن و حسین
- ۳۷ ..... شفاعت برای دوستان اهل بیت
- ۳۸ ..... شفاعت دوستان فاطمه از دیگران
- ۳۸ ..... به سوی بهشت
- ۳۸ ..... استقبال حوریان بهشتی
- ۳۹ ..... اولین سخن فاطمه در بهشت
- ۳۹ ..... نورانی شدن بهشت از نور فاطمه



- ۳۹ ..... زیارت انبیا از فاطمه در بهشت
- ۳۹ ..... عنایات خداوند به فاطمه در بهشت
- ۳۹ ..... اشاره
- ۳۹ ..... خانه‌های بهشتی
- ۳۹ ..... همنشینی با پیامبر
- ۳۹ ..... درجه وسیله
- ۴۰ ..... سکونت در حظیره القدس
- ۴۰ ..... بخشیدن چشمه تسنیم به فاطمه
- ۴۰ ..... فاطمه و نقل حدیث از پیامبر
- ۴۰ ..... اشاره
- ۴۱ ..... فاطمه مخزن اسرار پیامبر
- ۴۱ ..... اهتمام فاطمه نسبت به احادیث پیامبر
- ۴۲ ..... چرا از فاطمه احادیث کمی بر جای مانده؟
- ۴۲ ..... راویان حدیث از حضرت فاطمه
- ۴۲ ..... گلایه‌ای از مسندنویسان و سخنی با احمد
- ۴۳ ..... مسند است یا کتاب فضایل؟
- ۴۳ ..... گسترش فرهنگ کوثر به وسیله معصومین
- ۴۴ ..... بررسی حوادث هجوم به خانه فاطمه
- ۴۴ ..... اشاره
- ۴۴ ..... پیشگویی پیامبر درباره فاطمه
- ۴۴ ..... چرا به خانه فاطمه هجوم آوردند؟
- ۴۵ ..... آغاز ماجرا
- ۴۵ ..... و این بار فاطمه سخن گفت
- ۴۶ ..... تعداد مهاجمین

- ۴۶ ..... آیا درب خانه فاطمه را سوزاندند
- ۴۷ ..... سوزاندن درب خانه در منابع شیعه
- ۴۷ ..... آیا فاطمه هم آسیب دید؟
- ۴۷ ..... اشاره
- ۴۷ ..... فشار بین در و دیوار
- ۴۷ ..... شکسته شدن پهلوی فاطمه
- ۴۸ ..... سیلی خوردن فاطمه
- ۴۸ ..... آسیب دیدن بازوی فاطمه
- ۴۸ ..... سقط جنین
- ۴۸ ..... اشاره
- ۴۹ ..... بررسی جریان سقط در منابع شیعه
- ۴۹ ..... چند پرسش و پاسخ
- ۵۱ ..... دفاع جانانه از حریم ولایت
- ۵۱ ..... اشاره
- ۵۱ ..... نقل روایت درباره جانشینی علی
- ۵۱ ..... یادآوری ماجرای غدیر خم
- ۵۲ ..... گام در گام علی در مجالس انصار
- ۵۲ ..... فریاد بر حریم‌شکنان
- ۵۲ ..... دفاع از علی و شلاق قنفذ
- ۵۳ ..... حفاظت از جان امام
- ۵۳ ..... سکوت فاطمه برای حفظ اسلام
- ۵۳ ..... رد بیعت ابوبکر
- ۵۴ ..... انتقاد شدید از زنان مهاجر و انصار
- ۵۵ ..... شهادت حضرت فاطمه

۵۵	.....	اشاره
۵۶	.....	سال روز شهادت
۵۶	.....	پاورقی
۵۹	.....	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فاطمه الگوی حیات زیبا

### مشخصات کتاب

سرشناسه: طبسی محمدجواد، - ۱۳۳۱ عنوان و نام پدیدآور: فاطمه علیهاالسلام الگوی حیات زیبا/ محمدجواد مروجی طبسی  
 مشخصات نشر: قم محمدجواد مروجی طبسی ۱۳۸۰. مشخصات ظاهری: ص ۱۴۳ شابک: ۹۶۴-۳۷۱-۰۵۷-۲۷۰۰۰-۲۷۰۰۰ ریال؛ ۹۶۴-  
 ۳۷۱-۰۵۷-۲۷۰۰۰-۲۷۰۰۰ ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرستنویسی قبلی یادداشت: پشت جلد به انگلیسی Mohammad Javad  
 Moravejji Tabasi. Fateme (S. A.); The model of beautiful life = olguye hayate Ziba. یادداشت:  
 کتابنامه ص [۱۳۹] - ۱۴۳؛ همچنین به صورت زیرنویس موضوع: فاطمه زهرا(س)، ۸؛ قبل از هجرت - ۱۱ق -- سرگذشتنامه  
 موضوع: فاطمه زهرا(س)، ۸؛ قبل از هجرت - ۱۱ق -- فضایل رده بندی کنگره: BP۲۷/۲/ط۲ف۲ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳  
 شماره کتابشناسی ملی: م ۸۰-۲۳۷۶۲

### پیشگفتار

در نظام هستی و عالم خلقت آن قدر مسایل اسرارآمیز وجود دارد که یقیناً بشر، با همه اطلاعاتی که از جهان دارد، هرگز به ژرفای آن پی نخواهد برد. از جمله‌ی آن مسایل وجود چهارده معصوم است که خداوند آنها را به عنوان هدیه و نعمت بر انسان ارزانی داشته است و در بین این چهارده معصوم یک زن به نام فاطمه علیهاالسلام نیز قرار داده است. راستی این چه سری است که در بین چهارده معصوم یک زن وجود دارد که یازده امام از نسل اویند! و راستی فاطمه کیست؟! فاطمه علیهاالسلام الگوی معرفت الله است... صفات و اسماء الهی، در فاطمه- این جلوه ذات اقدس حق- نمود و ظهور نام یافته است، «فاطمه علیهاالسلام اسوه حیات زیباست»... فاطمه انسان کامل است و الگویی است برای تکامل... [صفحه ۱۴] فاطمه علیهاالسلام نه فقط هدایت‌گری است در مسیر کمال بلکه به مقصد رساننده است، چرا که دارای فضایی است که انبیا آنها را داشته‌اند... دارای فضایی رسول‌الله است و به فرموده برخی از بزرگان: فاطمه علیهاالسلام اگر مرد بود، پیامبر بود... راستی فاطمه علیه‌السلام را با چه کسی باید مقایسه کرد؟! با انبیا که برتر از انبیاست... فاطمه علیهاالسلام را می‌بایست تنها با خاتم انبیا و فخر کاینات مقایسه کرد و تنها باید با دیگر معصومین فیاس کرد و بس. فاطمه علیهاالسلام کیست که در هنگام نماز در پیشگاه معبود، خدا به وجودش افتخار می‌کند و چه گوهر ناشناخته‌ایست که رضا و خشم خود را در رضا و خشم وی می‌داند! فاطمه علیهاالسلام لیلۃ القدر است و شناخت فاطمه علیهاالسلام در شناخت لیلۃ القدر است. در این بانوی بزرگ چه اسراری نهفته است که چنین جایگاهی در نزد خداوند دارد؟ آری... بدون شک از شناخت مقام عصمت و ولایت فاطمه علیهاالسلام عاجزیم! تنها به اندازه توان خود به گردآوری احادیثی چند پیرامون زندگانی و شخصیت او پرداخته‌ایم. که به نام نامی یازده فرزندش در یازده بخش تنظیم گردیده و بدین وسیله تقدیم خوانندگان گرامی می‌شود. به امید آن که فردای قیامت مشمول شفاعت حضرتش شویم... قم حوزه علمیه محمد جواد مروجی طبسی ۱۳۸۰/۶/۲۳ [صفحه ۱۵]

### میاد نور

مدت‌ها بود که زنان عرب از خدیجه همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بخاطر ازدواج با آن حضرت، فاصله گرفته بودند. هاله‌ای از غم و اندوه او را گرفته بود و در خانه هیچ مونس‌ی نداشت تا در نبود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با او

انس بگیرد که ناگه سکوت مطلق شکسته شده و جنین با مادر خود سخن گفته و دلداریش می‌دهد. این بماند که در این مدت با مادر خود چه می‌گفت و چه می‌شنید زیرا تاریخ به درستی از این گفتگوهای اسرارآمیز پرده برداشته چرا که مادر مومنان آن را در هاله‌ای از ابهام گذارد. راستی این جنین کیست و حقیقت او چیست که ماهها با مادر سخن می‌گوید و او آنها را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کتمان می‌کند. نوشته‌اند روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد خانه شد شنید که خدیجه با کسی سخن می‌گوید! از روی تعجب پرسید: ای خدیجه! با که سخن می‌گویی؟! گفت: با این جنین که در شکم دارد، اوست که با من سخن می‌گوید و مایه انس من شده است. [صفحه ۱۶] پیامبر فرمود: ای خدیجه بدان این جبرئیل است که به من می‌گوید: این جنین دختر است و خداوند نسل مرا از او قرار داده و از نسلش امامانی به عنوان جانشین من معین خواهد کرد. [۱]. آری، جهان در انتظار مقدم عالی‌ترین نمونه زن بود که تاکنون به خود ندیده بود، که با میلادش برای زنان عالم هستی، الگو و اسوه قرار گیرد. و اینک... نزدیک زایمان خدیجه شده، از زنان عرب درخواست کمک کرد، اما آنها را از روی کینه و دشمنی که با وی داشتند پاسخ منفی دادند و از هر گونه کمک امتناع ورزیدند. او در این فکر بود که چه کند و چه کسی در این مشکل به کمکش می‌شتابد... ناگهان حضور چهار زن بلند بالای سیاه چهره را که که گویا از زنان بنی‌هاشم بوده باشند، در خانه احساس نمود. خدیجه از دیدن آنها لرزه بر اندامش افتاد چرا که تاکنون آنها را ندیده بود... یکی از آنها گفت: ای خدیجه! غم مخور، چرا که ما فرستادگان پروردگار تو می‌باشیم ما خواهران تو هستیم. من ساره و این آسیه دختر مزاحم و آن مریم و آن یکی کلثم خواهر موسی بن عمران است. خدای ما را فرستاد تا در امر زایمان تو را یاری نماییم. این چهار زن در طرف راست و چپ و پیش رو و پشت سر خدیجه قرار گرفتند، لحظاتی چند این مولود با سعادت قدم به عرصه گیتی نهاد... آن مولود فاطمه بود... او بدنیا آمد تا زمین را نورانی کند، پس از آن که آسمانها را از نور خود منور ساخته بود. از این روی به هنگام ولادت فاطمه نوری از وجودش پدیدار شد که تمام [صفحه ۱۷] خانه‌های مکه را در هاله‌ای از نور فروبرد و در شرق و غرب عالم هستی جایی نبود که نور فاطمه در آن جا نتابیده باشد. فاطمه علیهاالسلام را با آب کوثر شستشو داده و در دو پارچه سفید پیچیده و از او خواستند تا سخن گوید. فاطمه به اراده پروردگار، لب به سخن گشوده و رسالت و پیامبری محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت علی مرتضی علیه‌السلام و امامت یازده فرزندش را گواهی داد. [۲]. مورخان سال روز میلاد با سعادت فاطمه را بیستم ماه جمادی الثانی سال پنجم بعثت نگاشته‌اند. مرحوم مفید درباره این روز مبارک می‌نویسد: روز بیستم ماه جمادی الاخر روزی است که فاطمه زهرا علیهاالسلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم متولد گردید و آن روزی است که - همه ساله - شادی و سرور مومنین تجدید می‌شود، از این روی مستحب است که در روز میلاد فاطمه علیهاالسلام کارهای نیک انجام پذیرد و صدقه به فقراء و مساکین داده شود. [۳]. [صفحه ۱۹]

### شخصیت فاطمه از دیدگاه پیامبر

#### اشاره

شان و منزلت فاطمه زهرا علیهاالسلام را همین بس که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌اش زیباترین سخنان را بیان فرموده که درباره هیچ یک از زنان عالم چنین چیزی نفرموده حتی درباره‌ی همسر و سایر دختران خود اینک از میان دهها روایتی که درباره این شخصیت بی‌نظیر نقل گردیده به چند روایت بسنده کرده سپس به نکاتی در این جهت اشاره‌ای خواهیم داشت:

#### فاطمه پاره تن پیامبر

بخاری در صحیح خود از ولید از ابن‌عیینه از عمر بن دینار از ابی‌ملکیه از مسور بن مخرمه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل

کرده که فرمود: «فاطمه بضعة منی فمن أغضبها أغضبني»، فاطمه علیها السلام پاره‌ی تن من است هر که او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است. [۴]. [صفحه ۲۰]

### فاطمه قلب پیامبر

حسن بن سلیمان در کتاب محتضر از تفسیر ثعلبی از مجاهد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که روزی آن حضرت از خانه بیرون آمد و در حالی که دست فاطمه علیها السلام را گرفته بود، چنین فرمود: «هر که این را می‌شناسد که شناخته است و هر که وی را نمی‌شناسد بداند: این فاطمه علیها السلام دختر محمد است و او پاره تن من می‌باشد، او قلب من است که در بین دو پهلو من قرار گرفته است، پس هر که او را آزار دهد مرا آزاده داده و هر که مرا آزار دهد خدای را آزار داده است.» [۵].

### فاطمه تار موی پیامبر

جابر بن عبدالله گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فاطمه علیها السلام شعرة منی، فمن آذى شعرة منی، فقد آذانی و من آذانی فقد آذى الله و من آذى الله لعنه الله ملاء السموات و الارض. [۶]. فاطمه علیها السلام تار موی من است و هر که به تار موی من موهای من آزار برساند مرا آزار رسانده و هر که مرا آزار رساند خدا را آزار رسانده است و هر که خدا را آزار برساند، خداوند به اندازه آسمان‌ها و زمین او را لعنت خواهد کرد.

### فاطمه نور چشم پیامبر

ابن‌فقال نیشابوری ضمن حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آورده است که به [صفحه ۲۱] علی علیه السلام فرمود: یا علی، ان فاطمه علیها السلام بضعة منی و هی نور عینی و ثمره فؤادی. علی جان، فاطمه علیها السلام پاره‌ی تن من و نور چشم و میوه‌ی دلم من می‌باشد. [۷].

### فاطمه مایه سرور پیامبر

امام حسین علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که فرمود: فاطمه علیها السلام بهجة قلبی و ابناها ثمره فؤادی و بعلها نور بصری؛ فاطمه علیها السلام مایه سرور و خوشحالی من می‌باشد، همچنین دو فرزندش میوه دلم و همسرش نور چشم من می‌باشد. [۸].

### فاطمه برتر از آسمانها و زمین

و در حدیثی دیگر درباره خلقت فاطمه علیها السلام فرمود: پس خداوند از نور دخترم فاطمه علیها السلام آسمان‌ها و زمین را آفرید، پس آسمان‌ها و زمین از نور دخترم فاطمه علیها السلام است و نور دخترم فاطمه علیها السلام از نور پروردگار است و دخترم فاطمه علیها السلام برتر از آسمانها و زمین است. [۹].

### فاطمه برگزیده خداوند

خطیب بغدادی ضمن اشاره به معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آن حضرت چنین روایت کرده که فرمود: همان شبی که

مرا به آسمان بردند دیدم که بر درب بهشت چنین نوشته بود: [صفحه ۲۲] «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی حبيب الله، و الحسن و الحسين صفوة الله، فاطمه عليها السلام خيرة الله و علی باغضهم لعنة الله.» [۱۰].

### فاطمه یکی از حجت‌های خدا

طبری در بشاره المصطفی به سند خود از امام زین العابدین از پدرش از امیرمؤمنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمود: أنا و علی و فاطمه علیها السلام و الحسن و الحسين و تسعة من ولد الحسين حجج الله علی خلقه أعداءنا أعداء الله و أولیاءنا أولیاء الله، من و علی و فاطمه علیها السلام و حسن و حسین و نه فرزند از فرزندان حسین حجت‌های خداوند بر بندگان او هستیم، دشمنان ما دشمنان خدا و دوستان ما دوستان خدا هستند. [۱۱].

### فاطمه بهترین زنان امت

انس بن مالک از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود: بهترین زنان امتم فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. [۱۲].

### برترین زنان اولین و آخرین

و در روایت دیگری که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسیده چنین آمده، برترین مردان عالم در زمان من علی است و برترین زنان اولین و آخرین فاطمه علیها السلام است. [۱۳]. [صفحه ۲۳]

### اگر تمام خوبی‌ها مجسم شود

هم چنین درباره شخصیت بی‌مانند فاطمه علیها السلام فرمود: «و لو كان الحسن شخصاً لكان فاطمه علیها السلام بل هي أعظم: اگر تمام خوبی‌ها و فضایل اخلاقی مجسم شود، شایسته است که فاطمه علیها السلام باشد، بلکه فاطمه علیها السلام والاتر از همه آنها می‌باشد.» [۱۴].

### فاطمه مریم کبری است

و از جمله بیانات و سفارش‌هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حال احتضار به علی داشت این بود: علی جان، فاطمه علیها السلام امانت خدا و رسولش در نزد تو می‌باشد، پس از این امانت خوب نگهداری کن و می‌دانم که چنین خواهی کرد، بدان که او مریم کبری است. [۱۵].

### عزیزترین مردم نزد پیامبر

شیخ طوسی به سند خود از عبدالله بن حارث بن نوفل نقل کرده که گفت از سعد بن مالک شنیدم که می‌گفت: از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: «فاطمه علیها السلام بضعة منی من سرّها فقد سرّنی و من ساءها فقد ساءنی، فاطمه علیها السلام أعزّ البریة علیّ، فاطمه علیها السلام پاره تن من است هر که او را خشنود کند مرا خشنود کرده و هر که او را آزار داده فاطمه علیها السلام عزیزترین مردم نزد من می‌باشد.» [۱۶]. [صفحه ۲۴]

## محبوب‌ترین مردم

علامه مجلسی از برخی کتابهای مناقب به سند خود از اسامه نقل کرده که گفت: روزی در مسجد به علی و عباس گذر کردم در حالی که به بحث نشسته بودند، چون مرا دیدند از من خواستند که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای شان اجازه ملاقات بگیرم. گوید: به رسول خدا عرض کردم: این علی و عباس هستند که اجازه ملاقات می‌خواهند. حضرت فرمود: آیا می‌دانی چه چیزی آنها را به این جا آورده است؟ گفتم: به خدا سوگند که نمی‌دانم. فرمود: اما من می‌دانم برای چه به این جا آمده‌اند و سپس اجازه ورود به آنها داد. پس آن دو وارد شده و پس از اسلام و ادای احترام در محضرش نشسته و اظهار داشتند ای رسول خدا کدام یک از افراد خانواده‌ات در نزد تو محبوب‌تر هستند؟ پیامبر پاسخ داد: فاطمه. [۱۷]. اما نکاتی که از روایات گذشته به دست می‌آید به چند نکته خلاصه می‌شود: ۱. پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم عنایت ویژه‌ای بر تبیین شخصیت فاطمه علیها السلام و معرفی او و جایگاه و الایش داشتند بدین جهت با بردن فاطمه علیها السلام در جمع صحابه و گرفتن دست او به معرفی دختر خود پرداخته، و او را پاره تن و قلب [صفحه ۲۵] و تار و موی و نور چشم و میوه دل خود دانسته که این مسئله بسیار مهم و قابل مطالعه است. ۲. از روایات گذشته و ده‌ها روایت دیگر به دست می‌آید که فاطمه علیها السلام برتر از تمام زنان عالم خلقت می‌باشد و هیچ یک از آنها در فضیلت و بلندی مرتبه به او نمی‌رسند، حتی مریم مادر حضرت عیسی، و این سخن از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در شأن و مقام فاطمه بهترین پاسخ برای یاوه گویی برخی از ناآگاهان و یا غرض ورزان به مقام الای فاطمه علیها السلام است که گاهی از روی ناآگاهی و یا غرض ورزی می‌گویند، فاطمه علیها السلام همانند یکی از زنان عادی است. پس جای تعجب است مگر زنان عادی در زمان پیامبر نبودند؟ پس چرا این سخنان ارزشمند را درباره یکی از آنها نفرمود و چرا آن همه بر شخصیت فاطمه علیها السلام تکیه کرد. ۳. هیچ گاه از سفارش نسبت به فاطمه علیها السلام دریغ نورزیده و پیوسته امت اسلامی را به احترام او و رعایت حق او فرامی‌خواند. ۴. نکته پنجم این است که هر جا سخن از فاطمه علیها السلام به میان می‌آورد مسلمانان را به دوستی او و اهل بیت محترمش فراخوانده و از دشمنی با آنها سخت بر حذر می‌داشت. [صفحه ۲۷]

## فاطمه و ازدواج با علی

### اشاره

آن روزی که فاطمه علیها السلام به همراه علی و سایر فاطمیات مکه را به قصد مدینه ترک گفته و وارد مدینه شد، درخواست‌های مکرری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شده و خواستگاران فراوانی برای وی آمدند، اما آن حضرت همه‌ی آنها را رد کرد. ابن شهر آشوب می‌نویسد: ابوبکر و عمر هر یک چند مرتبه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درخواست ازدواج با فاطمه علیها السلام دخت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را داشتند ولی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آنها را رد می‌کرد. [۱۸]. روزی آن دو به نزد عبدالرحمن بن عوف که مردی ثروتمند بود، رفته و اظهار داشتند اموال و ثروت تو از همه قریشیان بیشتر است و اگر چنان چه به خواستگاری دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بروی بر مال و ثروت و آبرویت افزوده خواهد شد! او نیز به نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفت تا چنین درخواستی از او بنماید اما باز هم مورد اعتراض قرار گرفت. [۱۹]. نوشته‌اند: او ضمن خواستگاری از فاطمه علیها السلام مهر زیادی را مطرح کرد، اما [صفحه ۲۸] پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخت عصبانی شده و به نشانه اعتراض بر این سخن، سنگ ریزه‌ای را برداشته ناگهان همان سنگ در دستش شروع به گفتن تسبیح کرد، سپس آن سنگ را در دامن خود انداخت که در دم تبدیل به درّ و مرجان شد. [۲۰].



## تلاش یاران و خواستگاری علی

برخی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از سخنان آن حضرت در مورد فاطمه علیها السلام که اختیارش در دست پروردگار می‌باشد، چنین دریافتند که شاید نظر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی باشد، و علت این که علی دست به این کار نزده ممکن است فقر و تنگدستی بوده باشد. از این رو ابوبکر به نزد عمر و سعد بن معاذ رفته و اظهار داشت آیا دوست دارید تا به نزد علی رفته و از او درخواست کنیم تا از فاطمه علیها السلام خواستگاری کند و اگر چنان چه دستش خالی بود او را کمک کنیم؟ با اظهار موافقت سعد و استقبال از این پیشنهاد هر سه به سراغ علی رفته و او را در باغ یکی از انصار در حال کشیدن آب از چاه یافتند. چون نگاه علی علیه السلام به آن‌ها افتاد از روی تعجب پرسید: خبر تازه‌ای هست؟ برای چه به این جا آمده‌اید؟ ابوبکر گفت: ای ابوالحسن هیچ خصلت خوبی نیست مگر آن که در تو بوده باشد و جایگاه خودت را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بهتر از ما می‌دانی؟ مقصود ما از آمدن به سوی تو این است که می‌بینیم اشراف و بزرگان قریش برای خواستگاری دخت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خدمت آن حضرت رفته‌اند، اما پاسخ رد شنیده‌اند و می‌گویند اختیار فاطمه علیها السلام در دست خدایش می‌باشد. علی جان [صفحه ۲۹] چرا به نزد او نمی‌روی و فاطمه علیها السلام را خواستگاری نمی‌کنی امید این است که خداوند فاطمه علیها السلام را برای تو نگه داشته باشد. گوید: چشمان علی پر از اشک شد و فرمود: ای ابوبکر مرا به یاد چیزی انداختی که تاکنون در فکر آن نبودم، بخدا قسم، من فاطمه علیها السلام را می‌خواهم و من کسی نیستم که از مثل فاطمه دخت پیامبر صرف نظر کنم و هیچ چیز جز تنگدستی تاکنون مانع این کار نشده و آن گاه دست از کشیدن آب برداشته، به طرف خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حرکت کرد.

## خواستگاری علی از فاطمه

علی به طرف حجره‌ام سلمه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آن روز در آنجا بود رفته، درب را کوبید. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ام سلمه فرمود: علی علیه السلام آمده است. درب را باز کن تا وارد شود. امام علیه السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد گشته و پس از اسلام به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حالیکه سر خود را به پایین انداخته بود، لحظاتی نشست و همانند کسی که برای کاری آمده ولی شرم از اظهار آن را دارد، به زمین خیره شده چیزی نمی‌گوید. ام سلمه گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانست که در قلب علی علیه السلام چه گذشته و چه می‌گذرد، از این رو فرمود: ای ابوالحسن گویا می‌بینم برای کاری آمده‌ای! هر چه می‌خواهی بگو که برایت انجام خواهم داد. علی علیه السلام فرمود: پدر و مادرم به فدای تو ای رسول خدا، تو خود بهتر می‌دانی که خودت مرا از عمویت ابوطالب و از خانه فاطمه بنت اسد گرفتی در حالی که من کودکی بیش نبودم. مرا به غدای روحیت تغذیه کردی و به آداب تأدیب نمودی و در نزد من از نظر شفقت و مهربانی از پدر و مادرم [صفحه ۳۰] برتر بودی، خداوند مرا بر دست تو هدایت فرمود... اینک دوست دارم حال که خداوند بازوی مرا به وسیله تو محکم گردانیده، خانه و زندگی و همسری داشته باشم که در کنارش آرامش داشته باشم. و من بدین جهت این جا آمدم تا فاطمه علیها السلام را از تو خواستگاری کنم. آیا او را به من تزویج می‌کنی؟ ام سلمه گوید: دیدم که چهره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بسیار شادمان گشته و تبسمی در چهره علی کرد... [۲۱]. شیخ طوسی در امالی از علی علیه السلام روایت کرده وقتی که خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سابقه و قرابت و خویشی خود را گفتم حضرت فرمود، یا علی، راست گفتی، تو برتر از آن هستی که ذکر شود. گوید: عرض کردم ای رسول خدا آیا فاطمه علیها السلام را به من تزویج می‌کنی؟ پیامبر پاسخ داد: پس از تو دیگران آمدند و من به او پیشنهاد دادم اما در هر مرتبه نشان از رضایت در چهره‌ی او ندیدم لیک اندکی تو صبر کن تا به نزد

او رفته و بازگردم. سپس از جای برخاسته و بر فاطمه علیها السلام وارد شد، حضرت زهرا علیها السلام به احترام پدر از جای برخاسته و عبا از دوش پیامبر گرفته و نعلین از پایش در آورد. آنگاه مقداری آب وضو آورده و دست و پای پیامبر را شستشو داده و در محضرش نشست. پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: فاطمه علیها السلام جان، عرض کرد لیک لیک ای رسول خدا؟ پیامبر فرمود: علی بن ابی طالب را که خوب می شناسی، از نظر سوابق و خویشی و تقدم در اسلام و... من از خداوند خواسته‌ام که پروردگرم تو را به [ صفحه ۳۱ ] بهترین بندگان خود تزویج کند... حال علی آمده و تو را از من خواستگاری کرده است. نظر تو چیست؟ فاطمه علیها السلام سکوت کرده و در چهره‌اش آثار رضایت پیدا شد. اینجا بود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جای برخاسته و در حالی که می فرمود: الله اکبر! سکوت فاطمه علیها السلام نشانه‌ی رضایت اوست، از نزد او بیرون رفت. [۲۲].

### چرا پیامبر جواب رد می داد؟

در این که چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به خواستگاران فاطمه علیها السلام پاسخ منفی می داد عللی برای آن گفته شده است: (۱) در ابتدای ورود فاطمه علیها السلام به مدینه هنوز او به حد تکلیف شرعی نرسیده بود، زیرا با در نظر گرفتن این که وی در سال پنجم بعثت [۲۳] به دنیا آمده است و پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم ۱۳ سال که از بعثت گذشت به مدینه هجرت فرمود فاطمه علیها السلام در آن سال ۸ سال داشت، بدین جهت پیامبر خواستگاران را رد می کرده چون فاطمه علیها السلام به حد بلوغ نرسیده بود. [۲۴]. (۲) و در برخی روایات آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ خواستگاران اظهار می داشت: من همانند شما بشر هستم و از شما زن گرفته و زن می دهم، مگر فاطمه علیها السلام را که اختیارش در دست پروردگار است. [۲۵]. (۳) چون خواستگاران همشأن فاطمه علیها السلام نبودند، چنان چه علامه مجلسی از عیون اخبار الرضا از امام رضا علیه السلام از پدرانش از علی علیه السلام نقل کرده که [ صفحه ۳۲ ] پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: یا علی علیه السلام بزرگانی از قریش درباره فاطمه علیها السلام به من گله کردند که ما را از تو خواستگاری کردیم ولی بر ما دریغ نموده اما او را به علی علیه السلام تزویج کردی. من به آنها گفتم: به خدا سوگند این من نبودم که از شما جلوگیری کرده و به علی تزویج کرده باشم بلکه این خداوند بود که دستور به چنین کاری داده است. این جا بود که جبرئیل بر من نازل گشته و گفت: ای محمد خدای جل و علا می گوید اگر علی را خلقت نکرده بودم هرگز برای دخترت فاطمه علیها السلام همشأنی روی زمین پیدا نمی شد، از آدم گرفته تا سایر مردم. [۲۶]. و در گفتگویی که آن حضرت با ام ایمن داشت باز پیامبر روی همشأن بودن علی علیه السلام تکیه کرده و فرمود: أما والله. یا ام ایمن لقد زوجتها کفوا شریفا و جیها فی الدنیا و الاخره و من المقربین. ای ام ایمن آگاه باش که من دخترم فاطمه علیها السلام را به کفو و همشأن شرافتمندی شوهر دادم که در دنیا و آخرت صاحب جاه و مقام و منزلتی بوده و از مقربین است. [۲۷].

### تعیین مهریه

#### اشاره

پس از خواستگاری علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام و پذیرفتن وی و استقبال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم از این وصلت فرمود: اگر فاطمه علیها السلام را به تو تزویج کنم چه چیزی را صداق او خواهی کرد؟ علی گفت یا رسول الله: شمشیر و اسب و زره و شترم را مهر او خواهم نمود. [ صفحه ۳۳ ] پیامبر فرمود: اما شتر و شمشیر و اسب را نگه دار، زیرا تو رزمنده هستی و از این سه چیز بی نیاز نمی باشی، و اما زره را چندان نیازی به آن نداری و فقط همان را به عنوان مهریه برای فاطمه علیها السلام قرار ده.

[۲۸]. سپس به علی فرمود: ای ابوالحسن حال برخیز و زره خود را به فروش رسانده و پول آن را نزد من بیاور تا آن چه را که مناسب حال شماست تهیه کنم. امام علی علیه‌السلام گوید: بدین منظور از محضر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیرون آمده و زره را به چهارصد درهم سیاه هجری [۲۹] به عثمان بن عفان فروختم، وقتی که زره تحویل او داده و پولش را گرفتم، عثمان ضمن برگرداندن زره گفت: ای ابوالحسن تو به این زره سزاوارتر از من هستی. عرض کردم: آری، او گفت: این زره را به من تو هدیه کردم. علی گوید: پس زره و پولش را برداشته و در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار دادم. [۳۰].

### مقدار مهریه فاطمه زهرا

#### اشاره

در بین مورخان اختلاف هست که مقدار مهریه فاطمه چقدر بوده است، زیرا برخی آورده‌اند که فقط زره بوده [۳۱] و برخی دیگر علاوه بر زره به چند چیز دیگر اشاره نموده‌اند و دسته سوم مبلغ مهریه فاطمه علیها‌السلام را به سکه نقره رایج آن زمان گفته‌اند. اینک به خلاصه و بررسی این نظریات می‌پردازیم: [صفحه ۳۴]

#### زره حطمیه

به این علت زره حطمیه گفته می‌شود چون هر شمشیری که با آن برخورد می‌کرد شکسته می‌شد و این زره به طائفه‌ای از عبدالقیس که به آنان حطمه به حارث گفته می‌شد و شغل آنها درست کردن زره بود نسبت داده شده است. (مجمع البحرین، ص ۴۶۷). امام صادق علیه‌السلام فرمود: زوج رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم علیاً علیه‌السلام فاطمه علیها‌السلام علی درع له حطمیه تسوی ثلاثین درهماً؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها‌السلام را به یک زره حطمیه که ارزش آن به ۳۰ درهم می‌رسید تزویج کرد. [۳۲].

#### زره و چند چیز دیگر

و در روایت دیگر مهریه فاطمه علیها‌السلام را علاوه بر یک زره، یک زیر انداز پوستی و یک پیراهن کهنه که از جنس بُرد بود می‌دانند. چنان چه عبدالله بن یعفور از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده که فرمود: ان علیاً تزوج فاطمه علیها‌السلام علی جرد برد، و درع و فراش کان من اهاب کبش. [۳۳].

#### پول نقد

دسته‌ی سوم مبلغی از سکه نقره‌ی رایج آن زمان را به عنوان مهریه مطرح کرده‌اند و نسبت به این مقدار باز سه روایت مختلف نقل شده: امام حسین علیه‌السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها‌السلام را به چهارصد و هشتاد درهم به علی تزویج کرد. [۳۴]. هم چنین روایت شده است که چهارصد مثقال نقره بوده و گفته شده پانصد درهم بوده است. [۳۵]. [صفحه ۳۵]

#### توضیح و بررسی

ظاهراً در این تردیدی نباشد که مهر فاطمه علیها‌السلام از پانصد درهم فراتر نرفته است، حال یا این پانصد درهم نقره، پول زره بوده

است و یا حاصل مجموع پول زره و چند چیز دیگری که همراه زره به عنوان مهر فاطمه علیهاالسلام قرار گرفت. از این روی اگر چه ظاهراً اختلاف در پول نقد شده است، اما این قابل توجیه می‌باشد. زیرا اگر فقط قیمت زره را در نظر بگیریم ممکن است اشکال شود که قیمت زره چهارصد درهم و یا زیر پانصد درهم بوده است. اما با در نظر گرفتن چند چیز دیگر که برد کهنه و زیر انداز بوده باشد، برابر با پانصد درهم خواهد بود. علامه‌ی مجلسی ضمن یادآوری روایت چهارصد و هشتاد درهم، و چهارصد مثقال نقره، و پانصد درهم می‌فرماید: روایت پانصد درهم صحیح‌تر است و سبب این اختلاف روایت جابر جعفی از امام باقر است که فرمود: کان صداق فاطمه علیهاالسلام برد حیره و اهاب کبش علی عرار. و روی عن الصّادق علیه‌السلام قال: کان صداق فاطمه علیهاالسلام درع حطمیه و اهاب کبش او جدی؛ مهریه فاطمه علیهاالسلام پیراهنی بود از کتان بافت یمن و پوستی دباغی نشده و گیاهی خوشبو. هم چنین از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که صداق فاطمه علیهاالسلام زره حطمیه و پوست دباغی نشده گوسفند یا شتر بود. [۳۶]. و دلیل آن که مهر حضرت فاطمه علیهاالسلام از پانصد درهم فراتر نرفته است همانا سیره و روش معصومین بویژه پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم این بود که بر اساس پانصد درهم که به «مهر السنه» معروف گشت عمل می‌کردند. [صفحه ۳۶] امام جواد علیه‌السلام به هنگام خطبه و خواستگاری از ام‌الفضل دختر مأمون مهر جده‌اش فاطمه علیهاالسلام را که پانصد درهم بود، معین کرد. [۳۷]. مرحوم صدوق می‌نویسد: اگر خواستی ازدواج کنی پس بنگر مهری که قرار می‌دهی از پانصد درهم بیشتر نشود که همان «مهر السنه» باشد و بر همین مقدار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با همسران خویش ازدواج کرد و بر همین اساس و پایه دختران خود را به شوهر داد، بدین جهت مهر السنه مبلغ پانصد درهم گشت... [۳۸]. ممکن است گفته شود با توجه به روایت امام صادق علیه‌السلام که گفته بود: ارزش زره ۳۰ درهم بوده چگونه با ۴۰۰ درهم سازش دارد؟ پاسخ می‌دهیم، اولاً در همه روایات به چنین چیزی اشاره نشده که ارزش زره ۳۰ درهم بوده است و با این بیان ممکن است زره به همان مقداری که عثمان خریداری کرد، ارزش داشته است. و ثانیاً ممکن است آن زره قیمتش بیش از ۳۰ درهم نبوده، اما عثمان آن را به جهاتی به چند برابر خریده است. در این جا علامه مجلسی ضمن بیانی در جمع بین این روایات فرموده: ممکن است بین این روایات به چند وجه جمع کنیم: اول آن که بگوییم زره جزء مهر بوده، نه تمام مهر. دوم آن که شاید مراد حضرت این باشد که اگر آن زره امروز بود، ۳۰ درهم بیشتر ارزش نداشت، گر چه در آن زمان بهایش بیش از این بوده است. [صفحه ۳۷] سوم آن که بگوییم قیمت زره همان ۳۰ درهم بوده است اما حضرت علی آن را به پانصد درهم فروخت. و چهارم این که برخی از اخبار و احادیث حمل بر تقیّه شده است. [۳۹].

### تأمین و تهیه جهیزه

پس از فروش زره توسط علی علیه‌السلام و فراهم شدن مهریه فاطمه علیهاالسلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به چند نفر دستور داد تا لوازم خانه علی و فاطمه علیهاالسلام را خریداری کنند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: حضرت مقدار ۳۳۶ یا ۶۶ درهم را جهت تأمین لوازم منزل فاطمه علیهاالسلام به ام‌ایمن سپرد تا آنها را خریداری کند و مقدار دیگری را به اسماء بنت عمیس داد تا عطر خریداری کند و مقدار دیگری را به نزد ام‌سلمه سپرد تا برای طعام ولیمه عروسی فاطمه علیهاالسلام مصرف شود. [۴۰] هم چنین شیخ طوسی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که آن حضرت بلال را فراخوانده دست برد و مبلغی از همان پول را گرفته، به او سپرد و فرمود: برای فاطمه علیهاالسلام عطر خریداری کن و مقدار دیگری را به ابوبکر داد و فرمود: برای فاطمه علیهاالسلام آن چه را که مناسب حال او می‌بینی از لباس و اثاث خانه خریداری کن، سپس عمار و برخی دیگر از یاران خود را به دنبالش فرستاده تا به کمک او بشتابند. پس آن‌ها هر چه می‌خواستند خریداری کنند نخست بر او عرضه کرده اگر مصلحت می‌دانست همان را خریداری می‌کردند. [۴۱]. [صفحه ۳۸]

## صورت جهیزیه فاطمه

و آن چه که این چند نفر به عنوان جهیزیه برای فاطمه خریداری کردند، عبارت بود از: ۱. یک قواره پیراهن به قیمت هفت درهم. ۲. یک عدد روسری بزرگ به قیمت چهار درهم. ۳. یک حوله سیاه خبیری. ۴. یک تخت خواب با برگ درخت خرما بافته شده بود. ۵. دو عدد تشک کتانی از کتان‌های مصری که درون یکی از آن‌ها لیف خرما و در درون دیگری پشم گوسفند پر شده بود. ۶. چهار عدد بالش از پوست میش مکه که از گیاه خوشبویی به نام اذخر پر شده بود. ۷. یک تخت پرده پشمی. ۸. یک قطعه حصیر. ۹. یک عدد دستاس. ۱۰. یک طشت مسی برای شستن لباس. ۱۱. یک عدد مشک چرمی برای کشیدن آب از چاه. ۱۲. یک بادیه بزرگ برای دوشیدن شیر. ۱۳. یک ظرف چرمی برای آب. ۱۴. یک آفتابه‌ی گلی لعابی شده. ۱۵. یک سبوی گلی سبز. ۱۶. دو عدد کوزه‌ی سفالین. [صفحه ۳۹] ۱۷. یک قطعه پوست چرمی. و ۱۸. یک چادر از پارچه‌های بافت قطر. [۴۲].

## مراسم ازدواج فاطمه

یک ماه از ماجرای عقد علی و فاطمه علیهاالسلام می‌گذشت تا اینکه جعفر و عقیل [۴۳] و بنا بر نقل شیخ طوسی، همسران پیامبر به علی گفتند که در صورت تمایل از آن حضرت بخواهند تا مراسم عروسی را به راه اندازد. و با اعلام موافقت از سوی علی و رفت و آمد ام‌ایمن به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. نخست ام‌ایمن در محضر رسول خدا چنین گفت: ای رسول خدا اگر خدیجه زنده بود امروز در مراسم جشن و عروسی فاطمه علیهاالسلام چشمش روشن می‌گشت، این علی است که همسرش را می‌خواهد. پس چشم فاطمه علیهاالسلام را به وسیله همسرش روشن بنما و هر دو را جمع نموده و چشم ما را هم به این کار روشن گردان. پیامبر در پاسخ فرمود: چرا خود علی چنین درخواستی از من نکرده، چرا که توقع ما از او چنین بود... [۴۴]. ام‌ایمن گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: حال به دنبال علی رفته و او را به نزد من بیاور. به دنبال فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به سوی علی رفته دیدم که او در انتظار من است، تا مرا دید پرسید: ای ام‌ایمن چه کردی؟ عرض کردم: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در انتظار توست. [صفحه ۴۰] علی فرمود: من همان وقت برخاسته بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد شدم در حالی که از شرم و حیا از رسول خدا سر به زیر انداخته بودم، در محضرش نشستم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آیا دوست داری که همسرت به نزد تو بیاید؟ من در حالی که سرم پایین بود گفتم: آری پدر و مادرم به فدایت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من امشب یا فردا شب این کار را انجام خواهم داد. [۴۵]. پس به امیرمؤمنان فرمود: یا علی منزلی را آماده کن تا فاطمه علیهاالسلام را به آن جا منتقل کنی. علی فرمود: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هیچ منزلی یافت نمی‌شود مگر منزل حارثه بن نعمان. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: به خدا سوگند ما دیگر از حارثه خجالت می‌کشیم زیرا بیشتر خانه‌هایش را از او گرفته‌ایم. این سخن که به گوش حارثه رسید خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده، عرضه داشت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من و اموالم در اختیار خدا و رسولش هستیم... پس فاطمه علیهاالسلام را در شب عروسی در خانه حارثه بن نعمان اسکان داد. [۴۶].

## آراستن فاطمه

این جا بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نگاهی به جمع زنان کرد و گفت: چه کسی در این جا حضور دارد؟ ام سلمه گفت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من هستم و این زینب و این فلاان و فلاان در این جا نشسته‌اند. [صفحه ۴۱] پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: برای دخترم و پسر عمویم حجره‌ای در یکی از خانه‌ها مهیا کنید. ام سلمه گفت: در کدام حجره‌ای

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در حجره خودت. آن گاه دستور فرمود: تا فاطمه علیها السلام را برای مراسم عروسی زینت نموده و آرایش دهند. [۴۷]. پس زنان در خانه ام سلمه به چنین کاری مشغول شده و فاطمه علیها السلام را برای شب عروسی آماده کردند. [۴۸].

### ولیمه عروسی علی و فاطمه

سپس به علی فرمود: علی جان، برای مراسم عروسی غذای خوبی آماده کن و آنگاه فرمود: گوشت و نان از ما باشد و خرما و روغن از تو. [۴۹]. یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که چنین دیدند هر یک به اندازه توان خود در مراسم جشن علی و فاطمه علیها السلام شرکت کرده و هدیه‌ای برای علی آوردند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور داد که گندم را آسیاب کرده و نان بپزند، و به علی فرمود تا گاو و گوسفند را سر ببرد و خود به کندن پوست آن‌ها اقدام فرمود. هنگامی که غذا آماده گردید، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور داد تا شخصی از بالای بام خانه فریاد بر آورد که دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را اجابت کنید. مسلمانان به دعوت آن حضرت به مسجد آمده و در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته و به برکت وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آن مراسم بیش از چهار هزار [صفحه ۴۲] نفر از مرد و زن مدینه و در چند نوبت از ولیمه عروسی علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام غذا خوردند. [۵۰]. آورده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آن روز ظرفها را پر از غذا می‌کرد و بوسیده عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عقبه به خانه‌های بی سرپرستان و ضعفا بینوایان از مسلمانان و از هم‌بیمانان می‌فرستاد و در آن روز خانه‌ای نماند که از غذای عروسی فاطمه علیها السلام به آن جا نرفته باشد. [۵۱].

### از خانه پیامبر تا خانه علی

روز اول ماه ذیحجه سال دوم هجرت [۵۲]. روز بسیار مبارکی بوده چرا که در حقیقت روز شادی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت بوده است. روزی بود که در شب آن، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها السلام را به خانه علی فرستاد. مورخین درباره کیفیت بردن فاطمه علیها السلام نوشته‌اند: شب که فرارسید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها السلام را بر مرکب خود سوار کرده تا به خانه علی ببرد. پس سلمان افسار مرکب را در دست گرفته و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در پشت سر او قرار گرفته بود، هم چنان که به راه خود ادامه می‌دادند ناگهان از پشت سر، سر و صدایی به گوشش رسد، نگاه کرد دید جبرئیل و میکائیل و اسرافیل هستند که به همراه گروهی از فرشتگان به زمین فرود آمده‌اند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای جبرئیل! برای چه نازل شده‌اید؟ [صفحه ۴۳] در پاسخ گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده‌ایم تا فاطمه علیها السلام را به خانه ببریم، پس جبرئیل تکبیر گفت و میکائیل نیز تکبیر گفت و میکائیل نیز تکبیر گفت و اسرافیل چنین کرد و سایر فرشتگان به دنبال این سه فرشته تکبیر سر دادند و به دنبال آنها پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تکبیر گفته و در آخر سلمان فارسی آوای تکبیر را سر داد و از آن پس در مراسم عروسی و بردن عروس به خانه شوهر تکبیر گفتن سنت شد. [۵۳]. هم چنین نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دختران عبدالمطلب و زنان مهاجرین و انصار دستور داد تا به همراه فاطمه علیها السلام بوده و شادی کنان رجز بخوانند و تکبیر بگویند و سخنی که مورد رضای خدا نیست بر زبان جاری نسازند. جابر گوید: پس فاطمه علیها السلام را بر شهبای خود سوار کرده و سلمان افسار آن را به دست گرفته و گرداگرد فاطمه علیها السلام هفتاد هزار حوریه در حرکت بودند. از سوی دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حمزه. عقیل و جعفر و سایر اهل بیت نیز در پشت سر فاطمه علیها السلام در حالی که شمشیرهای خود را کشیده بودند، به راه افتادند و زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به همراه دیگر زنان در پیشاپیش کاروان شادی حرکت کرده و ام سلمه و حفصه و معاذه مادر سعد سروده‌ای می‌خواندند و سایر زنان با

تکرار مصراع اول شادی خود را اظهار می‌کردند و سپس تکبیر سر می‌دادند تا این که داخل خانه علی شدند. [۵۴].

### دست فاطمه در دست علی

در این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بزرگوار در کجا دست فاطمه علیها السلام را در دست علی قرار [صفحه ۴۴] داد در بین مورخان اختلاف هست برخی آن را در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و برخی دیگر آن را در مسجد می‌دانند. شیخ طوسی روایت کرده همین که آفتاب غروب کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ام سلمه فرمود: دخترم را بیاور. او فاطمه علیها السلام را به محضر پیامبر آورد و در حالی که از شرم و حیا از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گوشه‌های لباسش به زمین کشیده و عرق از پیشانی‌ش سرازیر بود، در برابر آن حضرت قرار گرفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حضور علی نقاب از چهره فاطمه علیها السلام برداشته و دست فاطمه علیها السلام را گرفته و در دست علی قرار داد و فرمود: باریک الله فی ابنة رسول الله، یا علی نعم الزوجة فاطمه علیها السلام و یا فاطمه علیها السلام نعم البعل علی، خدای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بر تو مبارک گرداند، علی جان فاطمه علیها السلام بسیار همسر خوبی است، ای فاطمه علیها السلام علی شوهر بسیار خوبی است. [۵۵]. اما ابن شهر آشوب آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از بردن فاطمه علیها السلام به خانه علی خود به مسجد رفته و نخست علی را فراخواند و سپس فاطمه علیها السلام را آن گاه دو دست دخترش را در دست علی گذاشت... [۵۶].

### دعای ویژه برای فاطمه و علی

و سرانجام آن شب پیش از آن که خانه علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام را ترک کند، چند دعای ویژه در حق آن دو نموده که هرگز شخص دیگری را در این دعا شریک نساخت از جمله این که فرمود: خدایا این دو بهترین بندگان تو در نزد من هستند، خدایا تو آنها را دوست داشته باش و فرزندان را بر آنها مبارک [صفحه ۴۵] گردان و نگهبانی از سوی خود بر آنها بگمار و از شر شیطان رجیم نسبت به این دو و فرزندان‌شان به تو پناه می‌برم. [۵۷]. اسماء اضافه می‌کند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در آن حال ملاحظه کردم که پیوسته برای هر دو دعا می‌کرد که هیچ کس دیگری را با آنها شرکت نمی‌داد، او پیوسته دعا می‌کرد تا وارد حجره خود شد. [۵۸]. [صفحه ۴۷]

### چشم‌اندازی به خانه فاطمه

#### اشاره

در مدینه منوره، شهر پیامبر، تنها یک خانه بود که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به آن عشق می‌ورزید و اهلش را به شدت دوست می‌داشت. در و دیوار و فضای این خانه از معنویت و نورانی‌تی خاص، حکایت داشت. این خانه روز و شب محل نزول و عروج فرشتگان الهی بود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن قدر به این خانه احترام می‌گذاشت که بدون اجازه وارد آن نمی‌گردید، هر صبح و شام به آن جا می‌رفت و پس از کوبیدن در آن، با صدای بلند بر اهلش سلام می‌داد. هنگام خارج شدن از شهر، آخرین نقطه‌ی توقفش در مدینه بود و پس از مراجعت، اول به سراغ همان خانه می‌رفت. آن خانه، خانه‌ی فاطمه علیها السلام بود که این بخش به وصف آن خواهد پرداخت.

### ویژگی‌های خانه‌ی فاطمه

## موقعیت جغرافیایی

این خانه در طرف شرق مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، هم ردیف دیگر حجره‌های [ صفحه ۴۸ ] رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و در وسط آن‌ها قرار داشت. به گفته نویسنده‌ی مدینه شناسی: «با توجه به دیگر گفته‌های ثبت شده، مسلم است که خانه‌ی فاطمه علیها السلام بین مربع قبر و ستون تهجد بوده است.» [ ۵۹ ]. مردی به عبدالله بن عمر گفت: «در باره‌ی علی بن ابی طالب علیه السلام برایم سخن بگو. عبدالله گفت: اگر می‌خواهی بدانی که مقام و منزلت علی علیه السلام نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم چه اندازه بود، پس نظر کن به خانه‌اش نسبت به خانه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، سپس با دست خود به خانه‌ی علی و فاطمه علیها السلام اشاره کرد و گفت: این خانه اوست که در وسط خانه‌های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفته است. [ ۶۰ ].

## مساحت خانه‌ی فاطمه

بتنونی در الرحلة الحجازیه می‌نویسد: «طول خانه‌ی فاطمه علیها السلام از طرف جنوب ۵/ ۱۴، از طرف شمال ۱۴ متر و از طرف شرق و غرب ۷/ ۵ متر می‌باشد.» [ ۶۱ ].

## اهدایی خدا و رسول

پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله و سلم از همان ابتدای ورود به مدینه در فکر احداث چنین حجره‌ای برای حضرت فاطمه علیها السلام بود. بدین جهت زمانی که حجره‌هایی را در طرف شرق مسجد برای همسران خود احداث کرد، برای فاطمه علیها السلام این حجره را ساخت. [ صفحه ۴۹ ] ام سلمه در روایتی که درباره‌ی عروسی حضرت فاطمه علیها السلام است می‌گوید: «... آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دختر خود، فاطمه علیها السلام و همچنین علی علیه السلام را پیش خود خواند و دست علی علیه السلام را در دست راست و دست فاطمه علیها السلام را در دست چپ گرفت و به سینه‌ی خود گذارد و میان دو چشم آن دو را بوسه زد. آن‌گاه به علی علیه السلام فرمود: علی جان! خوب همسری داری و به فاطمه علیها السلام فرمود ای فاطمه! تو هم خوب همسری داری. سپس از جای برخاسته و پیشاپیش آن دو راه افتاد تا این که آن دو را به خانه‌ای که از پیش برای آن‌ها ساخته بود، وارد کرد. سپس هنگام خروج از خانه، در حالی که دستگیره‌ی در را گرفته بود، فرمود: «طَهَّرَ كَمَا اللَّهُ وَ طَهَّرَ نَسْلَكُمْ...» خداوند شما و نسلتان را پاک گرداند.» [ ۶۲ ].

## راهی به بیرون جز از مسجد نداشت

از دیگر ویژگی‌های این خانه این بود که هیچ گونه راهی به بیرون جز از طریق مسجد نداشت. بدون شک در این کار عنایتی بود. شاید راز این عمل برای مسلمانان آشکار نگردید. سید محمد باقر نجفی می‌نویسد: «همگی مورخان اذعان دارند که خانه‌ی علی در دیگری جز آنچه که به سوی مسجد بازمی‌شد، نداشت.» [ ۶۳ ].

## خانه‌ی رفیع و بر نور

از دیگر ویژگی‌های این خانه این است که همانند دیگر مساجد و [ صفحه ۵۰ ] خانه‌های پیامبران، از نورانیت و جلال و شکوه خاصی برخوردار و از خانه‌هایی بود که قرآن مجید درباره‌ی آنها فرمود: (فی بیوت اذن الله ان ترفع و يذكر فيها اسمه) [ ۶۴ ]: «در



خانه‌هایی که خدا رخصت داده که (قدر و منزلت) آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود.» در روایتی که در ذیل آیه‌ی فوق آمده است، انس از بریده نقل می‌کند: «هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این آیه را تلاوت می‌کرد، مردی از جای برخاست و گفت: مقصود از این خانه‌ها کدام خانه‌هاست؟ پیامبر فرمود: خانه‌های پیامبران. ابوبکر گفت: یا رسول الله! هذا البيت منها و أشار إلى بيت علي و فاطمه علیهما السلام. قال نعم و أفضلها: در حالی که با دست خود به خانه علی و فاطمه علیهما السلام اشاره می‌کرد گفت: آیا این خانه از جمله آن خانه‌ها است؟ حضرت فرمود: آری. بلکه افضل از همه‌ی آنها است.» [۶۵].

### محل نماز و عبادت پیامبر

خانه‌ی فاطمه علیها السلام استراحت‌گاه موقت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنگام دیدار از یگانه گهرش بوده، جای جای این خانه قدمگاه، محل نشستن، محل نماز و عبادت و سجده‌گاه وجود مقدس نبی اکرم بود. حضرت علی علیه السلام فرمود: «روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دیدار ما آمد، ما نیز حریره‌ای [۶۶] برایش آماده کردیم و امّ ایمن هم ظرفی از ماست، کره و مقداری خرما به ما هدیه کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از جای برخاست، وضو ساخت، به سوی [صفحه ۵۱] قبله ایستاد و مدّتی دعا کرد. آن‌گاه با چشمانی پر از اشک، سر به سجده گذارد. هیبت و عظمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مانع شد که علت گریه‌اش را پرسیم. فرزندم حسن، از جای جست و گفت: پدر جان! کارهایی را دیدم انجام دادی که پیش از این انجام نداده بودی. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فرزندم من امروز با دیدن شما آن قدر خوشحال شدم که پیش از این، چنین شادمانی به من دست نداده بود. اینک جبرئیل آمد و به من خبر داد که همه‌ی شما کشته خواهید شد و محل دفن شما هم دور از یکدیگر خواهد بود. با شنیدن این خبر برای شما دعا کردم. امام حسین علیه السلام عرض کرد: یا رسول خدا! با این وصف که قبرهای ما از هم جدا می‌باشد، پس چه کسی به زیارت قبور ما می‌آید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: گروهی از امتم که کمک وصله‌ی مرا دوست می‌دارند. پس در روز قیامت به زیارت این دسته خواهیم رفت و بازویشان را گرفته و آنها را از گرفتاری‌ها و سختی‌های روز قیامت نجات خواهیم داد.» [۶۷].

### زادگاه امام حسن و امام حسین

تردیدی نیست که زادگاه امام حسن، امام حسین، زینب کبری و ام کلثوم: در این خانه است اما نسبت به سایر امامان: بعید به نظر می‌رسد که زادگاهشان در خانه‌ی حضرت فاطمه علیها السلام بوده باشد، زیرا در زمان عبدالملک بن مروان که حسن بن حسن علیهما السلام در آن جا سکونت داشت، او را از خانه‌ی [صفحه ۵۲] حضرت فاطمه علیهما السلام بیرون نمودند و خانه را به بهانه‌ی توسعه مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ویران کردند. [۶۸]. همچنین بعید است که امام زین العابدین علیه السلام هم در آن جا دیده به جهان گشوده باشد، زیرا آن حضرت در سال (۳۸ ه. ق) به دنیا آمد و پدرش امام حسین علیه السلام، در آن سال همراه حضرت علی علیه السلام در کوفه بود. بنابراین به نظر می‌رسد که امام سجاد علیه السلام در کوفه به دنیا آمده باشد اما چنین سخنی را کسی نگفته است. بنابراین احتمال‌ها که حضرت امام سجاد علیه السلام در سال (۳۴، ۳۵ یا ۳۶ ه. ق) به دنیا آمده باشد، می‌توان گفت حضرت در مدینه به دنیا آمده اما باز هم بعید است که در خانه‌ی حضرت فاطمه علیه السلام بوده باشد، زیرا امام حسین علیه السلام در آن وقت در خانه‌ی حضرت فاطمه زندگی نمی‌کرد.

### محل رفت و آمد فرشتگان

امام باقر علیه السلام فرمود: «خانه‌ی علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام بخشی از حجره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و

سقف آن خانه، عرش پروردگار می‌باشد. محل فرود وحی و رفت و آمد فرشتگانی است که هر صبح و شام و هر ساعت و لحظه، با آوردن پیام در حال آمد و شد هستند. آن جا خانه‌ای است که هرگز رفت و آمد فرشتگان در آن پایانی ندارد. گروهی فرود می‌آیند و گروه دیگر بالا- می‌روند. پروردگار عالمیان پرده را از آسمان‌ها برای حضرت ابراهیم علیه‌السلام کنار زد و به نور باصره‌اش قوت بخشید، تا نگاهش به عرض افتاد. همچنین خداوند به دید چشم محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین، قدرت بیش‌تری داد، و آن‌ها عرش [صفحه ۵۳] پروردگار را از خانه‌های خود می‌دیدند و هرگز سقفی برای خانه‌هایشان جز عرش پروردگار نمی‌دیدند... [۶۹]. آری بسیاری از آیات الهی به وسیله، امین وحی در همین خانه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل گشت. جریان حدیث کسا و آمدن جبرئیل نیز در همین خانه بود. [۷۰].

### سلام پیامبر بر اهل خانه

پس از آن که آیه‌ی (و أمر اهلک بالصیلة و اصطر علیها) [۷۱] بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل گشت، آن حضرت چهل روز [۷۲] شش ماه، [۷۳] هشت ماه [۷۴] یا نه ماه [۷۵] در هر صبح و شام به سوی خانه‌ی حضرت فاطمه علیها‌السلام می‌رفت و دستگیره‌ی در خانه را می‌گرفت و پس از سلام بر اهل آن خانه، به دستور آیه عمل می‌نمود و می‌فرمود: الصلوة یرحمکم الله [۷۶] و سپس این آیه را تلاوت می‌فرمود: (انما یرید الله لیزهد عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا). [۷۷]. ابوالحمرء می‌گوید: «چهل روز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دیدم که هر روز صبح به طرف در خانه‌ی علی و فاطمه علیها‌السلام می‌آمد و دستگیره‌ی در را می‌گرفت و می‌فرمود: السلام علیکم اهل البیت و رحمۃ الله و برکاته. الصلوة یرحمکم [صفحه ۵۴] الله. (انما یرید الله لیزهد عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا)» [۷۸]. قندوزی حنفی پس از ذکر این حدیث می‌گوید: «این حدیث از ۳۰۰ نفر از صحابه و یاران پیامبر روایت شده است.» [۷۹].

### بسته شدن در خانه‌ها جز خانه فاطمه

یاران رسول خدا آن گاه که می‌بینند در خانه‌ی علی علیه‌السلام و فاطمه علیه‌السلام به مسجد بازمی‌شود، هر یک از خانه‌ی خود دری به مسجد بازمی‌کنند. دیری نگذشت که فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه آمد که تمام درها باید بسته شود جز در خانه‌ی علی علیه‌السلام. موج اعتراض بالا- گرفت اما پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قاطعانه بر موضوع پافشاری کرد و تمام درها، حتی پنجره‌ها را، جز در خانه‌ی علی علیه‌السلام بست. زید بن ارقم می‌گوید: «برخی از یاران از حضرت خواستند که اجازه دهد، درها همچنان بازماند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از جای برخاست و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: به من دستور داده شد که تمام درها، جز در خانه‌ی علی علیه‌السلام را ببندم. حال می‌بینم که برخی از شما سخن گفته‌اید اما این را بدانید که سوگند به خدا! این من نبودم که در خانه‌ای را بسته یا باز کرده باشم، بلکه دستوری بود که من از آن پیروی کردم.» [۸۰] حدیث یاد شده از احادیث مسلم شیعه و سنی است و تاکنون کسی بر صحت آن اشکال نگرفته جز ابن‌الجوزی که آن را در ردیف احادیث موضوعه و ساخته‌ی رافضی‌ها خوانده است «ابن حجر عسقلانی» در کتاب [صفحه ۵۵] «فتح الباری در شرح صحیح بخاری» در رد گفته‌ی ابن‌الجوزی اظهار می‌دارد: «أخطأ فی ذلک شنیعاً فانه سلک فی ذلک رد الأحادیث الصحیحة بتوهمه المعارضه؛ وی خطای زشتی را در این کتاب مرتکب شده است، زیرا به بهانه‌ی تعارض، بسیاری از احادیث صحیح را رد کرده است.» [۸۱].

### احترام ویژه امامان

گرچه در زمان معصومین علیها‌السلام به ویژه از اواخر زمان امام سجاد علیه‌السلام به بعد، خانه‌ی حضرت فاطمه علیها‌السلام را به

بهانه‌ی توسعه مسجد ویران کردند، اما جایگاه خانه معلوم و مشخص بود و مردم بدون هیچ تقیّه‌ای، نسبت به خانه‌ی حضرت فاطمه علیهاالسلام احترام ویژه‌ای قائل بودند. امام جواد علیه‌السلام هر روز مقارن اذان ظهر، نخست به زیارت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم می‌رفت، سپس به طرف خانه‌ی حضرت فاطمه علیهاالسلام می‌رفت و کفش‌های خود را بیرون می‌آورد و وارد خانه‌ی حضرت فاطمه علیهاالسلام می‌گشت و در آن جا نماز می‌گذارد. [۸۲].

### نگاهی دیگر

نگاه دیگری که به این خانه می‌افکنیم، حیرت‌مان بیشتر می‌شود. چرا که در این خانه هرگز از زخارف دنیا و تجمل‌گرایی چیزی یافت نمی‌شود، خانه‌ای بسیار ساده، نه فرش قابل ذکری دارد و نه وسائل گران قیمت. اشتباه نشود، خیال نکنید که حضرت علی علیه‌السلام فقیر بود و تهی دست، آورده‌اند که از دسترنج خود هزار بنده را آزاد کرد، بلکه این خانواده نمی‌خواستند غیر از زندگی [صفحه ۵۶] زاهدانه راه دیگری را در پیش گیرند، بدین جهت آنچه داشتند یا وقف فقرا و تهیدستان می‌کردند یا به دیگران می‌دادند و خود در نهایت ساده زیستی زندگی می‌کردند. [۸۳]. اینک نیم‌نگاهی به وسائل این خانه- که در حقیقت همان جهیزیه‌ی حضرت فاطمه علیهاالسلام بود و در آن چند سال هیچ به آن اضافه نگشته بود- خواهیم داشت. در این خانه علاوه بر چوبی که حضرت علی علیه‌السلام به دو طرف اطاق جهت آویزان کردن لباس نصب کرده بود، یک پوست گوسفند که در کف اطاق انداخته، یک بالش که داخلش را از لیف خرما پر کرده بود چیز دیگری جز جهیزیه‌ی حضرت فاطمه علیهاالسلام نبود. (که صورت جهیزیه پیش از این، در بحث مراسم ازدواج از نظران گذشت)

### سرنوشت خانه‌ی فاطمه

متأسفانه، این خانه و ساکنانش پس از رحلت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم مورد بی‌مهری امت قرار گرفت و دست خوش حوادث ناگواری شد. خانه‌ای که در و دیوارش بوی رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم از آن به مشام می‌رسید و زمین و محرابش یادآور سجده‌های طولانی یگانه یادگار پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم بود نه تنها فقط در آن خانه را بستند و بر خلاف سفارش آن حضرت مردم را از فیض برکات آن خانه و اهلش محروم ساختند، بلکه برای بیعت گرفتن از علی علیه‌السلام مورد هجوم ناجوانمردانه عده‌ای کینه‌توز و فرصت طلب قرار گرفت و سرانجام در زمان عبدالملک بن مروان، به بهانه‌ی توسعه مسجد، ساکنان آن را [صفحه ۵۷] بیرون کردند و خانه را ویران ساختند. تعجب این جا است که آن‌ها با مشاهده آن همه عطوفت و مهریزی‌ها و احترام فوق‌العاده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم نسبت به اهل بیت خود به ویژه نسبت به فاطمه علیهاالسلام چگونه مردان کینه‌توز و فرصت طلب را جهت بیعت گرفتن از علی علیه‌السلام روانه خانه‌ی فاطمه علیهاالسلام ساختند. آنان مگر حضرت فاطمه علیهاالسلام را نمی‌شناختند که با بردن آتش [۸۴] هم در خانه را سوزاندند [۸۵] و شکستند [۸۶]، هم پهلوی [۸۷] و حرمت صاحب خانه را. [۸۸]. در این خانه که آن را هاله‌ای از غم و مظلومیت فراگرفته، دو قبر مجهول و گمشده و یک محراب قرار دارد. قبر اول، قبر محسن پنجمین فرزند حضرت علی و فاطمه علیهاالسلام است و گویا در پای در خانه دفن گردید. قبر دوم احتمالاً قبر فاطمه علیهاالسلام و یک محراب که برای همگان قابل رؤیت است و روزی این محراب محل نماز، سجده و دعای حضرت فاطمه علیهاالسلام زهرا علیهاالسلام بود. جای بسی تعجب است که آن خانه‌ای که در زمان عبدالملک بن مروان به بهانه‌ی توسعه مسجد پیامبر خراب می‌شود، امروزه در محاصره‌ی نرده‌های آهنین قرار گرفته است. [صفحه ۵۹]

### فاطمه اسوه حیات زیبا

## اشاره

انسانهای پاک سرشت در پی یک زندگی پاک و حیات طیب هستند که زیباترین نماد آن را می‌توان در زندگانی رهبران دینی جستجو کرد. فاطمه، از آن مربیان و معلمان اخلاق است که بشر می‌تواند زندگی او را به عنوان بهترین الگو برای رفتار و معاشرت خود قرار دهد. آن چه در پیش رو دارید اشاره‌ای است کوتاه، و گذرا از ایمان، عبادت ترس از خدا و روز قیامت و اخلاق و روش معاشرت او که به اختصار از آن یاد می‌شود.

## تهجد و عبادت

### اشاره

در این نه سالی که فاطمه علیهاالسلام در خانه علی بود اگر چه برای او یک دوران پرخاطره به حساب آمد، اما هرگز او را از هدف اصلی یعنی رسیدن به معبود و معشوق خود باز نداشت. او همانند پدرش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم جزو پیشتازان میدان عبادت و بندگی [صفحه ۶۰] خدا بود و به گفته حسن بصری: لم یکن فی هذه الأئمة أزهده ولا أعبده من فاطمه علیهاالسلام: در این امت عابدتر از فاطمه علیهاالسلام و زاهدتر از او نداریم! [۸۹]. و همو گوید: وی آن قدر نماز می‌خواند و خدا را عبادت می‌کرد که دو پای مبارکش ورم می‌کرد. پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم این حالت تحسین آمیز و اعجاب برانگیز فاطمه علیهاالسلام را در اشکال مختلف بیان می‌داشت:

### وجود فاطمه مملو از ایمان است

ابن شهر آشوب از محمد بن علی بن الحسین روایت کرده که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سلمان را برای رساندن پیامی به خانه فاطمه فرستاد سلمان گوید: پس از درنگی کوتاه پشت در خانه فاطمه علیهاالسلام به وی سلام گفتم. پس صدای فاطمه علیهاالسلام را از داخل خانه شنیدم که قرآن می‌خواند و در فضای بیرون، دستاس در حال چرخیدن بود. گوید: به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برگشتم و ماجرا به او گزارش کردم آن حضرت تبسمی کرد و فرمود: یا سلمان، ان ابنتی فاطمه علیهاالسلام ملاً لله قلبها و جوارحها ایماناً الی مشاشها... ای سلمان! خداوند قلب و اعضا و جوارح دخترم فاطمه علیهاالسلام را تا فرق سرش سرشار از ایمان کرده، دخترم خود را در اطاعت و عبادت خدا قرار داده و خداوند فرشته‌ای را به نام زوقبیل - جبرئیل - فرستاده تا به جای او دستاس را بگرداند. [۹۰].

### سلام فرشتگان به فاطمه

ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمود: و اما دخترم فاطمه، پس او سیده زنان عالیمان از اولین و آخرین است. هنگامی که در محراب عبادت می [صفحه ۶۱] ایستد، هفتاد هزار فرشته از فرشتگان مقربین بر او سلام گفته و همان ندایی را که به مریم می‌گفتند به فاطمه علیهاالسلام می‌گویند، که: ان الله اصطفاک و طهرک و اصطفاک علی نساء العالمین. [۹۱].

### منزلت خداوندی

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از عظمت فاطمه علیهاالسلام و از چگونگی عبادت و تهجد و راز و نیازش باز چنین پرده برداشته و ندای خداوند به فرشتگان را این چنین بیان می‌کند: «یا ملائکتی انظروا الی امتی فاطمه علیهاالسلام سیده امانی، قائمه بین

یدی ترتعد فرائصها من خیفتی و قد أقبلت بقلبها علی عبادتی و أشهدکم أنّی قد أمنت شیعتها من النار، فرشتگانم به فاطمه علیها السلام بنگرید که چگونه در مقابل من ایستاده و از ترس من اعضای بدنش می لرزد و من قلبش را به عبادت خود مشغول کرده‌ام، شاهد باشید که من دوستان و شیعیان او را از آتش جهنم ایمن کردم.» [۹۲].

### ترس از روز قیامت

حضرت زهرا علیها السلام به شدت از روز قیامت و سختی آن نگران بود و از پدر بزرگوارش درباره چگونگی زنده شدن و احوال روز قیامت سؤالات بسیاری می نمود. علامه مجلسی می نویسد هنگامی که آیه (و انّ جهنّم لموعدهم أجمعین لها سبعة أبواب لكلّ باب منهم جزء مقسوم) [۹۳] بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل گشت آن [صفحه ۶۲] حضرت بشدت گریست و یارانش نیز بر اثر گریه آن حضرت گریستند اما کسی نمی دانست که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چرا می گرید، و جبرئیل چه چیزی را بر او نازل کرده که باعث گریه فراوان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شده است و از طرفی هیچ کس یارای سخن گفتن با آن را حضرت نداشت. یاران چون می دانستند وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نگاهش به فاطمه علیها السلام می افتد شاد می گردد، یکی از اصحاب به خانه فاطمه رفت تا وی را از این ماجرا و گریه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باخبر سازد، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با شنیدن این خبر برآشف و در حالی که خود را به یک چادر کهنه- که دوازده جای آن را با لیف خرما وصله کرده بود- پوشانیده، خانه را به قصد مسجد و دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ترک گفت. همین که سلمان فارسی چشمش به چادر فاطمه افتاد گریست و گفت و احزنانه... برتن دختران قیصر و کسری لباسهای سندس و ابریشم می باشد اما دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فقط یک چادر پشمینه کهنه داشته باشد!! هنگامی که فاطمه علیها السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد، با دیدن آن حالت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواست پدر را آرام کند بدین جهت گفت: ای رسول خدا سلمان از لباسی که من دارم شگفت زده شده است و آن خدایی که تو را به پیامبری برانگیخت پنج سال است که با علی علیه السلام زندگی می کنم و جز پوست گوسفندی که روزها علف شترمان را روی آن می ریزیم و شبها زیر انداز ما می باشد چیز دیگری نداریم، سپس فرمود: پدرجان جانم فدایت باد چه چیز تو را به گریه درآورده است؟! پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ فاطمه علیها السلام آن چه را که جبرئیل بر او نازل کرده بود بر دخترش تلاوت کرد. فاطمه علیها السلام از شدت ترس و وحشت با صورت بر زمین افتاد در حالی که [صفحه ۶۳] می فرمود: وای پس وای پس وای، وای بر کسی که وارد دوزخ شود. سلمان که چنین دید از وحشت گفت: ای کاش گوسفندی بودم که گوشت مرا می خوردند و پوست مرا پاره پاره می کردند و هرگز نامی از آتش جهنم نمی شنیدم. ابوذر گفت: ای کاش مادرم نازا بود و مرا نمی زایید که نام آتش را بشنوم. مقداد می گفت: ای کاش پرنده‌ای بودم که بر من حساب و کتاب و عقابی نبود و نام آتش را نمی شنیدم. علی علیه السلام می فرمود: ای کاش درندگان گوشت مرا می دریدند و می خوردند و ای کاش مادرم مرا نمی زایید و نام آتش را نمی شنیدم، پس دست بر سر می گذاشت و می گفت: وای از دوری راه و کمی توشه در سفر آخرت. [۹۴].

### انس با قرآن کریم

توجه ویژه حضرت زهرا به قرآن کریم در طول زندگی خود درس دیگری را به شیفتگان این کتاب آسمانی می دهد. گاهی اوقات که امام علی علیه السلام از مسجد به منزل می آمد ملاحظه می کرد، همان آیاتی که لحظاتی قبل بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده بر زبان فاطمه علیها السلام تجاری است، با کمال تعجب می پرسید این آیات از چه راهی به شما رسیده است در حالی که لحظاتی پیش نیست که این آیات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده؟! فاطمه علیها السلام در پاسخ می فرمود: فرزندان

حسن آنها را برایم تلاوت کرده است. [۹۵]. [صفحه ۶۴] و در روایت دیگری آمده است که حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: حَبَّ الی من دنیاکم تلاوة کتاب اللّٰه و النظر فی وجه رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم و الإنفاق فی سبیل اللّٰه؛ سه چیز از دنیای شما را دوست دارم: تلاوت قرآن کریم، نگاه به چهره مقدّس پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله و سلم و انفاق در راه خدا. [۹۶]. و پیش از این گذشت که وقتی سلمان فارسی جهت رساندن پیامی از پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله و سلم به خانه فاطمه علیهاالسلام رفته بود، صدای قرآن خواندن فاطمه علیهاالسلام را از درون خانه شنیده و برای پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله و سلم گزارش داد. [۹۷].

### دعا برای دیگران

حضرت فاطمه علیهاالسلام چگونه سخن گفتن با خدا و چگونه دعا کردن را به آیندگان آموخت، او همیشه دعا می کرد و همه چیز از خدا می خواست اما نه برای خود، فاطمه علیهاالسلام حتی در دعا کردن نیز ایثار می کرد و همه را بر خود مقدم می داشت. امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: مادرم فاطمه علیهاالسلام را در شب جمعه ای دیدم که پیوسته در حال رکوع و سجود بود تا این که صبح دمید و شنیدم که مؤمنین و مؤمنات را نام می برد و بسیار برای آنان دعا می کرد، اما ندیدم حتی یکبار برای خودش دعا کند، از روی تعجب گفتم: مادر، چرا برای خودت دعا نمی کنی و از خدا چیزی نمی خواهی، همان گونه که برای دیگران دعا می کنی؟ مادرم در پاسخ فرمود: یا بنی الجار ثم الدار، فرزندانم اول باید همسایه را در نظر گرفت. [۹۸]. [صفحه ۶۵]

### احترام فوق العاده به پیامبر

هنگامی که آیه (لا- تجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضا) بر پیامبر نازل گشت، حضرت فاطمه علیهاالسلام پدر را یا رسول اللّٰه خطاب می کرد. امام حسین علیه السلام از مادرش فاطمه ی زهرا نقل می کند که فرمود: از آن روزی که این آیه بر پیامبر نازل گشت، هیبت آن حضرت مانع شد که او را پدر خطاب کنم، از اینرو می گفتم: یا رسول اللّٰه. چون پیامبر این برنامه را از من مشاهده کرد، فرمود: دخترم! این آیه درباره ی تو و اهل بیت تو نازل نگشته است، زیرا تو از من هستی و من از تو می باشم، بلکه این آیه درباره اهل جفا و متکبران نازل گشته که احترام مرا نگه نمی دارند. دخترم! تو مرا با همان کلمه ی پدر خطاب کن که برای آرامش قلب من بهتر و به خوشنودی خداوند نزدیکتر است. سپس پیشانی مرا بوسید و مقداری از آب دهان خود به من مالید که از آن پس هرگز نیاز به عطر پیدا نکردم. [۹۹]. شیخ مفید به نمونه دیگری از احترام فاطمه علیهاالسلام به پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله و سلم اشاره می کند که در بخش خواستگاری از فاطمه علیهاالسلام بیان شد.

### سبقت در سلام

حضرت زهرا علیهاالسلام به پیروی از سنت حسنه رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و سلم بسیار اهمیت می داد. در حدیث آمده است که شخصی گفت: بر حضرت فاطمه وارد شدم تا مرا دید سلام کرد و در این امر نیکو بر من پیشی گرفت، سپس فرمود: چه چیز تو را به این جا آورده است؟ [صفحه ۶۶] عرض کردم: به جهت بدست آوردن خیر و برکت. فاطمه علیهاالسلام فرمود: پدرم مرا خبر داد که هر کس سه روز بر من و یا پدرم در آید و سلام کند، خداوند بهشت را بر او واجب می گرداند. [۱۰۰].

### تحمل سختی های زندگی

در روزهای نخست شکل گیری حکومت اسلامی در مدینه، مشکلات فراوان و طاقت فرسایی بر مسلمانان وارد شد. بسیاری از مهاجرین و انصار با تنگدستی روزگار می گذرانند، به یقین با وجود این حالت رقت بار که برای حفظ اسلام و پیروی از پیامبر

پیش آمده بود هرگز برای انسانهای با تقوا و دین دار قابل قبول نبود که خود در بهترین شرایط زندگی کنند و دیگر مسلمانان را به حال خود رها سازند. بدین جهت حضرت زهرا علیهاالسلام از نزدیک شاهد این مسائل بود چگونه می‌توانست چیزی بگوید در حالی که علی نیز یکی از همان تھی‌دستان بود که همانند سایر مسلمانان زندگی می‌کرد و اگر هم بر چیزی دست می‌یافت، دیگران را بر خود مقدم می‌داشت. تا چند سال وضع به همین منوال سپری شد، علی و فاطمه زیر اندازی به جز یک پوست گوسفند - که روی آن می‌خوابیدند - نداشتند، با این حال فاطمه علیهاالسلام صبر کرد و سختی‌های زندگی را به خاطر رضای خدا و پدر و شوهر خویش تحمل کرد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ضمن با خبر بودن از وضع معیشتی علی علیه‌السلام و فاطمه علیهاالسلام پیوسته دختر خود را به صبر و شکیبایی در برابر مشکلات زندگی فرامی‌خواند. [صفحه ۶۷] انس گوید: روزی فاطمه علیهاالسلام خدمت پدر آمده، عرض کرد یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من و پسر عمومیم زیر اندازی جز یک پوست گوسفند نداریم، که شبها ما از آن استفاده می‌کنیم و روزها علف شترمان را روی آن پهن می‌نماییم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دخترم صبر کن زیرا موسی بن عمران علیه‌السلام ده سال از روزهای زندگی خود را سپری کرد در حالی که چیزی جز یک عبای قطوانیه نداشت. [۱۰۱]. همچنین نقل شده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ابوبکر و عمر به دعوت ابویوب به منزل او رفتند، حضرت مقداری از گوشت را برداشت و در قرص نانی گذارده، به ابویوب فرمود: این را به خانه فاطمه علیهاالسلام برسان، زیرا چند روز است که از چنین غذایی استفاده نکرده است. [۱۰۲]. جابر انصاری گوید: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چشمش به فاطمه افتاد در حالی که عبایی از پشم شتر بر سر افکنده و با دو دست خود آرد می‌کرد، و فرزند خود را نیز شیر می‌داد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دیدن این منظره متأثر شده و در حالی که اشک بر گونه‌هایش جاری بود، فرمود: دخترم پیش از شیرینی آخرت تلخی دنیا بچش. فاطمه علیهاالسلام عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خداوند را در برابر نعمتهایش ستایش می‌کنم و بر نعمتهای ظاهری‌اش شکر گزارم. [۱۰۳].

### پاسخ به پرسش‌های مذهبی

حضرت فاطمه علیهاالسلام به عنوان یک مبلغه دین از توان بالایی برخوردار بود. از نظر علم جز با امام معصوم هرگز قابل مقایسه نیست و از نظر اخلاق و [صفحه ۶۸] برخوردها باید وی را با پدر بزرگوارش مقایسه کرد. آن حضرت روش برخورد با مردم و به خصوص کسانی که در حوزه دین ابهاماتی داشتند، از پدرش یاد گرفته بود. امام حسن عسکری علیه‌السلام فرمود: زنی نزد حضرت فاطمه شرفیاب شد و گفت: من مادر ضعیفی دارم که در مورد نماز دچار اشتباهی گردیده و مرا نزد شما فرستاده تا از شما مشکل او را سؤال کنم. حضرت فاطمه جواب مسئله او را داد. وی بار دوم و سوم آمد و پرسید و پاسخ گرفت و این عمل تا ده بار تکرار شد و باز هم فاطمه زهرا علیهاالسلام جواب سؤال او را بیان کرد. آن زن از این همه رفت و آمدهای پی در پی شرمند شد و گفت: بیش از این شما را به زحمت نمی‌اندازم و دیگر سؤال نمی‌کنم. صدیقه‌ی طاهره فرمود باز هم بیا و هر چه سؤال داری پیرس سپس ادامه داد اگر کسی را روزی اجیر نمایند که بار سنگینی را تا ارتفاعی بالا ببرد ولی در مقابل عنوان اجر و مزد به وی صد هزار دینار طلا بدهند آیا در مقابل چنین اجرتی این بار سنگین برایش دشوار خواهد بود؟ آن زن پاسخ داد: نه. حضرت فرمود: هر مسئله‌ای که پاسخ می‌دهم خداوند بیش از فاصله بین زمین و عرش که پر از لؤلؤ و جواهر شده باشد به من پاداش می‌دهد. پس مسلم است که تو هر قدر سؤال کنی برای من هیچ گونه ناراحتی ایجاد نخواهد کرد. از پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می‌فرمود: روز قیامت که علمای شیعیان ما محشور می‌گردند به میزان دانش‌شان به آنان خلعت‌های گرانبهایی داده می‌شود و میزان خلعت‌ها با میزان تلاشی که برای ارشاد بندگان خدا نموده مناسبت دارد تا جایی که به یکی از آنان هزار زیور از نور هدیه می‌دهند. [صفحه ۶۹] آن‌گاه منادی از سوی پروردگار ندا می‌دهد: ای کسانی که ایتم آل محمد را سرپرستی کردید و ای آنان که

در هنگام نبود پدران این ایتم- که ائمه‌ی اطهار باشند- آنان را محافظت و مراقبت می‌کردید، اینان همان شاگردان شمایند، همان یتیمانی که سرپرستی و نگهداری‌شان نمودید و با علوم خود آنان را شاداب و با طراوت کردید، پس به مقدار علمی که به شاگردان خود داده‌اید، از سوی خدا به آنان خلعت دهید، پس آنان به شاگردان خویش به مقدار درسی که به آنها در دنیا داده بودند خلعت می‌دهند حتی برخی از این شاگردان نیز به شاگردان خود خلعت می‌دهند و از سوی خدای تبارک و تعالی امر می‌شود که به معلمان، دو برابر آن چه به شاگردان خود خلعت داده‌اند خلعت داده شود. پس حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: یک نخ از این خلعت‌های آخرتی از آن چه که خورشید یک میلیون بر آن بتابد با ارزش تر است. [۱۰۴].

### التزام به تعهدهای اخلاقی

بسیاری از انسان‌ها در موقع تبیین برخی از ارزش‌ها و طرفداری از آن، خوب سخن می‌گویند، اما نوبت به مرحله‌ی عمل که می‌رسد، معلوم می‌شود که همه‌اش حرف بوده و بس. اما این اصل ارزشی- یعنی تطابق گفتار و کردار- در زندگی معلمان اخلاقی همچون فاطمه علیهاالسلام جایگاه بسیار مهم و ویژه‌ای دارد. گویند: وقتی که قرار شد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یک اسیر زن را به فاطمه هبه کند تا در کارهای خانه او را کمک نماید، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یکی از اسرای ساحل بحر را [صفحه ۷۰] به خانه دخترش فرستاد و سفارش فرمود: تا با او مدارا شود. هنگامی که فاطمه علیهاالسلام این سفارش را از پدر شنید، به پدر گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کارهای خانه یک روز با من باشد و یک روز با او در مرحله عمل نیز چنین کرده و تا آخر بدان پای بند بود. سلمان گوید: روزی فاطمه علیهاالسلام نشسته بود: و در برابرش دستاس گذارده بود، و جو آرد می‌کرد و دست‌های آن حضرت زخمی شده بود، از سوی دیگر حسین علیه‌السلام در گوشه خانه از گرسنگی به خود می‌پیچید، عرض کردم: ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! دست‌هایت زخم شده است. چرا بعضی کارها را به فضا و گذار نمی‌کنی؟! فرمود: پدرم به من سفارش کرده که کارهای خانه یک روز با من باشد و یک روز به عهده او، و دیروز نوبت او بوده است. سلمان گوید: عرض کردم... اجازه دهید یا جو را آرد کنم و یا حسین علیه‌السلام را آرام نمایم؟ فرمود: من به آرام کردن حسین علیه‌السلام شایسته‌ترم، تو جو را آرد کن. مقداری از جو را آرد کردم تا این که صدای اقامه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به گوشم رسید، در نماز جماعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شرکت نمودم و پس از نماز، ماجرا را برای علی نقل کردم. حضرت جریان به خانه رفت اما مدتی نگذشت که شاد و خندان به مسجد برگشت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جریان را از علی علیه‌السلام پرسید در جواب فرمود: بر فاطمه علیهاالسلام وارد شدم دیدم به پشت خوابیده و حسین هم روی سینه‌اش به خواب رفته است و آسیاب هم بدون آن که کسی آن را بگراند می‌چرخد. رسول خدا فرمود: مگر نمی‌دانی در روی زمین فرشتگانی است که در حال گردش‌اند و تا روز قیامت، محمد و آل محمد را خدمت می‌کنند. [۱۰۵]. روشن است که فاطمه علیهاالسلام از اول می‌توانست چنین قراری را نگذارد و اگر [صفحه ۷۱] گذاشت، گاهی بخاطر رسیدگی بیشتر به فرزندان و یا در حالات ویژه به تعهد خود عمل نکند و یا درخواست کمک بنماید، چرا که او نه سوگند یاد کرده بود و نه از لحاظ شرعی ملزم به رعایت چنین تعهدی بوده، زیرا این مسئله فقط یک تعهد اخلاقی بود، اما می‌بینیم که حضرت هرگز این عهد را نشکست و تا آخر به آن پای بند بود.

### خوشحالی از کم شدن بار مسئولیت

آورده‌اند روزی علی و فاطمه علیهاالسلام به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده درخواست کرده تا برنامه زندگی و خدمات در خانه را برای هر یک معین بفرماید. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیهاالسلام را به خدمت در درون خانه



گماشت و آن چه مربوط به بیرون از خانه بود به علی واگذار کرد. فاطمه که از این تقسیم صحیح حساب شده بسیار خوشحال گشته بود گفت: فلا يعلم ما داخلنی من السیرور الا الله یا کفائی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تحمل رقاب الرجال، فقط خدا می‌داند، چقدر خرسندم از این که می‌بینم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا از کارهایی که فقط از عهده مردان برمی‌آید معاف داشت. [۱۰۶]. ناگفته نماند این تقسیم بدان معنا نبود که دیگر علی در منزل دست به هیچ کاری نزند و یا فاطمه علیهاالسلام در کارهایی که مربوط به تأمین معاش و زندگی است به علی علیه‌السلام کمک نکند، بلکه بر اساس برخی از روایات، هم علی علیه‌السلام در خانه به کمک زهرا علیهاالسلام می‌شتافت و گاهی خانه را جارو می‌زد و گاهی فاطمه برای تأمین معاش به کمک علی علیه‌السلام می‌شتافت و در مقابل رسیدن پشم برای مردم، قدری جو می‌گرفت و از آن نانی تهیه می‌کرد. [صفحه ۷۲]

### خدمت بی‌منت

در طول نه سالی که فاطمه علیهاالسلام در خانه علی علیه‌السلام بود با داشتن چهار فرزند خردسال (جز در سال‌های آخر که خادمه‌ای برای آن حضرت معین شد) تمام کارهای خانه را خودش انجام می‌داد. فاطمه علیهاالسلام علاوه بر بچه داری خود از چاه آب می‌کشید و جو آسیاب می‌کرد، اما اظهار خستگی نکرده، و هرگز به خاطر چنین کارهایی بر شوهر منت نگذاشت و یا از کار کردن در خانه استکفاف نکرد و از زیر بار مسئولیت شانه خالی ننمود. فاطمه علیهاالسلام آن محبوبه خدا و پیامبری است که امیرمؤمنان علیه‌السلام درباره فضایل و سجایای اخلاقی‌اش به مردی از بنی‌سعد فرمود: آیا مایلی مطلبی را از خودم و از فاطمه علیهاالسلام برای تو بگویم، او محبوبترین و عزیزترین خلق در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود. او آنقدر با مشک آب از چاه کشید تا آن که در سینه‌اش اثر گذاشت و آن قدر با دستاس آرد کرد، تا آن که هر دو دستش سفت و سخت شد، و آن قدر خانه را نظافت کرد، تا آن که پیراهنش غبار آلود شد، و آن قدر آتش در زیر دیگ روشن کرد که لباسش سیاه رنگ گردید و این کارهای دشوار به وی آسیب فراوان وارد می‌آورد. روزی به فاطمه علیهاالسلام گفتم: چه خوب است نزد پدرت رفته و از آن حضرت بخواهی که خدمتگزاری برایت معین نماید تا این خدمات را انجام دهد. فاطمه علیهاالسلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفت ولی گروهی در نزد آن حضرت نشسته بودند، لذا از گفتن حاجتش خودداری کرد و برگشت. [۱۰۷]. [صفحه ۷۳]

### فاطمه الکوی حیا و عفاف

#### اشاره

تاکنون به نام و تاریخچه بسیاری از زنان در جهان اسلام و یا حتی جهان بشریت برخورد کرده‌ایم، اما موفقیت هر یک از آنها در یک جهت و بسیار محدود بوده و در مقایسه با یکدیگر، مشاهده می‌کنیم هیچ کدام جامع تمام صفات و کمالات اخلاقی و علمی نبوده‌اند. اما دخت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام خود به تنهایی جامع تمام صفات انسانی و کمالات اخلاقی است. چرا که به شهادت پدر بزرگوار و اولاد طاهرینش، آئینه تمام نمای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده و پاره تن او و حجت و اوصیایش بوده است. سیره و روش فاطمه علیهاالسلام بزرگترین درس برای همگان است که تطبیق و پیاده کردن آن، سعادت و کامیابی را در پی خواهد داشت. فاطمه علیهاالسلام مجسمه زهد، پارسایی، اخلاق و بزرگواری، اخلاص و ایثار، حجب و حیا، عفت و پاکدامنی و صدها خصلت خوب انسانی بوده است که در این درنگ کوتاه به نشانه‌هایی از حیا و عفت این بانوی کرامت و فضیلت می‌پردازیم: [صفحه ۷۴]

### فاطمه معدن حجب و حیا

زندگی افتخارآمیز فاطمه علیهاالسلام پر از این نشانه‌ها است و آنها گواهند که وی چقدر با حجب و حیا بوده و به این امر اهمیت می‌داده است. فاطمه علیهاالسلام نه فقط در مسائل دنیوی از حریم حیا پاسداری می‌کرد، بلکه حتی پس از مرگ خود حاضر نبود بدن پیچیده به کفنش در مقابل دیدگان نامحرم قرار گیرد و یا در آخرت همانند دیگر انسانها با بدن برهنه وارد صحنه قیامت و محشر کبری شود و تا این دو امر برایش تضمین نشد از اضطراب و دلهره بیرون نیامده و مرگ برایش گوارا نبود.

### گفتگوی فاطمه و درخواست از اسماء

در صدر اسلام چنین رسم بود، هنگامی که مرد یا زنی از دنیا می‌رفت. پس از غسل و کفن، او را روی تخته‌ای قرار داده و با کشیدن پارچه روی میت او را تا محل دفن تشییع می‌کردند. این منظره که برای فاطمه علیهاالسلام بسیار زشت و زننده بود، به هیچ وجه حاضر نبود، که پس از مرگش این گونه حمل گردد، چرا که هیکل زن اگر چه پوشیده بود، اما کاملاً پیدا بود. بدین جهت در اواخر عمرش با گفتگویی که با اسماء داشت. این مسئله را مطرح کرده و فرمود: ای اسماء: من زشت می‌دارم آنچه را که با جنازه زنان انجام می‌دهند که فقط پارچه‌ای به روی زن می‌کشند، اسماء گفت: من در حبشه چیزی دیدم و مایلم شبیه آن را برای شما نشان دهم. آنگاه، چند چوب‌تر و تازه درخت خرما را طلبیده و آنها را خم نمود و پارچه‌ای برویش [صفحه ۷۵] کشید. فاطمه علیهاالسلام از این کار بسیار شاد شد و فرمود: چقدر خوب و زیبا است. [۱۰۸] چرا که زن از مرد شناخته نمی‌شود. [۱۰۹]. اسماء گوید: فاطمه علیهاالسلام با دیدن این نعش، خنده بر لبانش ظاهر شد و چهره‌اش خندان نشد مگر همان وقت. [۱۱۰]. و در نهایت با تحسین این کار از اسماء خواستند که شبیه آن را برای او درست کنند، سپس فرمود: مرا مستور و پنهان کن، خداوند تو را از آتش جهنم مستور کند. [۱۱۱].

### نمونه‌ای دیگر از حیا فاطمه

فاطمه علیهاالسلام پرسشهای زیادی از پدر داشتند و از جمله آنها نحوه برانگیخته شدن انسانها در روز قیامت بود، چرا که فاطمه علیهاالسلام از روز قیامت هول عظیمی در دل داشت. گوید: روزی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدم: آیا اهل دنیا روز قیامت برهنه‌اند؟ فرمود: آری ای دخترم. گفتم: آیا من هم برهنه‌ام؟ فرمود: آری شما هم ولی آن جا کسی به کسی توجه ندارد. گفتم: واسوأتاه، یومئذ من الله عزوجل: چقدر جای شرمندگی است، آن روز در مقابل خدای متعال. هنوز از محضر پدر بیرون نرفته بودم، که فرمود: اکنون، جبرئیل آمده به من می‌گوید: ای محمد به فاطمه سلام برسان، و بگو [صفحه ۷۶] به جهت حیا و شرم از خدا پروردگار وعده فرمود: که او را در روز قیامت به دو لباس از نور بپوشاند. [۱۱۲].

### فاطمه مظهر عفاف و حجاب

مسئله دوم این است که فاطمه علیهاالسلام بهترین مظهر عفت و پوشش زنان مسلمانان است، زیرا با توجه به این که فاطمه علیهاالسلام آن بانویی نبود که کاملاً-خارج از خانه قطع رابطه کرده باشد، چون تاریخ گواه است که وی دعوت دیگر زنان را می‌پذیرفته، هم چنین جهت تهیه وسایل روزمره به ویژه در روزهایی که حضرت علی علیه‌السلام حضور نداشتند بیرون می‌رفته، مرتب به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفت و آمد می‌کرده، در جنگ احد، به همراه دیگر زنان به مداوای زخمهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرداخته. و در فتح مکه و حجۃ الوداع همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده و پس از شهادت حمزه پیوسته به احد می‌رفته، و گاه برخی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به همراه آن حضرت به حضور می‌پذیرفته،

اما با این حال باز هم بر مسئله عفاف و حجاب زن سخت تکیه می‌کرده است. فاطمه علیهاالسلام در پی آن بود که زن به کرامت انسانی‌اش پی ببرد، و خود را فدای امیال و هوسهای دیگران نکند، فاطمه می‌خواست که دامان زن مسلمان و هر آزاد اندیش را از هر گونه فساد اخلاق و روابط نامشروع و ضد ارزشهای دینی پاک نگه دارد. از حضرت علی علیه‌السلام روایت شده که فرمود: ما روزی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشستیم بودیم، فرمود به من خبر دهید چه چیز برای زنان بهتر است؟ هیچکدام نتوانست جواب حضرت را بگویند و برخواسته پراکنده شدند. [صفحه ۷۷] من به نزد فاطمه علیهاالسلام آمدم و سؤال را برای او نقل کردم و در ضمن گفتم که هیچیک از ما جواب رسول خدا را نمی‌دانستیم. حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود من جواب این سؤال را می‌دانم سپس فرمود: بهترین چیز برای زن این است که هیچ مردی او را نبیند و او هم هیچ مردی را نبیند. من به نزد رسول خدا علیه‌السلام بگرشتم و گفتم یا رسول الله بهترین چیز برای زن این است که هیچ مردی او را نبیند و او هم هیچ مردی را نبیند. حضرت با تعجب فرمود: شما که قبلا این جا حاضر بودید و چیزی نگفتید، پس این جواب را از کجا آوردی؟ گفتم از فاطمه. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ضمن تعجب از دخترش فاطمه، فرمود: براستی که فاطمه پاره تن من است. [۱۱۳]. ناگفته نماند که این حدیث را هر یک به گونه‌ای معنی کرده‌اند که برخی از آن‌ها چندان صحیح بنظر نمی‌رسد، مثلا برخی معتقدند که مراد فاطمه علیهاالسلام این است که زن نگاه شهوت‌آلود به مرد نکند و همچنین به زن چنین نگاهی نکند. در پاسخ باید گفت: این گونه نگاه کردن برای زن و مرد حرام است نه این که بهتر آن است که چنین نگاهی نکند. و با این بیان حدیث را چه جور معنی کنیم، آیا مقصود فاطمه این است که زن هرگز از خانه بیرون نرود، که این معنی هم صحیح نیست، زیرا نه تنها این امر امکان دارد و عملی نیست، بلکه با خطمشی و سیره خود فاطمه مخالف است. زیرا عرض شد خود فاطمه علیهاالسلام رفت و آمد داشته. [صفحه ۷۸] پس منظور حضرت از این جمله چیست؟ بنظر می‌رسد که حضرت زهرا علیهاالسلام تکیه‌اش بر این بوده که زن تا می‌تواند از حضور غیر ضروری خود بکاهد و در صورت حضور، از اختلاطهای نامشروع و گفت و شنوهای غیر اخلاقی پرهیز کند.

### درسی دیگر از فاطمه

آورده‌اند که روزی فردی نابینا از فاطمه اجازه ورود خواست، حضرت زهرا علیهاالسلام خود را از او پنهان کرد، پیامبر که در آن جا حاضر بودند پرسیدند: دخترم چرا خود را از او پنهان کردی در حالی که او تو را نمی‌بیند؟ عرض کرد: درست است که او مرا نمی‌بیند اما من که او را می‌بینم، علاوه بر این که این مرد نابینا بو را استشمام می‌کند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود من گواهی می‌دهم که تو پاره تن من هستی. [۱۱۴]. [صفحه ۷۹]

### سیمای فاطمه در روز قیامت

#### اشاره

چهره مقدس و ملکوتی فاطمه زهرا علیهاالسلام در تاریخ اسلام آن قدر تابناک و روشن است که چندان به تحقیق و بررسی نیاز ندارد، اما با توجه به ایام شهادت [۱۱۵]. آن بزرگوار شایسته است اندکی درباره‌ی فضایل حضرتش گفتگو کنیم. بر این اساس به سراغ روایات نورانی معصومان می‌رویم تا با مقام و جایگاه آن حضرت در قیامت آشنا شویم.

### کیفیت برانگیخته شدن

برانگیخته شدن و رستاخیز از لحظات بسیار سخت و وحشتناک آینده‌ی بشر است. زمانی که معصومان همواره بدان می‌اندیشیده و

گاه از خوف آن بیهوش می‌شدند. فاطمه علیهاالسلام نیز چنین بود و بیشتر بدین زمان می‌اندیشید، فکر زنده شدن، عریان بودن انسان‌ها در قیامت، عرضه شدن به محضر عدل الهی و... او را در [ صفحه ۸۰ ] اندوه فرومی‌برد امیرمؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید: روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه وارد شد و او را اندوهناک یافت. فرمود: دخترم! چرا اندوهگینی؟ فاطمه علیهاالسلام پاسخ داد: پدر جان یاد قیامت و برهنه محشور شدن مردم در آن روز رنجم می‌دهد. پیامبر فرمود: آری دخترم! آن روز، روز بزرگی است، اما جبرئیل از سوی خداوند برایم خبر آورد من اولین کسی هستم که برانگیخته می‌شوم. سپس ابراهیم و آنگاه همسرت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام پس از آن خداوند جبرئیل را همراه هفتاد هزار فرشته به سوی تو می‌فرستد. وی هفت گنبد از نور بر فراز آرامگاهت برقرار می‌سازد. آنگاه اسرافیل لباس‌های بهشتی برایت می‌آورد و تو آن‌ها را می‌پوشی. فرشته دیگری به نام زوقائیل مرکبی از نور برایت می‌آورد که مهارش از مروارید درخشان و جهازش از طلا. تو بر آن مرکب سوار می‌شوی و زوقائیل آن را هدایت می‌کند. در این حال هفتاد هزار فرشته با پرچمهای تسیح پیشاپیش تو راه می‌سپارند. اندکی که رفتی، هفتاد هزار حورالعین در حالی که شادمانند و دیدارت را به یکدیگر بشارت می‌دهند، به استقبال می‌شتابند، به دست هر یک از حوریان منقلی از نور است که بوی عود از آن بر می‌خیزد... آنها طرف راست قرار گرفته همراهت حرکت می‌کنند. هنگامی که به همان اندازه از آرامگاهت دور شدی، مریم دختر عمران همراه هفتاد هزار حورالعین به استقبال می‌آید و بر تو سلام می‌گوید، آنها سمت چپت قرار [ صفحه ۸۱ ] می‌گیرند و همراهت حرکت می‌کنند. آن‌گاه مادرت خدیجه، اولین زنی که به خدا و رسول او ایمان آورد، همراه هفتاد هزار فرشته که پرچمهای تکبیر در دست دارند. به استقبال می‌آیند، وقتی به جمع انسانها نزدیک شدی، حوا با هفتاد هزار حورالعین به همراه آسیه دختر مزاحم نزدت می‌آید، و با تو رهسپار می‌شود.

### حضور فاطمه در میان مردم

فاطمه جان، هنگامی که به وسط جمعیت حاضر در قیامت می‌رسی، کسی از زیر عرش پروردگار به گونه‌ای که تمام مردم صدایش را بشنوند، فریاد می‌زند، چشمها را فروپوشانید و نظرها را پایین افکنید تا صدیقه فاطمه، دخت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همراهانش عبور کنند. پس در آن هنگام هیچ کس جز ابراهیم خلیل الرحمن و علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و... به تو نگاه می‌کنند. [۱۱۶]. جابر بن عبدالله انصاری نیز در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این حضور را چنین توصیف می‌کند: «روز قیامت دخترم فاطمه علیهاالسلام بر مرکبی از مرکبهای بهشت وارد عرصه محضر می‌شود، مهار آن مرکب از مروارید درخشان چهار پایش از زمرد سبز، دنباله‌اش از مشک بهشتی و چشمانش از یاقوت سرخ است و بر آن گنبدی از نور قرار دارد که بیرون آن از درونش و درون آن از بیرونش نمایان است، فضای داخل آن گنبد، انوار عفو الهی و خارج آن پرتو رحمت خدایی است. بر فرازش تاجی از نور دیده می‌شود، که هفتاد پایه از در و یاقوت دارد [ صفحه ۸۲ ] که همانند ستارگان درخشان، نور می‌افشاند. در هر یک از دو سمت راست و چپ آن مرکب هفتاد هزار فرشته به چشم می‌خورد. جبرئیل مهار آن را در دست دارد و با صدای بلند ندا می‌کند: نگاه خود فراسوی خویش گیرید و نظرها را پایین افکنید، این فاطمه علیهاالسلام دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم است که عبور می‌کند. در این هنگام، حتی پیامبران و انبیا و صدیقین و شهدا همگی از ادب دیده فرومی‌گیرند تا فاطمه علیهاالسلام عبور می‌کند، و در مقابل عرش پروردگار قرار می‌گیرد. [۱۱۷].

### منبری از نور برای فاطمه

در ادامه گفتگوی پیامبر با دختر گرامی‌اش درباره چگونگی حضور وی در عرصه قیامت، چنین می‌خوانیم: سپس منبری از نور برایت برقرار می‌سازند، که هفت پله دارد و بین هر پله‌ای تا پله دیگر صفهایی از فرشتگان قرار گرفته‌اند، که در دستشان پرچمهای

نور است. همچنین در طرف چپ و راست منبر، حورالعین صف می‌کشند، آن‌گاه بر بالای منبر قرار می‌گیری، جبرئیل می‌آید و می‌گوید: ای فاطمه! آن چه دوست داری از خدا بخواه.... [۱۱۸].

### شکایت در دادگاه عدل الهی

اولین درخواست فاطمه علیهاالسلام در روز قیامت، پس از عبور از برار خلق [صفحه ۸۳] شکایت از ستمگران است. جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل می‌کند: هنگامی که فاطمه علیهاالسلام در مقابل عرش پروردگار قرار می‌گیرد خود را از مرکب به زیر انداخته اظهار می‌دارد: الهی و سیدی، میان من و کسی که مرا آزرده و بر من ستم روا داشته داوری کن، خدایا بین من و قاتل فرزندم حکم کن. [۱۱۹]. بر اساس روایتی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دخترم فاطمه در حالی که پیراهن‌های خونین در دست دارد وارد، محشر می‌شود پایه‌ای از پایه‌های عرش را در دست می‌گیرد و می‌گوید: یا عدل یا جبار اُحکم بینی و بین قاتل ولدی، ای خدای عادل و غالب بین من و قاتل فرزندم داوری کن. قال فیحکم لابنتی و ربّ الکعبه، به خدای کعبه سوگند به شکایت دخترم رسیدگی می‌شود و حکم الهی صادر می‌گردد. [۱۲۰].

### دیدار حسن و حسین

دومین خواسته‌ی فاطمه علیهاالسلام در روز قیامت از خداوند چنین است: خدایا حسن و حسین را به من بنمایان. در این لحظه امام حسن و امام حسین به سوی فاطمه علیهاالسلام می‌روند در حالی که از رگهای بریده حسین علیهاالسلام خون فوران می‌کند. [۱۲۱]. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: هنگامی که گفته می‌شود وارد بهشت شو، می‌گوید: هرگز وارد نمی‌شوم تا بدانم پس از من با فرزندانم چه کرده‌اند؟ [صفحه ۸۴] به وی گفته می‌شود: به وسط قیامت نگاه کن. پس بدان سمت می‌نگرد و فرزندش حسین علیه‌السلام را می‌نگرد که ایستاده و سر در بدن ندارد، دخت پیامبر ناله و فریاد سر می‌دهد. فرشتگان نیز (با دیدن این منظره) ناله و فریاد برمی‌آورند. [۱۲۲]. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: حسین بن علی علیه‌السلام در حالی که سر مقدسش را در دست دارد می‌آید، فاطمه علیهاالسلام با دیدن این منظره ناله‌ای جانسوز سر می‌دهد. در این لحظه هیچ فرشته مقرب و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مرسل و بنده مؤمنی نیست مگر آن که به حال او می‌گرید. [۱۲۳]. در این موقعیت خداوند به خشم آمده به آتشی به نام «هبهب» که هزار سال در آن دمیده شده تا سیاه گشته و هیچ آسودگی در آن راه نمی‌یابد و هیچ اندوهی از آن جا بیرون نمی‌رود، دستور می‌دهد کشندگان حسین بن علی علیه‌السلام را برگیر و جمع کن... آتش به فرمان پروردگار عمل کرده، همه آن‌ها را برمی‌چیند. [۱۲۴].

### شفاعت برای دوستان اهلبیت

سومین درخواست فاطمه علیهاالسلام در روز قیامت از پروردگار شفاعت از دوستان و پیروان اهل بیت است که مورد قبول حق قرار می‌گیرد و دوستان و پیروانش را مورد شفاعت قرار می‌دهد. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: هنگامی که فاطمه علیهاالسلام به در بهشت می‌رسد، به پشت سرش می‌نگرد، ندا می‌رسد، ای دختر حبیب! اینک دستور داده‌ام به بهشت بروی نگران چه هستی؟ [صفحه ۸۵] فاطمه علیهاالسلام جواب می‌دهد: ای پروردگار، دوست دارم در چنین روزی با پذیرش شفاعتم مقام و منزلتم معلوم شود. ندا می‌رسد: ای دختر حبیب برگرد و در این مردم بنگر و هر که در قلبش دوستی تو با یکی از فرزندان نهفته است داخل بهشت کن. [۱۲۵]. امام باقر علیه‌السلام در روایتی دیگر می‌فرماید: در روز قیامت بر پیشانی هر فردی، مؤمن یا کافر نوشته شده است. پس به یکی از محبان اهل بیت که گناهانش زیاد است دستور داده می‌شود به جهنم برده شود، در آن هنگام فاطمه

علیهاالسلام میان دو چشمش را می‌خواند که نوشته شده است دوست دار اهل بیت، پس به خدا عرضه می‌دارد: الهی و سیدی، تو مرا فاطمه علیهاالسلام نامیدی و دوستان و فرزندانم را به وسیله من از آتش دور ساختی و وعده تو حق است. ندا می‌رسد: فاطمه علیهاالسلام راست گفتی: من تو را فاطمه نامیدم، و به وسیله تو دوستان و پیروان و دوستان فرزندان و پیروانشان را از آتش دور گردانیدم و وعده من حق است و هرگز تخلف نمی‌کنم. این که می‌بینی بنده‌ام را به دوزخ می‌برند، بدین جهت بود که در باره‌اش شفاعت کنی و شفاعت را بپذیرم تا فرشتگان، پیامبران، رسولان و همه مردم از منزلت و مقام آگاهی یابند حال بنگر دست هر که را که بر پیشانی‌اش مومن نوشته شده بگیر و بهشت ببر. [۱۲۶].

### شفاعت دوستان فاطمه از دیگران

عظمت و مقام حضرت فاطمه در روز قیامت چنان است که خداوند به خاطر فاطمه علیهاالسلام به دوستان آن حضرت نیز مقام شفاعت می‌دهد. [صفحه ۸۶] امام باقر علیه‌السلام به جابر فرمود: جابر، به خدا سوگند، فاطمه علیهاالسلام با شفاعت خود در آن روز شیعیان و دوستان را از میان اهل محشر جدا می‌سازد، چنان که کبوتر دانه خوب را از دانه بد جدا می‌کند. هنگامی که شیعیان فاطمه علیهاالسلام همراه وی به در بهشت می‌رسند، خداوند در دلشان می‌افکند که به پشت سر بنگرند. وقتی که چنین کنند، ندا می‌رسد، دوستان من اکنون ه شفاعت فاطمه علیهاالسلام را در حق شما پذیرفتم، نگران چه هستید؟ آنان عرضه می‌دارند: پروردگارا، ما نیز دوست داریم در چنین روزی مقام و منزلت ما برای دیگران آشکار شود. ندا می‌رسد: دوستانم برگردید و هر که را به خاطر دوستی فاطمه علیهاالسلام شما را دوست داشت و نیز هر که به خاطر محبت فاطمه علیهاالسلام به شما غذا، لباس، یا آب داده و یا غیبتی را از شما دور گردانیده همراه خود وارد بهشت کنید. [۱۲۷].

### به سوی بهشت

فاطمه علیهاالسلام پس از شفاعت از دوستان و فرزندان و رسیدگی به شکایتش در دادگاه عدل الهی به فرمان خدا، با جلال و شکوه خاصی وارد بهشت می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: روز قیامت دخترم فاطمه علیهاالسلام در حالی که لباس‌های اهدایی خداوند را که با آب حیات آمیخته شده پوشیده، محشور می‌شود و همه مردم از مشاهده این کرامت تعجب می‌کنند. آنگاه لباسی از لباس‌های بهشت بر وی پوشانده می‌شود. بر هزار حله‌ی بهشتی برای او با خط سبز نوشته شده است: دختر پیامبر را به بهترین شکل ممکن و کامل‌ترین [صفحه ۸۷] هیبت و تمام‌ترین کرامت و بیش‌ترین بهره وارد بهشت سازید. پس فاطمه علیهاالسلام را به فرمان پروردگار در کمال عظمت و شکوه، در حالی که پیرامونش هفتاد هزار کنیز قرار گرفته، به بهشت می‌برند. [۱۲۸].

### استقبال حوریان بهشتی

رسول خدا به فاطمه علیهاالسلام فرمود: هنگامی که به در بهشت می‌رسی، دوازده هزار حوریه، که تاکنون به ملاقات کسی نرفته و نخواهند رفت در حالی که مشعل‌های نورانی به دست دارند و بر شترانی از نور که جهازهایشان از طلای زرد و یاقوت سرخ و مهارهایشان از لؤلؤ و مروارید درخشان است سوارند، به استقبال می‌شتابند. پس وقتی داخل بهشت شدی، بهشتیان به یکدیگر ورودت را بشارت خواهند داد و برای شیعیانت سفره‌هایی از گوهر، [۱۲۹] که بر پایه‌هایی از نور برقرار ساخته‌اند، آماده می‌سازند و در حالی که هنوز سایر مردم گرفتار حساب‌رسی‌اند، آنان از غذاهای بهشتی می‌خورند. [۱۳۰].

## اولین سخن فاطمه در بهشت

سلمان فارسی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم چنین روایت کرده است: هنگامی که فاطمه علیها السلام داخل بهشت می‌شود و آن چه خداوند برایش مهیا کرده می‌بیند، این آیه را تلاوت می‌کند: بسم الله الرحمن الرحيم (الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور [ صفحه ۸۸ ] شکور الذی احلنا دار المقامه من فضله): ستایش و سپاس ویژه خدایی است که اندوهمان را زدود، بدرستی که پروردگار ما آمرزنده و پاداش دهنده است. پروردگاری که در سایه بخشش خود ما را به بهشت و اقامتگاه همیشگی مان فرود آورد. ما در آن جا با رنج و ملالی روبرو نمی‌شویم. [۱۳۱].

## نورانی شدن بهشت از نور فاطمه

ابن شهر آشوب می‌نویسد: در بسیاری از کتابها از جمله کشف ثعلبی و فضایل ابوالسعادات، در معنای این آیه (لا یرون فیها شمسا ولا- زمهریرا). [۱۳۲]. و نمی‌بینند در بهشت نه آفتاب و نه سرمایی را. آورده‌اند که ابن عباس گفت: چنانکه بهشتان در بهشت هستند، ناگاه نوری می‌بینند که باغهای بهشت را نورانی کرد. اهل بهشت اظهار می‌دارند: خدایا تو در کتابی که بر پیامبرت فرستادی، فرمودی: لا یرون فیها شمسا ولا زمهریرا، بهشتیان در بهشت خورشیدی نخواهند دید. ندا می‌رسد: این نور آفتاب و ماه نیست، بلکه علی و فاطمه علیها السلام از چیزی تعجب کرده و خندیدند و از نور آن دو، بهشت روشن گردید. [۱۳۳].

## زیارت انبیا از فاطمه در بهشت

آنگاه که همه انبیا و اولیای خدا وارد بهشت شدند، آهنگ دیدار دختر پیامبر می‌کنند. [ صفحه ۸۹ ] رسول خدا به فاطمه علیها السلام فرمود: هرگاه اولیای خدا در بهشت مستقر گردیدند، از آدم گرفته تا سایر انبیا همه به دیدارت می‌شتابند. [۱۳۴].

## عنايات خداوند به فاطمه در بهشت

### اشاره

پروردگار منان به فاطمه زهرا علیها السلام در بهشت عنایاتی ویژه خواهد داشت. بخشی از آن عنایات چنین است:

### خانه‌های بهشتی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هنگامی که مرا به معراج بردند و داخل بهشت شدم، به قصر فاطمه علیها السلام رسیدم، درون آن هفتاد قصر بود که تمام در و دیوار و تاقهایش از دانه‌های مروارید سرخ ساخته شده، همه آنها به یک شکل زینت داده شده بود. [۱۳۵].

### همنشینی با پیامبر

پیامبر به علی فرمود: یا علی تو و دخترم فاطمه علیها السلام در بهشت در قصر من همنشین من هستید. سپس این آیه را تلاوت فرمود: برادران بهشتی روبروی هم می‌نشینند. [۱۳۶].

### درجه وسیله

رسول خدا فرمود: ان فی الجنة درجه تدعى الوسيلة فاذا سألتم الله فاسألوا لى الوسيلة. [صفحه ۹۰] قالوا يا رسول الله من يسكن معك فيها؟ قال على عليه السلام و فاطمة عليها السلام و الحسن عليه السلام و الحسين عليه السلام. [۱۳۷]. در بهشت درجه‌ای به نام وسیله است. هر گاه خواستید هنگام دعا، چیزی برایم بخواهید، مقام وسیله را از خداوند خواستار شوید. گفتند: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم چه کسانی در این درجه (مخصوص) با شما همنشین خواهند بود؟ فرمود: على عليه السلام فاطمه عليها السلام، حسن عليه السلام و حسين عليه السلام. علامه امینی در منقبت ۲۶ می‌نویسد: از مناقب حضرت زهرا علیها السلام همراه بودن او با پدر و همسر و فرزندان در درجه وسیله است. آن جا پایتخت عظمت حضرت حق، تبارک و تعالی است و جز پنج تن هیچ کس از انبیا و اولیا و مرسلین و صالحان و فرشتگان مقرب کسی بدان راه نمی‌یابد. [۱۳۸].

### سکونت در حظیره القدس

سیوطی در مسند می‌نویسد: ان فاطمه علیها السلام و علیاً علیه السلام و الحسن و الحسين فی حظیره القدس فی قبة بیضاء سقفها عرش الرحمن، فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام و حسن و حسین در جایگاهی بهشتی به نام حظیره القدس در زیر گنبدی سفید به سر می‌برند، که سقف آن عرش پروردگار است. [۱۳۹]. همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در قیامت جایگاه من و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن و حسین سرایی زیر عرش پروردگار است. [۱۴۰]. [صفحه ۹۱] نویسنده خصایص فاطمه علیها السلام ضمن بیانی مفصل درباره‌ی حظیره القدس می‌نویسد: در بهشت والاترین جایگاه حظیره القدس است. [۱۴۱].

### بخشیدن چشمه تسنیم به فاطمه

طبری از همام بن ابی‌علی چنین نقل می‌کند: به کعب الحبر گفتیم: نظرت درباره شیعیان علی بن ابی‌طالب چیست؟ گفت: ای همان من اوصافشان را در کتاب خدا می‌یابم، اینان پیروان خدا و پیامبرش و یاران دین او پیروان و لیش شمرده می‌شوند. اینان بندگان ویژه خدا و برگزیدگان اویند. خدا آنها را برای دینش برگزید و برای بهشت خویش آفرید. جایگاهشان در فردوس اعلای بهشت در خیمه‌ای که از اتاقهایی از مروارید درخشان دارد زندگی می‌کنند، آنان از مقربین ابرارند و سرانجام از جام رحیق مختوم می‌نوشند. رحیق مختوم چشمه‌ای است که به آن تسنیم گفته می‌شود و هیچ کس جز آنها از آن چشمه استفاده نخواهد کرد. تسنیم چشمه‌ای است که خداوند آن را به فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همسر علی بن ابی‌طالب علیه السلام بخشید و از پای ستون خیمه فاطمه جاری می‌شود. آب آن چشمه چنان گوارا است که به سردی کافور و طعم زنجفیل و عطر مشک شباهت دارد. [۱۴۲]. [صفحه ۹۳]

### فاطمه و نقل حدیث از پیامبر

#### اشاره

موقعیت ممتاز حضرت فاطمه زهرا علیها السلام این فرصت را به حضرتش داد تا معارف اسلامی را بدون واسطه از پدر بزرگوارش فراگیرد، آن معارفی که جز او و فرزندان کسی دیگر به کنه و عمق آن نرسید. از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به روایت از پیامبر احادیثی شامل مطالب اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی، تفسیری، از قبیل احترام به همسر، رعایت حقوق همسایگان و مطالبی دیگر پیرامون فضائل علی علیه السلام و شیعیان و پیروان آن حضرت، برخی از پیشگویی‌ها، برخی از دعاها، موقع استجاب دعا و... رسیده است. آری واقعا جای تأسف است که امت از این گوهر ناشناخته پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هیچ استفاده نکرده، به



جای آن که از طریق این بانوی با عظمت به مسائل مهم جامعه‌ی زنان دست یافته و درس‌های زیبا و شیرینی را نسبت به راه و روش زندگی از دو لب مبارکش بشنوند، به غیر از خون دل دادن به حضرتش کار دیگر نکردند.

### فاطمه مخزن اسرار پیامبر

حارثه بن قدامه از سلمان از عمار از حضرت فاطمه علیها السلام مطالبی را نقل [ صفحه ۹۴ ] کرده که نشان می‌دهد که سینه‌ی زهرا علیها السلام در بردارنده‌ی چه علوم و اسراری از پدرش رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم بوده که امیرمؤمنان علیه السلام را به حیرت درآورده بود. روایت شده است روزی عمار به سلمان فارسی گفت: «آیا می‌خواهی چیز عجیبی را از فاطمه علیها السلام برایت نقل کنم؟ سلمان گفت: گفتم آری، نقل کن، ای عمار! او گفت: روزی علی علیه السلام را دیدم که بر فاطمه علیها السلام وارد شد. تا چشم فاطمه علیها السلام به علی علیه السلام افتاد، فریاد زد: علی جان! نزدیک شو تا درباره‌ی آنچه که گذشته و آنچه که خواهد شد و آنچه که اتفاق نمی‌افتد تا روز قیامت برایت بگویم. عمار گفت: دیدم که امیرمؤمنان آرام آرام به عقب برگشت و من هم با برگشتن علی علیه السلام به عقب برگشتم. آن حضرت آمد، تا بر پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم وارد شد. پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: یا ابالحسن! پیش بیا. همین که در محضر پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم نشست. فرمود: تو مرا خبر می‌دهی یا من تو را خبر دهم؟ علی علیه السلام فرمود: شنیدن حدیث از شما بهتر است ای رسول خدا. حضرت فرمود: بر فاطمه علیها السلام داخل شدی و به تو چنین و چنان گفت و همان دم برگشتی. علی علیه السلام فرمود: آیا نور فاطمه علیها السلام از نور ما است؟ پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: آیا نمی‌دانی؟ پس علی علیه السلام به سجده افتاده خدا را شکر کرد. عمار گفت: پس امیرمؤمنان علیه السلام از محضر پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم خارج شده و بر فاطمه علیها السلام وارد شد و من همراهش وارد شدم. فاطمه علیها السلام فرمود: گویا خدمت پدرم رفتی و آنچه را که به تو گفته بودم، به عرضش رساندی. فرمود: آری، فاطمه جان. فاطمه علیها السلام فرمود: بدان ای ابالحسن! خداوند نور مرا خلق کرد در حالی که او را تسبیح می‌گفت و این نور را به درختی از درختان بهشت سپرد و این درخت بر اثر نور من نورافشانی می‌کرد تا این که [ صفحه ۹۵ ] پدرم در وقت معراج، وارد بهشت شد، خداوند همان وقت بر دل پدرم انداخت تا میوه‌ای از همان درخت بچیند و تناول کند، سپس این نور را به مادرم سپرد که مرا به دنیا آورد و من از همان نور می‌باشم.... [۱۴۳].

### اهتمام فاطمه نسبت به احادیث پیامبر

از برخورد حضرت فاطمه علیها السلام نسبت به حفظ و نگهداری احادیث پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم چنین برمی‌آید که وی به احادیث و آثار پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم بیش از هر چیز اهمیت می‌داد تا جائی که برای لحظاتی یکی از همان احادیث را در کنار خود ندید، سخت برآشفته و از خادمه خود خواست تا هر چه زودتر آن را پیدا نموده و حاضر سازد. شقیق بن سلمه از ابن مسعود نقل کرده است: «مردی به حضور فاطمه علیها السلام رسید. گفت: ای دختر رسول خدا! آیا از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم چیزی نزد شما مانده است که به من مرحمت کنید، حضرت به خدمتکار خود فرمود: آن جریده را بیاور. خدمتکار به جست و جو پرداخت ولی آن را پیدا نکرد. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: وای بر تو، آن جریده نزد من با حسن و حسین برابری می‌کند. خدمتکار پس از جست و جوی بسیار آن را پیدا کرده، و به خدمت فاطمه علیها السلام آورد. معلوم شد موقع جاروب کردن آن را در ظرف خاکروبه انداخته است. و در این جریده چنین نوشته بود: حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: «لیس من المؤمنین من لم یأمن جاره بوائقه و من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلا یؤذی جاره و من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلیقل خیراً او یسکت. ان الله تعالی یحب الخیر الحلیم المتعفف و [ صفحه ۹۶ ] بیغض الفاحش العنید البزء السائل الملحف. ان الحیاء من الایمان و

الایمان فی الجنّة؛ از مؤمنین نیست کسی که همسایه از آزار وی در امان نباشد، هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، همسایه‌اش را آزار نمی‌دهد و هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید سخن خوب بگوید و گرنه ساکت باشد. خدای متعالی اهل خیر بردبار عقیف را دوست می‌دارد و شخص بد زبان و سست و لجوج را دشمن می‌دارد. حیا از ایمان است و صاحب ایمان در بهشت است و فحش از زشت گفتار و زشت گفتار هم در آتش است.» [۱۴۴].

### چرا از فاطمه احادیث کمی بر جای مانده؟

این امر ممکن است چند جهت داشته باشد یکی این که ایشان نمی‌توانستند همانند سایر معصومین علیهم‌السلام آزادانه به نقل حدیث بپردازند. بدین جهت احادیث نقل شده از ایشان کم می‌باشد ولی این احتمال به دو جهت صحیح نیست. زیرا اولاً روایان مرد از حضرتش روایت کرده‌اند و ثانیاً مگر روایت فقط به مردان منحصر بوده و زنان حق روایت نداشته‌اند. علت دیگر: همان ظلم آشکاری است که پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به اهل بیت آن حضرت شد، بزرگترین مانع از نشر و گسترش احادیث اهل بیت علیه‌السلام علی‌الخصوص فاطمه‌زهرای علیها‌السلام بود تا آنجا که آن‌هایی هم که از او روایتی شنیده بودند، به خاطر ترس و وحشتی که حاکم بود، از نقل آن‌ها خودداری کرده، در سینه‌های خود پنهان کردند. ابوهیره در این رابطه می‌گوید: تا زمانی که عمر زنده بود، ما جرأت [صفحه ۹۷] نداشتیم یک حدیث از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کنیم. [۱۴۵]. و ممکن است چون بسیاری از این احادیث در فضل اهل بیت علیهم‌السلام خاصه علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام بوده، آن‌ها را شنیده‌اند اما از روی دشمنی و کینه‌ای که با اهل بیت و علی علیه‌السلام داشتند، از بیان آن احادیث خودداری کردند.

### راویان حدیث از حضرت فاطمه

عده‌ی نسبتاً زیادی از حضرت زهرا علیها‌السلام حدیث نقل کرده‌اند که علاوه بر امیرمؤمنان امام حسن، امام حسین، حضرت زینب و ام‌کلثوم افراد زیر به نقل حدیث از حضرتش پرداخته‌اند: ۱- سلمان فارسی ۲- ابوذر غفاری ۳- جابر بن عبدالله انصاری ۴- عبدالله بن مسعود ۵- یحیی بن جعه ۶- حکم بن ابی‌نعیم ۷- عمرو بن الشرید ۸- حذیفه بن الیمان ۹- ربیع بن حراش ۱۰- انس بن مالک ۱۱- ابوسعید خدری ۱۲- ابن ابی‌ملیکه ۱۳- ابویوب انصاری ۱۴- ابوهیره ۱۵- بشیر بن زید ۱۶- سهل بن سعد انصاری ۱۷- شیب بن ابی‌رافع ۱۸- عباس بن عبدالمطلب ۱۹- عبدالله بن عباس ۲۰- عوانه بن الحکم ۲۱- قاسم بن ابی‌سعید خدری ۲۲- هشام بن محمد ۲۳- زینب دختر ابورافع ۲۴- عایشه ۲۵- ام‌سلمه ۲۶- اسماء بنت عمیس ۲۷- سلمی‌ام‌رافع و غیر از این‌ها که می‌توان به روایات این عده در دلائل‌الإمامه، بشاره‌المصطفی، امالی شیخ طوسی، کفایه‌الاثر، مسند فاطمه علیها‌السلام و ده‌ها کتاب دیگر دست یافت.

### گلایه‌ای از مسندنویسان و سخنی با احمد

یا توجه به شمار قابل توجه روایان حدیث از حضرت زهرا علیها‌السلام این گلایه [صفحه ۹۸] را از همه مسند نویسان به ویژه احمد بن حنبل داریم که چرا نسبت به دختر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آن همه بی‌توجهی کرده‌اند. اما سخنی که با احمد داریم این است که اگر ما به جلد ششم مسند نگاه بیفکنیم، خواهیم دید که وی از عایشه در حدود دویست و پنجاه و سه صفحه حدیث نقل کرده ولی از حضرت فاطمه علیها‌السلام حدود یک صفحه و نیم- که جمعا ده حدیث می‌شود- نقل کرده است که حدیث اول و دوم و هشتم به یک مضمون اشاره شده، منتهی با این تفاوت که یکی را به صورت مجمل و دیگری با تفصیل بیشتری آورده است. حال سوال ما این است آیا عایشه تا موقع رحلت آن حضرت نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیشتر بوده یا حضرت فاطمه

علیها السلام. مگر به قول مورخین عامه، حضرت زهرا پنج سال پیش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم به دنیا نیامده است؟ و آیا مگر همسری عایشه با رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم در مدینه صورت نگرفته است؟ حداقل هجده سال [۱۴۶] حضرت فاطمه علیها السلام در کنار پدر بوده است. سوال دیگر ما این است که آیا در این هجده سال، سالی یک حدیث هم حضرت فاطمه علیها السلام از پدر روایت نکرده که حداقل هجده روایت از دوران مکه و مدینه برای فاطمه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم نقل شود؟ ما اگر حضور ده سال پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم را در مدینه حساب کنیم. حضور و درک محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم توسط فاطمه علیها السلام بیشتر می‌باشد یا عایشه؟ با توجه به این که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم با حضرت فاطمه علیها السلام بیشتر همدم و همراز بوده، حضرت فاطمه علیها السلام می‌باید بیشتر روایت داشته باشد یا عایشه؟ آیا ملاقات پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم با حضرت فاطمه علیها السلام بیشتر بوده یا با عایشه که هر چند شب یک شب نزد او بوده است؟ [صفحه ۹۹] از نویسنده مسند احمد باید پرسید: مگر پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در این مدت نه سال به خانه زهرا علیها السلام رفت و آمد نداشته؟ آیا به هنگام ملاقات کاملاً سکوت می‌کرده تا بگوئیم نه یا ده روایت از پدریش نقل کرده است؟ آیا چنین چیزی باور کردنی است. آیا به هنگام میلاد امام حسن، امام حسین و حضرت زینب کبری، آن حضرت جهت تبریک به خانه زهرا علیها السلام نرفته و چیزی نفرموده که وی آنها را ضبط کند. آیا به هنگام رحلت و روزهای بیماری فاطمه علیها السلام به عیادت پدر نرفته و هیچ حدیث و روایتی از او نقل نکرده؟ آیا این ظلم آشکار از یک عالم حدیث شناس بخشودنی است؟

### مسند است یا کتاب فضایل؟

اما سخنی که سیوطی (متوفای ۹۱۱ ه ق) داریم این است که وی مسندی برای حضرت فاطمه علیها السلام جمع کرده است که خواننده در ابتدا فکر می‌کند، وی دویست و هشتاد و چهار حدیث از احادیثی را که حضرت فاطمه علیها السلام نقل کرده، در این کتاب آورده است. اما بعد روشن می‌شود که چنین خبری نیست، زیرا از نام گذاری خود کتاب مشخص که مؤلف بین روایاتی که حضرت فاطمه علیها السلام نقل کرده و بین روایاتی که در فضل و مقام حضرت علیهما السلام فاطمه علیها السلام نقل شده، جمع کرده است و نام آن را مسند گذاشته است. و از دویست و هشتاد و چهار شماره‌ای که در مقابل احادیث زده شده. فقط سی و چهار حدیث را حضرت فاطمه علیها السلام نقل کرده که دو حدیث از آنها با دیگری اشتراک در نقل دارد و با این بیان به نظر می‌رسد اگر نام کتاب را احادیث فضل فاطمه علیها السلام می‌گذاشت، بهتر بود. زیرا چیزی که در آن بسیار کم به چشم می‌خورد، مسند فاطمه علیها السلام است. ثالثاً از سی و چهار حدیث یاد شده، دو روایت سه بار تکرار شده و هفت حدیث دو بار تکرار گشته است. [صفحه ۱۰۰] که با حذف احادیث مکرر فقط بیست و چهار حدیث باقی می‌ماند. و بقیه احادیث نقل شده جز یک حدیث که از تیغ محقق کتاب جان سالم به در برده، به نظر آقای فواز احمد زمزلی محقق کتاب مسند فاطمه سیوطی، یا ضعیف هستند یا مجهول یا مرفوع یا مرسل و سرانجام برای هر کدام عیبی تراشیده که در نتیجه به نظر ایشان از حضرت فاطمه علیها السلام هیچ حدیث صحیحی از پدرش نرسیده است. آیا بی انصافی بیش از این قابل تصور است.

### گسترش فرهنگ کوثر به وسیله معصومین

اگر چه دشمنان اهل بیت: دست به تلاش وسیع و گسترده‌ای زدند تا جلوی گسترش فرهنگ کوثر را بگیرند و متأسفانه در برخی زمینه‌ها نیز موفق گردیدند و در برخی کتاب‌های حدیثی اثر منفی خود را گذارد اما امامان معصوم: با حدیث تمام تا حدودی توانستند مانع گسترش این کار شوند. از این رو مشاهده می‌کنیم که مطالب فراوانی از زبان فاطمه علیها السلام به وسیله هر یک از آنها به دست ما رسیده است و آن چه را که دشمن در پی از بین بردن یا تضعیف آنها بود، اهل بیت احیا کردند و مطالب

گوناه‌گونی از قبیل م. ناقب، فضائل، روش زندگی، سیره و سنت و رفتار حضرت فاطمه علیها السلام در زندگی نه ساله‌اش، برخوردها و گفت و گوهای وی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بسیاری از مسائل اخلاقی، اجتماعی، معنوی و ده‌ها موضوع دیگر به عنوان میراث اصیل حضرت فاطمه علیها السلام برای آیندگان به یادگار گذاشته که در کتاب‌ها و منابع دست اول شیعه فراوان به چشم می‌خورد، بدین جهت باید احادیث حضرت فاطمه علیها السلام را از لابلائی گفته‌های امامان معصوم به دست آورده و از اندیشه‌های والایش بهره برد. [صفحه ۱۰۱]

## بررسی حوادث هجوم به خانه فاطمه

### اشاره

در این که پس از رحلت پیامبر بزرگوار اسلام خانه فاطمه مورد هجوم برخی از خدا بی‌خبران قرار گرفت جای هیچ گونه شک و تردیدی نمی‌باشد چرا که به شهادت مورخان شیعه و سنی این کار صورت گرفته و در این راستا به فاطمه زهرا علیها السلام نه تنها بی‌احترامی و اهانت شد بلکه به تنها یادگار پیامبر آسیب‌های فراوانی وارد گردید. اینک همراه ما باشید تا به این واقعیت پی ببرید:

### پیشگویی پیامبر درباره فاطمه

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم این مسئله را پیش از رحلت در چند نوبت پیشگویی کرده و تأثر عمیق خود را پیشاپیش اظهار داشته، چنان چه صدوق به سند خود از علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام نقل می‌کند: روزی من و فاطمه و حسن و حسین در محضر پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم بودیم که یک مرتبه نگاهی به ما افکنده گریه‌اش گرفت. گفتم یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم چرا گریه می‌کنی؟ [صفحه ۱۰۲] فرمود: برای آنچه که پس از من بر شما وارد می‌شود، گریستم. عرض کردم بر سر ما چه خواهد آمد؟ فرمود: گریه‌ام برای آن ضربتی است که بر فرق تو خواهند زد و بر آن سیلی که به صورت زهرا می‌زنند... [۱۴۷]. و در حدیث دیگر نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم هنگام احتضار سخت به گریه افتاد که محاسن شریفش تر شد. علت گریه را از حضرتش پرسیدند. فرمود: گریه‌ام بر آنست که می‌بینم شرار امت پس از من با اهل بیت من چه بی‌حرمتی‌ها می‌کنند. گویا می‌بینم که به دخترم فاطمه ظلم شده در حالی که فریاد می‌زند ای پدر، ای پدر که هیچ یک از امتم به فریاد او نمی‌رسد... [۱۴۸]. ممکن است برخی ناآگاهان چنین فکر کنند که هرگز چنین بی‌حرمتی نبوده است، زیرا فاطمه علیها السلام آنقدر نزد صحابه عزیز بوده که احدی به خود چنین جرئتی نمی‌داده تا به ساحت مقدسش اهانتی روا داشته باشد. در پاسخ می‌گوییم که به چند دلیل اهانت صورت گرفته است: اولاً: اگر اهانتی نکرده بودند پس چرا از علی علیه‌السلام خواستند تا ترتیب ملاقات با حضرت زهرا را برای آن‌ها فراهم کرده تا از فاطمه علیها السلام معذرت خواهی کنند. [۱۴۹]. و ثانیاً: اگر آزار و اذیت نداده بودند پس چرا ابوبکر در آخر عمر و در بیماری مرگ، پیوسته می‌گفت: و لیتنی لم افتش بیت فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم و ادخله الزجال و لو کان اغلق علی حرب [۱۵۰] و یا این که می‌گفت: فلیتنی ترکت بیت علی و ان کان أعلن علی الحرب و خلاصه این دو [صفحه ۱۰۳] نقل تاریخی این است که: ای کاش به سراغ خانه علی علیه‌السلام و فاطمه علیها السلام نمی‌رفتم و به خانه‌اش داخل نشده و مردان را وارد نمی‌کردم گر چه درب آن خانه برای جنگ بروی من بسته بودند. آیا اگر بی‌حرمتی نسبت به فاطمه علیها السلام انجام نداده بود این گونه آشکارا و بی‌پرده اظهار پشیمانی می‌کرد؟

### چرا به خانه فاطمه هجوم آوردند؟

این بی‌حرمتی به خانه وحی می‌تواند علل گوناگونی داشته باشد، اما مهمترین علت و انگیزه‌ای که آن‌ها را وادار به چنین کاری کرد مسئله گرفتن بیعت از علی علیه‌السلام بود، که اگر این کار را نمی‌کردند، بسا در آینده برای خودشان ایجاد مشکل می‌کرد. و این مسئله به روشنی دلالت دارد، اگر نگوییم هدف آنان به انزوا کشاندن اهل بیت از صحنه سیاست و خلافت اسلامی بود. به این که نه تنها حق ادعای خلافت و رهبری مسلمین را ندارد بلکه به عنوان یک مسلمان باید با خلیفه مسلمین بیعت کند و شاید این مسئله مهمتر از اصل بیعت کردن بود، زیرا در همان زمان بسیاری از مردم همانند سعد بن عباد و دیگران بیعت نکردند، اما نه تنها به خانه‌شان هجوم نشد، بلکه مورد اعتراض هم قرار نگرفتند. این جاست که باید عده‌ای اعرابی و خشونت طلب و بدور از عاطفه نو اخلاق اسلامی همانند مغیره بن شعبه را پیدا کرده و از آنها در جهت شکستن حریم اهل بیت استفاده کرد.

## آغاز ماجرا

عمر بن ابی‌المقدام از پدرش از جدش نقل کرده که گفت: [ صفحه ۱۰۴ ] «در سقیفه بنی‌ساعده در طرف راست ابوبکر نشسته بودم و مردم با او بیعت می‌کردند، در این جا عمر بن الخطاب به او رو کرد و گفت: در صورتی که علی علیه‌السلام با تو بیعت نکند، هیچ کاری از پیش نبرده‌ایم، کسی را به سراغ علی فرستاده و دستور ده تا بیاید و با تو بیعت کند. ابوبکر به قنفذ دستور داد تا به خانه علی علیه‌السلام رفته و او را برای بیعت فراخوانند. قنفذ به در خانه علی علیه‌السلام آمده گفت: أجب خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم. علی فرمود: لأسرع ما کذبتم علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ما خلف رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم أحداً غیری؟ به ندای خلیفه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پاسخ گوی. علی علیه‌السلام فرمود: چه زود بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دروغ گفتید، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم هیچ خلیفه و جانشین غیر از من قرار نداده است! قنفذ برگشته و سخن علی علیه‌السلام را به ابوبکر گزارش داد. ابوبکر گفت: به نزد او رفته بگو: ابوبکر تو را خوانده و می‌گوید: بیا و بیعت کن زیرا تو فردی از مسلمانان هستی. علی علیه‌السلام این بار در پاسخ فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به من دستور داده تا پس از او از منزل خارج نشوم مگر کتاب خدای را جمع بنمایم... [ ۱۵۱ ]. علامه طبرسی می‌نویسد: هنگامی که علی علیه‌السلام به قنفذ اجازه ورود به خانه را نداد، وی به مسجد برگشته. اظهار داشت: لم یأذن لنا. عمر گفت: اگر به شما اجازه داد که چه بهتر و اگر اجازه نداد، بدون اذن و اجازه علی علیه‌السلام وارد خانه او شوید. بار دیگر به سوی خانه فاطمه علیها‌السلام رفته و اجازه ورود خواستند. فاطمه علیها‌السلام [ صفحه ۱۰۵ ] فریاد زد: اجازه نمی‌دهم وارد شوید. در این جا کسانی که همراه قنفذ بودند برگشتند و او هم چنان پشت در خانه فاطمه علیها‌السلام ماند، آنان به نزد عمر آمده و گفتند: فاطمه علیها‌السلام اجازه نداد، در این جا عمر به خشم آمده، گفت: ما لنا و للنساء؛ ما را با زنان چه کار است، سپس به گروهی که در اطرافش بودند دستور داد تا مقداری هیزم همراه خود برداشته و خود نیز مقداری هیزم برداشته و در اطراف منزل فاطمه قرار گرفتند. و در آن منزل علی علیه‌السلام و فاطمه علیها‌السلام و فرزندان‌شان بودند. این جا بود که عمر فریاد برآورد به گونه‌ای که علی بشنود و گفت: برای بیعت با خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیرون می‌آیی یا خانه‌ات را بر تو بسوزانم... [ ۱۵۲ ].

## و این بار فاطمه سخن گفت

مورخین نوشته‌اند: وقتی که فاطمه صدای عمر را شنید خود به پشت درب آمده و فرمود: مردمی بدتر از شما سراغ ندارم، جنازه رسول خدا در نزد ما رها کرده ۷ خود رفتید و امر خلافت را بین خود تمام کردید، و هیچ حقی را برای ما در نظر نگرفتید، گویا از سخن پیامبر در روز غدیر خبری ندارید. سوگند به خدا در آن روز پیامبر ولایت را برای علی بیان داشت تا امید شما را قطع نموده و دستتان را از خلافت کوتاه کند... [ ۱۵۳ ]. سپس با صدای بلند پدر را مخاطب قرار داده، فرمود: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

سلم ماذا لقینا بعدک من ابن الخطاب و ابن ابی قحافه، ای رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم چه مصیبت‌هایی پس از تو از سوی فرزند خطاب و فرزند ابی قحافه دیدیم. [۱۵۴]. [صفحه ۱۰۶] ناله جان سوز فاطمه علیها السلام و اظهار شکایت او از برخورد غیر منطقی و نفرت آمیز عده عرب جاهلی و از خدا بی خبر بسیاری از مسلمانان را به شدت متأثر کرده و بنابر نقل ابن قتیبه برگشتند، در حالی که به شدت می‌گریستند [۱۵۵] و برخی دیگر از شدت ترس سکوت کرده زیرا با شکستن سکوت و دفاع از اهل بیت، زیر دست و پای جلادان از بین می‌رفتند. بدین جهت جز عده‌ای که خود را آماده کرده بودند، بقیه به خاطر رعب و وحشت و یا به جهات دیگر علی علیه السلام را تنها گذارده و فاصله گرفته بودند. آری هرگز این ناله‌ها در دل‌های سخت‌تر از سنگ برخی، کوچکترین اثری نداشته، و لحظه به لحظه آتش کینه‌های آنان شعله‌ور شده و برای دست‌یابی به علی علیه السلام گام‌های بعدی را به اجرا گذاردند.

### تعداد مهاجمین

شاید این سؤال در ذهن بسیاری باشد که آیا در این ماجرای تأسف بار و غم‌انگیز فرد به خصوصی شرکت کرده و یا عده‌ای در این هجوم شرکت داشته‌اند. پاسخ می‌دهیم قبلاً. گفته شد که ابوبکر در پایان عمر از روی پیشمانی می‌گفت: ای کاش به خانه فاطمه علیها السلام حمله نمی‌کردم و مردان را به داخل خانه فاطمه علیها السلام جهت بیعت گرفتن از علی علیه السلام نمی‌فرستادم. و این سخن گویا این مطالب است که مهاجم یک نفر نبوده است. در این جا تاریخ نگاران برخی به نام چند نفر اشاره کردند و برخی دیگر به جمله دست تجمعی اشاره نمودند، مثلاً این واضح اخباری می‌نویسد: فأتوا [صفحه ۱۰۷] فی جماعة حتی هجموا الدار، پس آنان به همراه جماعتی آمده و به خانه فاطمه علیها السلام هجوم آوردند. [۱۵۶]. هم چنین ابن قتیبه می‌نویسد: پس عمر از جای برخاسته، به همراه گروهی به خانه فاطمه علیها السلام آمد. [۱۵۷] فیض کاشانی هم آورده است که: عمر، گروهی از طلقا و آزادشدگان و منافقین را به همراه خود به منزل امیر مؤمنان آورد... [۱۵۸]. و از گفته‌های گذشته چنین برمی‌آید که: این کار به تنهایی صورت نگرفته بلکه عمر به پشتیبانی عده که همراه او بودند دست به چنین کاری زد. شیخ مفید رحمه الله نام این عده را علاوه بر قنفذ چنین برشمرده است: ۱. ابوبکر ۲. عمر ۳. عثمان ۴. خالد بن ولید ۵. مغیره بن شعبه ۶. ابو عبیده جراح ۷. سالم مولای ابو حذیفه ۸. عمر بن ابی المقدام. [۱۵۹]. ابوالأسود نام اسید بن خضیر و سلمه بن سلامه بن وقش را در شمار مهاجمین به خانه فاطمه علیها السلام قرار داده است. [۱۶۰]. و در نقل دیگری برخی نام ثابت بن قیس و عبدالرحمن بن عوف و محمد بن مسلمه را به این تعداد افزوده‌اند. [۱۶۱].

### آیا درب خانه فاطمه را سوزاندند

برخی با انکار مسئله احراق درب خانه فاطمه علیها السلام سعی در محو حقایق [صفحه ۱۰۸] تاریخی دارند، اما غافل از این که مسئله سوزاندن درب خانه علاوه بر منابع شیعه در کتابهای اهل سنت نیز بدان اشاره شده است. ابن قتیبه می‌نویسد: فدعا بالحطب و قال: و الذی نفس عمر بیده أخرجنّ أو لأحرقنّها علی من فیها فقیل له یا اباحفص انّ فیها فاطمه علیها السلام فقال: و انّ پس عمر دستور داد تا هیزم بیاورند و گفت: قسم به آن کسی که جان عمر در دست اوست بیرون می‌آیید یا خانه را با آن که در او هست بسوزانم، به او گفتند: ای پدر حفص در این خانه فاطمه علیها السلام است! گفت: گر چه او هم باشد. [۱۶۲]. ابن عبدربه اندلسی با انصاف بیشتری که در این جهت به خرج داده بردن آتش به در خانه فاطمه علیها السلام را مطرح کرده و می‌نویسد: پس عمر با شعله‌ای از آتش به سوی خانه علی علیه السلام رفته تا خانه را بر آن‌ها بسوزاند که فاطمه علیها السلام با آن‌ها روبرو گشته و گفت: ای ابن الخطاب آمده‌ای که خانه ما را بسوزانی؟ گفت: آری، یا این که داخل شوید بر آن چه که دیگران داخل شدند (بیعت کنید).

[۱۶۳].

### سوزاندن درب خانه در منابع شیعه

و در منابع کهن شیعه به این مسئله به روشنی اشاره شده که به گفته چند نفر از آن‌ها بسنده می‌کنیم: ۱- علی بن حسین المسعودی می‌نویسد: ... فهجموا علیه داره و احرقوا بابه و استخرجوه منه کرهأً. پس آنان به خانه علی حمله برده و درب خانه‌اش را به آتش کشیده و به زور وی را از خانه بیرون کشیدند. [۱۶۴]. [صفحه ۱۰۹] ۲- سلیم بن قیس از امیرمؤمنان ضمن بیاناتی چنین گوید: فأحرق الباب ثم دفعه عمر؛ پس عمر در را سوزاند و با لگد آن را باز کرد. [۱۶۵]. ۳- و دیلمی در ارشاد القلوب، در بخشی از گفتگویی که علی بن ابی‌طالب با عمر چنین آورده است که: گویا می‌بینم دستور داده می‌شود... آن آتشی را که بر در خانه‌ام روشن کرده‌اید تا من و فاطمه علیهاالسلام و حسن و حسین و دو دخترم زینب و ام‌کلثوم را بسوزانید، بیاورند و شما دو نفر را بوسیله همان آتش می‌سوزاند... [۱۶۶]. و امام صادق علیه‌السلام ضمن بیاناتی به مفضل به عمر می‌فرماید: و هیچ روزی همانند محنت و مصیبت ما در کربلا- نمی‌باشد، اگر چه روز سقیفه و آتش روشن کردن بر درب خانه امیرمؤمنان علیه‌السلام و امام حسن و امام حسین و فاطمه علیهاالسلام و زینب و ام‌کلثوم و فضه و کشتن محسن بوسیله لگد مهم‌تر و سخت‌تر است. [۱۶۷]. و در نقل دیگری حضرت به مفضل بن عمر فرمود: هم چنین زدن سلمان فارسی و آتش روشن کردن بر درب خانه امیرمؤمنان علیه‌السلام و امام حسن و امام حسین، تا آنها را بوسیله آتش بسوزانند و زدن به بازوی فاطمه و تازیانه و لگد زدن به شکم او و اسقاط محسنش. [۱۶۸].

### آیا فاطمه هم آسیب دید؟

#### اشاره

و از دیگر مسائل مهمی که در ماجرای شکستن حریم اهل بیت مطرح [صفحه ۱۱۰] است. این که بسیاری می‌پرسند: آیا واقعا در ماجرای حمله به خانه فاطمه علیهاالسلام به دخت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آسیب رسید؟ پاسخ می‌دهیم بدون شک حضرت زهرا علیهاالسلام در این ماجرا آسیب‌های فراوانی دید و در این راستا به چند جای بدن مبارکش آسیب وارد شد:

#### فشار بین در و دیوار

اولین آسیبی که دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این ماجرا متحمل شد، این بود که فاطمه علیهاالسلام گمان نمی‌کردم که آنان بدون اجازه به خانه‌اش وارد شوند، بدین جهت با قرار گرفتن در پشت درب بسته با آنان به گفتگو پرداخت. فیض کاشانی می‌نویسد: فاختبت فاطمه علیهاالسلام وراء الباب فدفعها عمر حتی ضغظها بین الباب و الحائط؛ پس فاطمه آمده و پشت درب خانه پنهان گشت، عمر درب خانه را به شدت باز نموده و فاطمه علیهاالسلام را بین درب و دیوار فشار داد. [۱۶۹]. و مسعودی نیز جمله و ضغظوا سیده النساء بالباب، [۱۷۰] و هم چنین صدوق در ذیل حدیث یا علی علیه‌السلام لک کنز فی الجنه آورده است که از برخی از مشایخ و بزرگان که می‌گفتند: این گنج همان محسن فرزند اوست و این همان سقطی است که بهنگام فشار بین در و دیوار بر فاطمه، بوقوع پیوست. [۱۷۱].

#### شکسته شدن پهلو فاطمه

علامه طبرسی ضمن اشاره به اصل جریان به مسئله شکسته شدن پهلو فاطمه علیهاالسلام اشاره می‌کند و می‌نویسد:

و حالت فاطمه علیهاالسلام بین زوجها و بینهم عند باب البيت... فأرسل أبوبکر الی قنفذ اضربها، فألجأها الی عضاده بیتها فدفعها فکسر ضلعاً من جنبها؛ (وقتی که خواستند علی را بیرون ببرند) فاطمه علیهاالسلام کنار درب خانه مانع از بردن شوهر خود شد... ابوبکر کسی را نزد قنفذ فرستاد که فاطمه علیهاالسلام را بزَن- تا دست از علی بردارد- این جا بود که قنفذ علیهاالسلام را به دستگیره و تیزی درب خانه فشار داده و دنده‌ای از پهلویش را شکست. [۱۷۲].

### سیلی خوردن فاطمه

مسئله سومی که در منابع شیعه به آن اشاره شده جریان اسائه ادب به فاطمه علیهاالسلام و سیلی زدن به آن حضرت می‌باشد، که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در یک پیشگویی از این مسئله پرده برداشته و به علی علیه‌السلام فرمود: گریه‌ام برای آن سیلی است که به صورت فاطمه علیهاالسلام زده خواهد شد... [۱۷۳].

### آسیب دیدن بازوی فاطمه

این واقعت را نمی‌توان نادیده گرفت و یا پنهان کرد که بازوی شریف فاطمه علیهاالسلام مجروح گردیده به گونه‌ای که تا واپسین لحظات زندگی وی را می‌آزرد، حال چه کسی این کار را انجام داد، به روایات نگاهی می‌افکنیم: امام صادق علیه‌السلام ضمن بیان شرح ماجرای آتش زدن درب خانه فاطمه علیهاالسلام به مفضل می‌فرماید:... و زدن به بازوی صدیقه کبری بوسیله تازیانه. [۱۷۴]. [صفحه ۱۱۲] سلیم بن قیس در شرح این ماجرا می‌نویسد: وقتی که فریاد فاطمه علیهاالسلام بلند شد که می‌گفت: یا ابتاه، یا رسول الله صلی علیه و آله و سلم. عمر بن الخطاب با نیامی که شمشیر در آن بود به پهلوی فاطمه زد. فریاد فاطمه که بلند شد، بار دیگر به بازوی فاطمه علیهاالسلام زد. [۱۷۵] و در نقل مرحوم طبرسی گذشت، هنگامی که می‌خواستند علی علیه‌السلام را به زور از خانه بیرون ببرند. فاطمه از علی علیه‌السلام دست به تازیانه برده و به شدت به بازوی فاطمه‌زهرها علیهاالسلام زد به گونه‌ای که اثر آن تازیانه (تا آخرین لحظه) بر بازویش وجود داشت. [۱۷۶].

### سقط جنین

#### اشاره

بیشتر مورخان شیعه و برخی از سنی‌ها بر این عقیده هستند که فاطمه‌زهرها علیهاالسلام پنج فرزند داشت: که پنجمین آن‌ها پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بزرگوار اسلام در قضایای حمله به خانه فاطمه علیهاالسلام سقط گردید. حال برای رسیدگی به این مسئله که آیا فاطمه علیهاالسلام سقط کرده یا نه و آیا این سقط بدون سبب بوده یا در اثر ضربت، باید به کتابهای شیعه و سنی نظری افکنند، تا به عمق این فاجعه و چگونگی مسئله آگاه شویم. علیرغم این که در بسیاری از کتابهای اهل سنت اشاره به وجود چنین فرزندی نشده است، ابن الصبغ مالکی [۱۷۷] و سبط بن الجوزی [۱۷۸] و محب الدین [صفحه ۱۱۳] طبری [۱۷۹] اشاره به پسر سومی به نام محسن دارند، اما می‌گویند وی در دوران کودکی از دنیا رفته است!! و برخی دیگر، رحلت این فرزند را در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانند. [۱۸۰]. در اینجا ابن الصبغ مالکی ضمن اشاره به این که چنین فرزندی از فاطمه سقط شده، این مسئله را به شیعه نسبت داده و می‌نویسد: در بین فرزندان- علی- فرزندی به نام محسن است که برادر حسن و حسین می‌باشد، شیعیان آورده‌اند که وی سقط شده است. [۱۸۱]. آری اگر چه ابن الصبغ اشاره گذرایی در این جهت دارد، اما دیگر به این نپرداخته که این سقط به چه صورت بوده است. آیا به حال طبیعی بوده و یا در اثر ضربه‌ای که بر فاطمه وارد آمده



سقط گردیده است. ولی ابن شهر آشوب از معارف ابن قتیبه نقل کرده که: ان محسنا فسد من زخم قنفذ العدوی. [۱۸۲]. گر چه این مطلب فعلاً در معارف قتیبی وجود ندارد اما از نقل ابن شهر آشوب می‌توان با جرئت گفت که نسخه‌ی معارف در زمان‌های بعد دچار حذف شده است.

### بررسی جریان سقط در منابع شیعه

و اما جریان سقط جنین، تا آن که در منابع شیعه ملاحظه شده اگر نگوئیم که اتفاق در نقل دارند، در بیشتر آنها آمده است. چنان چه در کتاب سلم بن قیس و اثبات الوصیه و امالی صدوق و احتجاج طبرسی و الصراط [صفحه ۱۱۴] المستقیم و ده‌ها کتاب دیگر به نقل آن پرداخته شده است. با این تفاوت که برخی به طور کلی مطرح کرده و برخی دیگر به تشریح ماجرا پرداخته‌اند. اینک به چند نمونه اشاره می‌نماییم. ابن شهر آشوب به نقل ماجرا پرداخته و از امام صادق روایت کرده که به مفضل فرمود: و کشته شدن محسن به وسیله لگد عظیم تر و تلخ تر است. [۱۸۳]. همچنین امام حسن مجتبی علیه‌السلام در گفتگویی که با معاویه داشته، هنگامی که به مغیره بن شعبه رسید به ذکر همین ماجرای تلخ پرداخته و می‌فرماید: این تو بودی که فاطمه دختر رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌و آله و سلم را کتک زدی تا خون آلودش کردی و در اثر همان ضربت سقط کرد. بدان که تو این کار را نکردی مگر برای اهانت به رسول خدا و مخالفت با امر او... [۱۸۴]. علامه بیاضی ضمن نقل این ماجرا می‌نویسد: و بین شیعه اشتهاار یافته که فاطمه را بین درب و دیوار فشار دادند تا محسن خود را سقط کرد در حالی که همه کس می‌دانست که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و آله و سلم در باره‌اش فرموده بود: فاطمه بضعه منی من آذاها فقد آذانی. [۱۸۵]. آری این حادثه تلخ در بین شیعه از آنچنان اشتهاار برخوردار است که جزو مسلمات شمرده شده است. و آنچه بر اشتهاار آن می‌افزاید، این که عبدالکریم شهرستانی در کتاب خود همین مسئله را به عنوان طعن بر نظام کرده و چنین می‌گوید: وی معتقد بوده که عمر در روز بیعت گرفتن (از علی) ضربتی بر شکم فاطمه زد که در اثر [صفحه ۱۱۵] همان ضربت سقط جنین کرد و او در همان روز فریاد می‌زد خانه‌ی فاطمه را با آن که در او هست بسوزانید و در خانه به جز علی و فاطمه و حسن و حسین شخص دیگری وجود نداشت. [۱۸۶]. آری شهرستانی مجبور است که برای لوث کردن این ماجرای مهم تاریخی چنین بگوید و نظام را متهم به شیعه بودن نماید، و الا او چه ارتباطی به شیعه دارد، زیرا او کسی است که فرقه‌ی نظامیه به وی نسبت داده می‌شود. [۱۸۷]. و خلاصه این که با استناد به منابع شیعه و سنی به دون شک حمله به خانه فاطمه صورت گرفته و آسیب رساندن به یادگار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و آله و سلم امری قطعی بوده خواه اهل سنت به آن اشاره کرده و یا از ذکر آن خودداری کرده باشند.

### چند پرسش و پاسخ

و در پایان این بخش به چند پرسش و پاسخ می‌پردازیم: سؤال اول: آیا به موقع حمله شخص دیگری در خانه بوده است؟ در پاسخ می‌گوییم که ممکن است برخی به طرفداری از مهاجمین بگویند، علت هجوم به خانه فاطمه برای این بوده تا بر آن عده از مهاجرین و انصاری که به نشانه اعتراض به خلافت ابوبکر و حمایت از علی علیه‌السلام در خانه وی تحصن کرده بودند، دست یابند. آنان می‌خواستند زبیر و عباس را برای بیعت به مسجد ببرند. بدین جهت به خانه فاطمه حمله کردند. می‌گوییم این سخن نادرست است و هدف آنان جز اهل بیت فرد دیگری نبوده است. زیرا در آن موقعیت حساس کسی غیر از اهل بیت در خانه نبوده و [صفحه ۱۱۶] اگر هم حضور داشته، مورد نظر آنان نبوده است. و بسیاری از مورخین، به نام احدی اشاره نکرده‌اند. در ثانی چرا به موقع آمدن اظهار نداشتند که ما به دنبال عباس و زبیر و سعد بن عبادۀ آمده‌ایم و در صورت دستیابی به این افراد با شما هیچ کاری نداریم در

حالی که هرگز به چنین مسئله‌ای اشاره ننموده‌اند. و سوم این که اگر هدف‌شان آن چند نفر بود، پس چرا علی علیه‌السلام را برای بیعت به مسجد بردند؟ چهارم: اگر هدف‌شان آن چند نفر بود، چرا به فاطمه آسیب رساندند؟ و پنجم آن که اگر کسی غیر از علی علیه‌السلام و فاطمه علیها‌السلام و فرزندانشان در خانه بود. چرا به مقابله با مهاجمین پرداخت و چرا به هنگام دیدن آن صحنه دلخراش به دفاع از صاحب خانه مبادرت نورزید؟ و یا حداقل به دفاع از خود پرداخت. و آخر آن که نظام گفت: به موقع هجوم به خانه علی علیه‌السلام و فاطمه علیها‌السلام کسی جز اهل بیت در خانه وجود نداشت. [۱۸۸]. و تمام این دلائل شاهد بر این است که به موقع هجوم به خانه فاطمه کسی جز اهل بیت در آن جا نبوده است. سؤال دوم: برخورد علی با مهاجمین چه بوده است؟ در برخی تواریخ به این مسئله به گونه‌ای پرداخته شده است، گویا علی علیه‌السلام در موقع هجوم دشمنان هیچ عکس‌العملی از خود نشان نداده، اما باید گفت واقعیت امر غیر از این است که برخی آورده‌اند که حضرت بدون هیچ عکس‌العملی تسلیم خواسته آنان شد. [صفحه ۱۱۷] چرا که هیچ عقل سلیمی باور نمی‌کند مردی که پشت جنگاوران عرب را به زمین زده و آن‌ها را نابود ساخت، حال در برابر عده‌ای فرومایه مطلقاً سکوت کرده و هیچ واکنشی از خود نشان ندهد. به نظر میرسد این جزو محالات است: فردی هر چند هم ناتوان باشد، ببیند که عده‌ای به خانه‌اش هجوم برده و زن و فرزندش را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند، اما هرگز از جایش تکان نخورده و دفاع نکند، چه رسد به غیرت امیرمؤمنان علیه‌السلام. واقعیت امر این است که حضرت علی علیه‌السلام با مشاهده‌ی این جریان، فوراً از جای برخاسته و یقه‌ی عمر را گرفته او را به زمین زده، و آن چنان به بینی و گردنش کوبید، و اراده کشتن او را نمود، که در همان حال به یاد سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم افتاد. این جا بود که عمر را مخاطب قرار داده، فرمود: قسم به خدایی که محمد را به پیامبری ارج نهاده است، ای پسر صهاک! اگر نبود که کتابی از طرف خدا گذشته و عهدی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بسته‌ام می‌فهمیدی که تو نمی‌توانستی داخل خانه من شوی. [۱۸۹]. علامه مجلسی می‌افزاید: با فریاد و استغاثه عمر در زیر دست و پای امیرمؤمنان عده دیگری به خانه علی ریخته و خالد بن ولید شمشیر کشیده علی را مورد حمله قرار داده، اما حضرت بر او حمله کرد که وی از رعب و وحشت. علی علیه‌السلام را سوگند داد تا از او دست بردارد. در این هنگام تنی چند از یاران علی علیه‌السلام با خبر شده و مقداد و سلمان و ابوذر و عمار و بریده اسلمی داخل خانه شده، به کمک علی علیه‌السلام شتافتند، چیزی نمانده بود که یک زد و خورد و خونریزی سختی در خانه علی علیه‌السلام رخ دهد- اما ظاهراً از این که [صفحه ۱۱۸] دست به یک حرکت کوبنده علیه مهاجمین نزدند به اشاره امیرمؤمنان بوده است- سرانجام امیرمؤمنان را برای بیعت از خانه بیرون برده و مردم به دنبال او راه افتادند. [۱۹۰]. سؤال سوم: سزای عاملان این جنایت هولناک چیست؟ از دیگر مباحث مهمی که قابل مطالعه و بحث و بررسی است، که این واقعا اگر دادگاهی برای رسیدگی به این جنایت هولناک تشکیل شود رئیس دادگاه عدل اسلامی چه حکمی خواهد داد؟ آیا کسی چنین حقی دارد که برای گرفتن بیعت از یک مسلمان درب خانه‌اش را سوزانده و سپس با شکستن آن به خانه هجوم برده و به همسر او آزار رسانده و به دست و بازو و پهلویش آسیب رسانده و وی را بین درب و دیوار فشار دهد تا در آستانه مرگ قرار گیرد؟ بگذریم که خانه فاطمه، محل نزول وحی و محل رفت آمد پیامبر و نشست و برخاست و نماز او و محل فرود ملائکه الله بوده که هرگز حرمتش کمتر از مسجد نیست، و هرگز پیامبر بدون اجازه وارد آن نمی‌گشته و شکستن حرمتش نیز جایز نبوده، چگونه حریم خانه مسلمانی بخاطر امتناع از بیعت شکسته می‌شود و بدون اجازه به خانه‌اش حمله شده و به روی زن و فرزندش اسلحه می‌کشند؟ آیا مرتکب چنین جنایت هولناکی که این بی‌حرمتی را نسبت به یکی از خانه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انجام داده، نباید مورد تنبیه قرار گیرد؟ هم چنین می‌پرسیم: تعرض به زن غیر محارب که به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حتی در جبهه ممنوع است، آیا هجوم به خانه‌اش صحیح و جایز است؟ [صفحه ۱۱۹] آیا ترساندن زن باردار و زدن به پهلوی او از روی عمد تا مرز سقط جنین جرم به حساب نمی‌آید؟ اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بزرگوار اسلام در آن وقت در قید حیات بودند و این آسیبها را می‌دیدند سکوت می‌کردند؟ و اعمالشان را تأیید می‌کردند؟ و

آیا خون کسانی که باعث قتل محسن فرزند فاطمه علیهاالسلام شدند را مباح نمی‌نمود؟ چنان چه خون هبار بن ابی‌الأسود را در روز فتح مکه مباح کرد، چرا که زینب دختر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بوسیله نیزه‌ای ترسانده و در اثر آن ترس و وحشت سقط جنین کرده بود. ابن ابی‌الحدید درباره داستان هبار چنین نقل می‌کند: این خبر را بر استادام ابوجعفر نقیب قرائت کردم، او گفت: اگر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خون هبار را بخاطر ترساندن زینب و سقط جنین او حلال شمرد، ظاهر حال چنین است که اگر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زنده بود، خون آن کسی که فاطمه را ترسانده که در اثر آن سقط کرده، حلال می‌شمرد. گوید به استادام: عرض کردم: آیا این سخن را از تو روایت کنم: که گروهی می‌گویند، فاطمه ترسانده شده و در اثر آن محسن را سقط کرده است؟ او گفت: این مطلب را از من نه روایت کن و نه بطلانش را از من روایت کن، زیرا من در این جهت بخاطر تعارض اخبار توقف دارم. [۱۹۱]. [صفحه ۱۲۱]

## دفاع جانانه از حریم ولایت

### اشاره

زندگی هجده ساله تنها یادگار پیامبر بزرگوار اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پر از افتخارات منحصر به فرد است که در زندگی بانوی دیگری هرگز چنین افتخاراتی مشاهده نشده است. فاطمه علیهاالسلام آن شخصیت ممتازی است که در تمام میدان‌های علمی و اخلاقی و عبادی و اجتماعی و سیاسی جزو پیشتازان بلکه در صدر زنان عالم خلقت بوده است. پنج سال از سن شریف و بزرگوارش نگذشته بود که با فریاد کشیدن علیه مشرکان و کافران مکه به حمایت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شتافت. پیوسته از پدر حمایت و دفاع کرد، بوژه در همان سالهایی که حضرت ختمی مرتبت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با کفار قریش به جنگ برخاسته بود که تاریخ هرگز آن خاطرات را از یاد نمی‌برد. او پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نخستین، پشتیبان و مدافع ولایت و رهبری امیرمؤمنان علیه‌السلام بود و در مدت کوتاهی که پس از پدر زندگی بود، هرگز آرام ننشست و به شیوه‌های گوناگون پیام مظلومیت علی بن ابی‌طالب را به آیندگان منتقل کرد [صفحه ۱۲۲] و در این راستا آسیب‌های فراوانی را متحمل شد که از نظران گذشت. اینک به گوشه‌ای از این دفاع مقدس که در چند فراز تنظیم گردیده اشاره‌ای خواهیم داشت:

### نقل روایت درباره جانشینی علی

بسیاری از مسلمانان پس از رحلت پیامبر بزرگوار اسلام، به خاطر ترس و وحشتی که از دستگاه حاکم داشتند، حقایق زیادی را کتمان کردند گویا هرگز آنها را از پیامبر نشنیده‌اند. اما فاطمه علیهاالسلام نه تنها به خود اجازه چنین کاری نداد بلکه شجاعانه و به بهانه‌های مختلف حقایق را پیرامون ولایت و امامت علی بن ابی‌طالب اظهار کرد و آنچه را که در این خصوص از پیامبر شنیده بود برای مردم بازگو نمود. او در پاسخ محمود بن لبید که پرسیده بود راز پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در موقع رحلت با تو چه بود؟ فرمود: خدا را گواه می‌گیرم که شنیدم او - پیامبر - می‌فرمود: علی خیر من اخلفه فیکم؛ علی بهترین فردی است که او را پس از خودم در بین شما قرار می‌دهم و او امام و جانشین من است. و همچنین دو فرزندش و نه فرزند از نسل حسین علیه‌السلام که اگر از آنها پیروی کنید خواهید دید آنها هدایت یافته هستند و اگر با آنان مخالفت کردید تا روز قیامت در بین شما - امت - اختلاف خواهد بود. [۱۹۲].

### یادآوری ماجرای غدیر خم

مهمترین سند ولایت امیرمؤمنان علی علیه‌السلام همان جریان فراموش نشدنی [صفحه ۱۲۳] روز غدیر خم بود که رسول خدا، علی را به امر پروردگار در برابر چشمان ده‌ها هزار نفر به خلافت و جانشینی پس از خود نصب فرمود. فاطمه‌زهرا علیها‌السلام که خود شاهد اعلام جانشینی علی از سوی پیامبر بود، روی همین ماجرا اصرار و پافشاری می‌کرد. محمود بن لبید از جمله کسانی است که سخن فاطمه علیها‌السلام را ضمن ملاقاتی با وی در کنار قبر حمزه برای ما نقل کرده است، او می‌گوید: روزی فاطمه علیها‌السلام را در کنار قبر حمزه سیدالشهدا دیدم که به شدت می‌گریست، کمی صبر کردم تا آرام گرفت. از او پرسیدم: ای سیده من! می‌خواهم از شما چیزی پرسم که پیوسته فکر مرا به خود مشغول داشته است. فاطمه علیها‌السلام فرمود: بپرس. گفتم: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیش از رحلت خود سخنی در مورد جانشینی و امامت علی علیه‌السلام فرموده است؟ فاطمه علیها‌السلام فرمود: و اعجاباه!!! انسیتم یوم غدیر خم؟، بسی جای تعجب است! آیا روز غدیر خم را به دست فراموشی سپرده‌اید؟ محمود بن لبید گوید: در تأیید سخن حضرت فاطمه عرض کردم: آری! بیاد دارم و مطلب همان است که شما می‌فرمایید. [۱۹۳].

### کام در گام علی در مجالس انصار

حمایت فاطمه علیها‌السلام هرگز به نقل حدیث و روایت درباره شخصیت والای علی علیه‌السلام و تکیه کردن بر امامت و جانشینی او خلاصه نمی‌شد، بلکه آن یکی از شیوه‌هایی بود که فاطمه علیها‌السلام در دفاع از حریم ولایت در پیش گرفته بود. [صفحه ۱۲۴] شیوه دیگر این که فاطمه علیها‌السلام همراه امام خود به مجالس انصار می‌رفت، تا شاید آنان را از خواب غفلت بیدار کرده و حق علی علیه‌السلام را بازستاند. ابن‌قتیبه مورخ بزرگ می‌نویسد: علی فاطمه را سوار بر مرکب می‌کرد و همراه خود شبانه به مجالس انصار می‌برد تا به دفاع از حق علی علیه‌السلام پرداخته و از آنان یاری بطلبد اما انصار در پاسخ می‌گفتند: ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! ما با اینان بیعت کردیم و اگر شوهر و عموزاده تو زودتر به نزد ما می‌آمد، هرگز به سراغ شخص دیگری نمی‌رفتیم. حضرت علیها‌السلام در پاسخ می‌فرمود: آیا سزاوار بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دفن نکرده در خانه‌اش رها می‌ساختیم و بخاطر این موضوع با مردم به نزاع می‌پرداختیم؟! [۱۹۴].

### فریاد بر حریم‌شکنان

فاطمه علیها‌السلام در برابر عده‌ای حرمت شکن که به حریم خانه‌اش حمله‌ور شده بودند تا به خیال خود علی علیه‌السلام را به زور شمشیر از خانه بیرون کشیده، برای بیعت به مسجد ببرند، آن چنان فریاد زد و از عمق جان ناله کشید که قلب هر بیننده را جریحه‌دار ساخت. صحنه غریبی بود و منظره عجیبی، علی علیه‌السلام تنها مانده بود، با یک مدافع آن هم فاطمه. راستی او چه کاری می‌توانست انجام دهد، خود را از شر آنها حفظ کند، یا فرزندان خردسالش را آرام نماید یا از امام خویش دفاع بنماید؟ و مانع بردنش شود؟ فاطمه که این وضعیت نگران کننده برایش غیر قابل تحمل بود، یک مرتبه [صفحه ۱۲۵] فریاد زد و از آنها خواست تا از خانه بیرون روند و گفت: در غیر این صورت آنها را نفرین خواهد کرد. فاطمه علیها‌السلام فریاد زد: سوگند به خدا، از خانه بیرون می‌روید یا این که موهای خود را پریشان کرده، به درگاه خدا شکایت کنم و نفرین تان بنمایم؟ [۱۹۵].

### دفاع از علی و شلاق قنفذ

آه و ناله فاطمه بر دل آن مردم حرمت‌شکن هیچ اثری نکرد، آنان همچنان بر بردن ولی خدا به مسجد اصرار می‌ورزیدند و فاطمه علیها‌السلام به سختی جلوگیری می‌کرد و می‌فرمود: به خدا سوگند هرگز نمی‌گذارم که پسر عمومیم را از روی ظلم از خانه بیرون بکشید... چه زود سفارش پیامبر خدا را در باره ما اهل بیت فراموش کردید و از خدا ترسیدید... در حالی که به شما سفارش کرده

بود، از ما پیروی نموده و ما را دوست داشته باشید و به ریسمان ما چنگ بزنید... فاطمه همچنان از ولی خدا دفاع می‌کرد و علی را محکم گرفته بود که به وسیله شلاق قنقد او را از علی جدا کردند. [۱۹۶].

### حفاظت از جان امام

علی را کشان کشان به سوی مسجد بردند، اما مگر فاطمه دست از حمایت امام خود برداشت؟ او بلافاصله بدنبال ولی خدا به راه افتاد و در پی او تمام زنان بنی‌هاشم حرکت کردند. فاطمه آمد و خود را به نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رساند، بار دیگر آنها را [صفحه ۱۲۶] مخاطب قرار داد و فرمود: عمو زاده‌ام را آزاد کنید، به آن خدایی که پدرم را به حق فرستاد، اگر آزادش نکنید، موهای خودم را پریشان می‌کنم، پیراهن پیامبر را بر سر می‌گذارم و به سوی پروردگرم فریاد می‌کشم، چرا که نه صالح پیامبر در نزد خدا از پدرم عزیزتر بود و نه شترش عزیزتر از من، و نه بچه‌اش از فرزندانم. [۱۹۷]. آری این فاطمه بود که دست و صورت و پهلوی خود را سپر امام خویش قرار داد و آن گونه از علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام دفاع کرد که حاضر بود در این راه کشته شود اما به امامش آسیبی نرسد، او به دنبال علی راه افتاد تا نفشه قتل او را خنثی کند، او پیراهن رسول خدا را بر سر گذارد و آماده نفرین کردن بود تا دست از جان ولی خدا بردارند.

### سکوت فاطمه برای حفظ اسلام

همچنانکه فاطمه به همراه حسین، خود را به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزدیک می‌کرد تا به وسیله یک نفرین، مدینه زیر و رو شود، علی موقعیت بسیار دشوار را دریافته به سلمان فرمود: ای سلمان دختر پیامبر را دریاب، چرا که می‌بینی دو پهلوی مدینه دهان باز کرده است، به خدا سوگند اگر نفرین کند به کسی در مدینه مهلت داده نمی‌شود و بیم آن می‌رود شهر مدینه و هر چه در آن هست به زمین فرورود. سلمان گوید به فرمان امیرمؤمنان علیه‌السلام به سرعت خود را به فاطمه علیها‌السلام رسانده عرض کردم، ای دختر پیامبر! خدای تبارک و تعالی پدرت را به عنوان رحمت برای امت فرستاد به خانه‌ات برگرد. [صفحه ۱۲۷] فاطمه علیها‌السلام فرمود: ای سلمان! دیگر صبرم لبریز شده، مرا رها کن تا به سوی قبر پدرم بروم و آن جا فریاد بزنم به خدا شکایت کنم. سلمان گوید گفتم علی علیه‌السلام مرا به سوی تو فرستاده و به شما دستور برگشت داده است. فاطمه علیها‌السلام فرمود: حال که علی دستور داده گوش می‌کنم و فرمان می‌برم و بدین ترتیب حضرت به خانه برگشت. [۱۹۸]. آری فاطمه علیها‌السلام به خانه برگشت تا به دیگران بفهماند که اگر قیام او در برابر حریم شکنان برای حفظ و دفاع از ولایت و ولی خدا بود، سکوتش نیز به خاطر فرمان امام و حفظ اسلام بود.

### رد بیعت ابوبکر

از موارد دیگر حمایت فاطمه علیها‌السلام از ولایت این بود که تا وقتی که زنده بود، هرگز با خلیفه اول بیعت نکرد و نه تنها بیعت نکرد بلکه با او هم چنان در حال خشم و غضب و قهر بود تا این که از دنیا رفت. حال سؤال ما این است که چرا فاطمه با ابوبکر بیعت نکرد در حالی که روایات زیادی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که: من مات و لیس له امام فموتته موتة جاهلیته. [۱۹۹]. آیا فاطمه علیها‌السلام العیاذ بالله بوسیله بیعت نکردن با ابوبکر به مگر جاهلی از دنیا رفته و یا حقیقتاً ابوبکر اما نبوده تا فاطمه به مفاد این روایت ملزم به بیعت با او باشد و یا حدیث قابل استناد نیست؟ در پاسخ می‌گوییم: شکی نیست که فاطمه علیها‌السلام با ابوبکر بیعت نکرد و نه تنها در ملاقاتی که آنان با فاطمه علیها‌السلام داشتند. حضرت زهرا علیها‌السلام از آن دو روی [صفحه ۱۲۸] گردانید بلکه فرمود: اگر پدرم را ملاقات کنم از شما دو نفر شکایت خواهم کرد و در پایان همین ملاقات بود که

فرمود: به خدا سوگند در هر نماز تو را نفرین می‌کنم. [۲۰۰]. و گویا تر از همه ادله و شواهد این که در صحیح بخاری و مسلم و دیگر صحاح آمده که زهرای مرضیه از دنیا رفت در حالی که بر ابوبکر خشمناک بود. [۲۰۱]. از جهت دیگر حدیث من مات و لم يعرف امام زمانه آن قدر صحتش روشن است که نیازی به بررسی اسناد ندارد، چرا که این حدیث را شیعه و سنی به اتفاق نموده‌اند و این حدیث با اسناد فراوان و با تعبیرهای مختلف از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل گردیده مثلا: طیالسی در مسند از ابن عمر نقل کرده که: من مات بغیر امام مات میتة جاهلیة. [۲۰۲]. و همچنین به تعبیرهای دیگری از قبیل: من مات و لا طاعة علیه مات میتة... [۲۰۳]. من مات و لیس له امام.. [۲۰۴]. من مات و لا یبوعه علیه... [۲۰۵]. و من مات لیس علیه امام فمیتة میتة جاهلیة... [۲۰۶]. در کتاب‌های اهل سنت فراوان به چشم می‌خورد. [صفحه ۱۲۹] و در منابع شیعه نیز مرحو کلینی قریب به همین مضمون از فضیل بن یسار از امام صادق علیه‌السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که فرمود: من مات و لیس علیه امام فمیتة جاهلیة، فقلت قال ذلک رسول الله؟ فقال ای والله قد قال. قلت: فکل من مات و لیس له امام، فمیتة جاهلیة؟! قال: نعم. هر که بمیرد و پیشوایی نداشته باشد، به مردن جاهلیت مرده است، عرض کردم این سخن پیامبر است؟ فرمود: آری به خدا او فرموده است. عرض کردم پس هر که بمیرد و پیشوایی نداشته باشد مرگش مرگ جاهلیت است؟! فرمود: آری. [۲۰۷]. و با در نظر گرفتن دو مسئله مسلم فوق: علت عدم بیعت فاطمه با ابوبکر کاملا روشن می‌گردد که او هرگز امام نبوده، تا فاطمه اقدام به چنین کاری کند.

### انتقاد شدید از زنان مهاجر و انصار

و این بار نوبت زنان است که فاطمه علیهاالسلام می‌باید از آنها سخت انتقاد کند، چرا که آنان نیز در ضایع کردن حقوق اهل بیت و نادیده گرفتن سفارش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بویژه کوتاهی در حق امیرمؤمنان علیه‌السلام سهم بسزایی داشتند. آنان با سکوت خود بر کارهای خلاف شوهران خود صحنه گذاشتند، و این کار که مورد خشم فاطمه علیهاالسلام قرار گرفته بود. در عیادت‌هایی که زنان مهاجر و انصار از او داشتند، ضمن خطبه‌ای طولانی به آنان گوشزد کرد. [صفحه ۱۳۰] ابن ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه از عبدالله بن حسن بن حسن از مادرش فاطمه دختر امام حسین علیه‌السلام نقل کرده: زمانی که بیماری فاطمه شدت یافت عده‌ای از زنان مهاجرین و انصاری به نزد وی رفته، گفتند: ای دختر رسول خدا چگونه‌ای؟ فاطمه علیهاالسلام فرمود: به خدا سوگند شب را به صبح رساندم در حالی که از دنیای شما ناخشنود، و از مردان شما خشمگین و ناراحت هستم. وای بر آنها چگونه خلافت را از پایگاه استوار رسالت و از پایه‌های نبوت و از محل نزول جبرئیل امین و از کسی که حاذق و آگاه به امور دین و دنیا است منحرف کردند و دور ساختند؟! آگاه باشید این همان خسران آشکار است! چه شده که اینان از ابوالحسن انتقام گرفتند و به علت استواری قدم‌های او بر روی باطل و از بین بردن آن و به خاطر تسلیم ناپذیری‌اش در راه خدا بود که چنین کردند، به خدا سوگند اگر از زمام امری که رسول خدا به علی سپرده بود دست برمی‌داشتند، آن حضرت مهار شتر رهبری و خلافت را کاملا در دست می‌گرفت و به راحتی و آسانی آنان را رهبری می‌کرد. به طوری که بر شتر خلافت نه جراحی در بینی‌اش ایجاد می‌شد و نه اضطراب و ناآرامی بر سوار کارش دست می‌داد. آنان را به سرچشمه‌ای زلال جوشان و وسیع می‌رساند، تشنگی را بر طرف می‌کرد، در آب غوطه‌ور شده و شراره تشنگی و گرسنگی را خاموش می‌نمود.... [۲۰۸]. آنچه بیان شد گوشه‌ای بود از دفاع فاطمه زهرا علیهاالسلام از ولایت و رهبری علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، اما سخن در این باره فراوان است و درد دل بسیار که خود به آنها آگاه‌ترید. [صفحه ۱۳۱] حال سؤال ما این است اگر مولا در فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ماجرای غدیر خم به معنای دوستی و محبت بود و نه به معنای ولایت و خلافت و سرپرستی امت، چرا فاطمه علیهاالسلام به ماجرای غدیر استدلال کرده و چرا خود را به این همه دردسر و مشقت انداخته و تا سر حد جان از حریم ولایت دفاع می‌کند. مگر ولایت به معنای دوستی آن همه مشکل آفرین بوده است؟ مگر اسمت اسلامی نمی‌دانستند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اهلیت را دوست داشته و مسلمانان

را به این دوستی فرامی‌خوانده؟! مگر قرآن مجید مردم را به محبت و دوستی اهل بیت پس از نزول آیه (قل لا أسئلكم علیه أجرًا إلا المودة فی القربی) [۲۰۹] موظف نکرده بود؟ پس چه لزومی داشت که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بار دیگر سه روز مردم را در آن بیابان سوزان نگه داشته و خطبه بخواند و مردم را برای دوستی اهل بیت فراخواند. وانگهی آیه (الیوم أكملت لكم دینکم و أتممت علیکم نعمتی و رضیت لكم الإسلام دیناً) [۲۱۰] چه هدفی را دنبال می‌کرد و چه چیزی در روز غدیر کامل شد که پیش از این هنوز گفته نشده بود؟ آیا دوستی بود که قبلاً آیه‌اش نازل گردیده بود؟! هم چنین مگر مسلمانان در آن روز به علی علیه‌السلام تبریک نگفتند، مگر در آن روز عمر نگفت: بخ بخ لک یابن ابي طالب أصبحت مولای و مولی کل مسلم. [۲۱۱]. و اگر مولا به معنای دوستی و محبت بود، دیگر چه نیازی داشت که عمر [صفحه ۱۳۲] بن الخطاب به او تبریک بگوید: خوشا به حال تو ای پسر ابوطالب که امروز مولای من و هر مسلمانی شدی. آری این تبریک بخاطر سمت جدید علی علیه‌السلام بود که در روز غدیر خم توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان خلیفه و جانشین آن حضرت اعلام شده بود و فاطمه علیها‌السلام دقیقاً از همین موضع جانانه دفاع کرده و بر آن ایستادگی نمود. [صفحه ۱۳۳]

## شهادت حضرت فاطمه

### اشاره

بدون شک فاطمه علیها‌السلام به مرگ خدایی از دنیا نرفته است، چرا که قضایای حمله به خانه او و وارد آمدن آسیب‌های فراوان بر دست و پهلو و سینه و جنین، ادامه زندگی را بر او بسیار دشوار کرد. و در این مدت کوتاه پیوسته از صدمات وارده رنج می‌برد، و سرانجام در اثر همان آسیب‌ها به شهادت رسید. اینک جهت اثبات شهادت حضرت زهرا علیها‌السلام نگاهی به شواهد و دلائل موجود می‌پردازیم. ناگفته نماند که از امام حسن علیه‌السلام مجتبی و امام صادق و امام رضا علیه‌السلام روایت شده که فرمودند: ما مِنَّا أَلَّا مَسْمُومٌ أَوْ شَهِيدٌ [۲۱۲] و شک نیست که فاطمه علیها‌السلام جزو «منا» می‌باشند. افزون بر این که روایات صریح و روشنی بر شهادت حضرت فاطمه داریم که معصومین روی این جهت تکیه کرده‌اند. ۱. پیامبر پیش از رحلت خود در یک پیشگویی به علی فرمود: پس [صفحه ۱۳۴] - فاطمه - اولین کسی است که به من ملحق خواهد شد. در حالی که حزن و اندوه او را فرا گرفته، حق او را غصب کرده و وی را کشته‌اند بر من وارد خواهد شد. [۲۱۳]. ۲- پس از شهادت فاطمه، مدتی امیرمؤمنان از یاران فاصله گرفته و از خانه بیرون رفت. برخی از یاران و دوستان علی علیه‌السلام که این وضعیت برای آنها گران آمده بود از عمار یاسر خواستند تا به خانه علی رفته و از او بخواهند تا از دوستان فاصله نگیرد. عمار برای رساندن پیام، به خانه حضرت علی رفته و از وی خواست تا از خانه بیرون بیاید. حضرت در پاسخ فرمود: بدان ای عمار! این فقید و از دست رفته، دختر رسول خدا دار فانی را وداع گفت در حالی که مظلوم بود و حق او غصب شده و شهید از دنیا رفت. سپس از جای برخاسته در حالی که اشک از چشمانش سرازیر بود خانه را ترک گفت... [۲۱۴]. ۳- سلیم بن قیس از علی نقل کرده - وقتی که - ابوبکر به قنفذ پیام فرستاد که - اگر فاطمه مانع شد او را بزنی - پس او را برای آن که دست از علی بردارد به طرف دسته‌ی درب خانه‌اش فشار داده و یک دنده از پهلویش را شکست و جنین او را سقط کرد، و پس از آن ماجرا در بستر بیماری بود تا این که در اثر همان صدمات، شهید از دنیا رفت. [۲۱۵]. ۴- امام حسین علیه‌السلام از محمد بن عمار بن یاسر از پدرش عمار حدیثی نقل کرده و در پایان همان حدیث، عمار ضمن بازگو کردن ماجرای پس از [صفحه ۱۳۵] رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و هجوم به خانه فاطمه می‌گوید: وقتی که پیامبر به لقاء الله شتافت. و گذشت آنچه که گذشت به هنگام ورود به خانه فاطمه و بیرون آوردن پسر عموی او از دست آن مرد به فاطمه آنچنان آسیب رسید که فرزند خود را سقط کرد و همان جریان باعث بیماری وفات وی بود. [۲۱۶]. ۵- همچنین از امام صادق علیه‌السلام

نقل شده که فرمود: علت وفات فاطمه علیها السلام این بود که قنفذ غلام عمر به دستور وی با غلاف شمشیر به دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زد که در اثر همان زدن محسن سقط گردید و در پی این سقط جنین سخت بیمار گشت... [۲۱۷]. ۶- علی بن جعفر از برادر خود امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده که فرمود: ان فاطمه علیها السلام صدیقه شهیده. [۲۱۸]. و بزرگان ما همانند شیخ مفید و دیگران بر این عقیده هستند که وی شهید از دار دنیا رفته است. وی در کتاب فقهی خود به نام المقنعه در زیارت حضرت فاطمه علیها السلام چنین آورده است: «هرگاه به مدینه رفتی... به روضه داخل شو و آن جا بایست و فاطمه علیها السلام را زیارت کن که او همان جا دفن گردیده، پس هرگاه خواستی او را زیارت کنی به سوی قبله بایست و بگو...: السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ وَ عَلَی بَنَاتِكَ الصَّادِقَاتِ الطَّاهِرَاتِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا فَاطِمَةَ عَلَیْهَا السَّلَامُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ اَيْتَهَا الْبَتُولُ الشَّهِيدَةُ الطَّاهِرَةُ، لعن الله من ظلمك و منعك حقك و دفعك عن إرثك و لعن الله من كذبك. [۲۱۹]. [صفحه ۱۳۶] و علامه مجلسی در مرآة العقول ذیل روایت کلینی در کافی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «ان فاطمه صدیقه شهیده» می فرماید: و این خبر دلالت دارد که فاطمه علیها السلام شهید شده است و این مسئله از متواترات است... [۲۲۰].

### سال روز شهادت

و اما سال روز رحلت جانگداز فاطمه علیها السلام اگر چه در بین مورخین اختلاف نظر هست به گونه‌ای که برخی اقوال را به هجده نظر رسانده‌اند. [۲۲۱]. اما مختار از بین این گفته‌ها فقط دو قول است و نظر بزرگان نیز بر همین دو گفته استوار است. قول اول هفتاد و پنج روز پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در نظر گرفته شده و برگرفته از روایتی است که - به نظر علامه مجلسی صحیح است - از امام محمد باقر نقل شده، فرمود: وی هفتاد و پنج روز پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بزرگوار از دنیا رفته است. [۲۲۲]. قول دوم نود و پنج روز است، چنانچه مرحوم اربلی از امام محمد باقر علیه السلام همین قول را نقل کرده [۲۲۳] و ابوالفرج اصفهانی نیز از امام محمد باقر علیه السلام گذشت سه ماه را از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده [۲۲۴] که قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را تأیید می‌کند. [صفحه ۱۳۷] در این جا علامه مجلسی ضمن صحیح خواندن روایت هفتاد و پنج روز فرموده: تطبیق دادن بین ولادت و وفات و عمر شریف فاطمه علیها السلام کار بسیار دشواری است، زیرا اگر رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در روز ۲۸ صفر باشد باید وفات فاطمه در اواسط جمادی الأولى باشد و اگر به گفته اهل تسنن در دوازدهم ربیع الأول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وفات نموده باشد، می‌بایست وفات آن حضرت در اواخر جمادی الأولى صورت پذیرفته باشد و آن چه که ابوالفرج اصفهانی نقل کرده که فاطمه علیها السلام سه ماه پس از پدرش زنده مانده، ممکن است با قول مشهور که حضرت در سوم جمادی الثانی از دنیا رفته است، منطبق شود، و خبر ابوبصیر از امام صادق بر همین قول است، البته اگر بگوییم که روزهای زیادی را امام بخاطر ناچیز بودنش ذکر فرموده است. [۲۲۵]. و شیخ مفید در تأیید نظر دوم می‌فرماید روز سوم ماه جمادی الثانی سال یازدهم هجرت سال روز رحلت حضرت فاطمه علیها السلام زهرها می‌باشد و این همان روزی است که - در همه سال - غم و اندوه مؤمنین تجدید می‌شود. [۲۲۶]. این بود خلاصه‌ای از زندگی پاره تن مصطفی و همسر علی مرتضی که به طور اشاره و گذرا تقدیم خوانندگان شد، امید است خوانندگان عزیز ما را از کم و کاستی‌ها و یا ناهماهنگی‌های موجود این چکیده عفو فرموده و اگر بر نکته‌ای دست یافتند، ما را بهرمنند سازند. و الله الموفق و المعین



[۱] الخرایج، ج ۲، ص ۵۲۴. [۲] الخرایج و الجرایح، ج ۲، ص ۵۲۴. [۳] مسار الشیعه، ص ۳۱. [۴] صحیح بخاری ج ۲، ص ۳۰۲، حلیة الأولیاء، ج ۲، ص ۴۰، تهذیب التهذیب ج ۱۲، ص ۴۶۹. [۵] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۸۰. [۶] بحار الأنوار ج ۴۳، ص ۵۴. [۷] روضه الواعظین، ص ۱۵۰. [۸] مقتل الحسین خوارزمی، ج ۱، ص ۵۹. [۹] بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۱۰. [۱۰] تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۵۹. [۱۱] بشاره المصطفی، ص ۲۴. [۱۲] احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۱۱۵. [۱۳] احقاق الحق، ج ۲۵، ص ۳۷. [۱۴] مقتل الحسین خوارزمی، ج ۱، ص ۶۰. [۱۵] فاطمة الزهراء، ص ۵۸. [۱۶] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۳. [۱۷] بحار الأنوار، ص ۶۸. ذخایر العقبی ص ۳۵. [۱۸] مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۴۵. [۱۹] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۴۰. [۲۰] بحار الأنوار ج ۴۳، ص ۱۰۸. [۲۱] مناقب خوارزمی، ص ۲۴۷، كشف الغمة، ج ۱، ص ۳۶۵. [۲۲] امالی طوسی، ص ۳۹. [۲۳] تاریخ الأئمه، ص ۶. [۲۴] مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۶۵. [۲۵] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۴۵ به نقل از کافی. [۲۶] بحار الأنوار ج ۴۳، ص ۹۲. [۲۷] بحار الأنوار ج ۴۳، ص ۱۰۵. [۲۸] كشف الغمة، ج ۱، ص ۳۷۹. [۲۹] هجر یکی از روستاهای اطراف شهر مدینه است. (معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۹۳. [۳۰] كشف الغمة، ج ۱، ص ۳۹۷. [۳۱] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۰۸. [۳۲] کافی، ج ۵، ص ۳۷۷. [۳۳] کافی، ج ۵، ص ۳۷۷. [۳۴] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۱۲، مناقب ابن مغزلی، ص ۳۵۰. [۳۵] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۱۲، مناقب ابن مغزلی، ص ۳۵۰. [۳۶] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۱۲. [۳۷] احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۴۲. [۳۸] المقنع، ص ۹۹. [۳۹] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۴۳. [۴۰] كشف الغمة، ج ۱، ص ۳۷۹. [۴۱] امالی طوسی، ص ۴۰، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۵۲. [۴۲] زندگانی حضرت فاطمه، ص ۵۶. [۴۳] مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۵۳. [۴۴] امالی طوسی، ص ۴۰. [۴۵] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱. [۴۶] اعلام الوری ص ۸۱. [۴۷] امالی طوسی، ص ۴۰، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۹۵. [۴۸] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۱۴. [۴۹] امالی طوسی، ص ۴۲. [۵۰] مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۵۳. [۵۱] دلایل الإمامه، ص ۲۱. [۵۲] در این که روز عروسی فاطمه علیها السلام در چه روزی بوده است چهار قول است: ۱- چند روز از شوال گذشته. ۲- اول ما ذیحجه ۳- ششم ماه ذیحجه. ۴- ۲۱ ماه محرم سال سوم هجرت رجوع شود به بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۹۲ و ۹۷ و ۱۴۱. [۵۳] كشف الغمة، ج ۱ ص ۳۶۸. [۵۴] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۱۵. [۵۵] اخلاق حضرت فاطمه، ص ۸۰. [۵۶] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۲. [۵۷] مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۵۵. [۵۸] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۴۲. [۵۹] مدینه شناسی، ص ۷۳. [۶۰] سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۱۵. [۶۱] الرحلة الحجازیة، ص ۳۲۷. [۶۲] مناقب خوارزمی، ص ۲۴۷. [۶۳] مدینه شناسی، ص ۱۱۹ و فرات کوفی، ص ۱۲۵. [۶۴] سوره نور، آیه ۳۶. [۶۵] سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۱۴ و مجمع البحرین، ص ۱۳۸. [۶۶] غذایی است که با آرد و شیر یا روغن می‌پزند. فرهنگ جدید، ص ۹۱. [۶۷] بشاره المصطفی، ص ۱۹۵، عوالم العلوم و المعارف، ج ۷، ص ۱۲۳ و کامل الزیارة، ص ۵۸. [۶۸] سفینه البحار ج ۱، ص ۱۱۵. [۶۹] سفینه البحار ج ۱، ص ۱۱۵. [۷۰] سند حدیث شریف کساء، ص ۶. [۷۱] سوره طه، آیه ۱۳۲. [۷۲] امالی طوسی. ص ۲۵۱. [۷۳] سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۴۳۴. [۷۴] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۳. [۷۵] ینابیع المودة، ص ۱۷۴ و مناقب خوارزمی، ص ۲۳. [۷۶] امالی طوسی، ص ۲۵۱. [۷۷] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۳. [۷۸] ینابیع المودة، ص ۱۷۴. [۷۹] ینابیع المودة، ص ۱۷۴. [۸۰] ذخائر العقبی، ص ۷۷. [۸۱] مدینه شناسی، ص ۱۱۷. [۸۲] سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۷۵. [۸۳] سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۴. [۸۴] العقد الفرید، ج ۵، ص ۱۳ و الامامة و السیاسة، ص ۲۰. [۸۵] اثبات الوصیة، ص ۱۲۴. [۸۶] تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۷. [۸۷] اثبات الوصیة، ص ۱۲۴. [۸۸] بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴. [۸۹] ربیع الأبرار، ج ۲، ص ۱۰۴. [۹۰] مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۸. [۹۱] امالی صدوق، ص ۴۳۷. [۹۲] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۷۲. [۹۳] سوره ی حجر. آیه ۴۴. [۹۴] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۸۸. [۹۵] مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۸. [۹۶] اخلاق حضرت فاطمه، ص ۱۷. [۹۷] مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۸. [۹۸] علل الشرایع، ص ۲۱۵. [۹۹] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۹۳. [۱۰۰] اخلاق فاطمه، ص ۶۲. [۱۰۱] احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۴۰۰. [۱۰۲] احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۴۰۰. [۱۰۳] سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۷۱. [۱۰۴] اخلاق فاطمه، ص ۱۰۶، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳. [۱۰۵] الخرایج و الجرایح، ج ۲، ص ۵۳۰. [۱۰۶] بحار الأنوار، ج

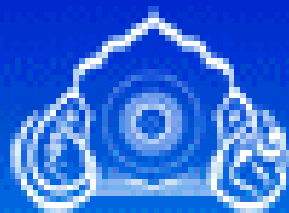
۴۳، ص ۸۱. [۱۰۷] اخلاق فاطمه، ص ۳۶. ذخائر العقبی، ص ۵۰. [۱۰۸] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۸۹. [۱۰۹] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۸۹. [۱۱۰] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۸۹. [۱۱۱] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۱۳. [۱۱۲] اخلاق حضرت فاطمه، ص ۱۰۹. [۱۱۳] كشف الغمّة، ج ۲، ص ۹۲. [۱۱۴] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۹۱ به نقل از نوادر راوندی. [۱۱۵] این مقاله در آستانه شهادت فاطمه زهرا علیها السلام در مجله کوثر شماره ۳۰ به چاپ رسیده است. [۱۱۶] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۵. [۱۱۷] فاطمة الزهراء، ص ۷۴، امالی صدوق، ص ۱۶. [۱۱۸] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۵. [۱۱۹] امالی صدوق، ص ۱۶. [۱۲۰] مناقب علی بن ابی طالب، ص ۶۳. [۱۲۱] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۰. [۱۲۲] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۱. [۱۲۳] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۰. [۱۲۴] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۲. [۱۲۵] تفسیر فرات کوفی، ص ۱۱۴. [۱۲۶] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵. [۱۲۷] تفسیر فرات، کوفی، ص ۱۱۴. [۱۲۸] ذخائر العقبی، ص ۴۸. [۱۲۹] کنایه از غذاهایی بسیار خوب است. [۱۳۰] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۷. [۱۳۱] القطرّة، ص ۱۹۲ و آیه در سوره مبارکه فاطر، آیه ۳۴. [۱۳۲] سوره انسان، آیه ۱۳. [۱۳۳] مناقب آل ابی طالب ج ۳، ص ۳۲۹. [۱۳۴] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۷. [۱۳۵] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۶. [۱۳۶] فاطمه الزهراء، ص ۹۹. [۱۳۷] فاطمه الزهراء، ص ۹۹. [۱۳۸] فاطمة الزهراء، ص ۱۱۳. [۱۳۹] مسند فاطمة، ص ۴۵، کفایة الطالب ص ۳۱۱، بشارة المصطفی، ص ۴۸. [۱۴۰] فاطمة الزهراء، ص ۱۰۰. [۱۴۱] خصایص فاطمه، ص ۳۴۱. [۱۴۲] بشارة المصطفی، ص ۵۰. [۱۴۳] عیون المعجزات، ص ۵۴ و بحار ج ۴۳، ص ۸. [۱۴۴] اخلاق حضرت فاطمه، ص ۵۸، مسند فاطمه زهرا علیها السلام، ص ۵۸۵؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۲۹ و دلایل الامامة، ص ۱. [۱۴۵] الغدیر، ج ۶، ص ۲۹۵. [۱۴۶] بنا به قول کلبی که فاطمه علیها السلام در سن سی و پنج سالگی از دنیا رفته، باید گفت: حدود بیست و پنج سال در مکه در خدمت پدر بوده است. ذخائر العقبی، ص ۵۲. [۱۴۷] امالی صدوق، ص ۱۱۸، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۰۹. [۱۴۸] نوادر الأخبار، ص ۱۶۲، بشارة المصطفی، ص ۱۹۸. [۱۴۹] الإمامة و السیاسة، ج ۱، ص ۲۰، الدر الثمین، ص ۵۱. [۱۵۰] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۷. [۱۵۱] اختصاص مفید، ص ۱۸۸. [۱۵۲] احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۰۸. [۱۵۳] احتجاج ج ۱، ص ۱۰۵. [۱۵۴] الإمامة و السیاسة، ص ۱۹. [۱۵۵] الإمامة و السیاسة، ص ۲۰. [۱۵۶] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۶. [۱۵۷] الإمامة و السیاسة، ص ۲۰. [۱۵۸] نوادر الأخبار، ص ۱۸۳. [۱۵۹] اختصاص مفید، ص ۱۸۱. [۱۶۰] بحار الانوار، ج ۸، ص ۵۹. [۱۶۱] بحار الانوار، ج ۸، ص ۵۹. [۱۶۲] الإمامة و السیاسة، ص ۱۹. [۱۶۳] عقد الفرید، ج ۵، ص ۱۳. [۱۶۴] اثبات الوصیة، ص ۱۲۴. [۱۶۵] سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۲۵، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۹۷. [۱۶۶] ارشاد القلوب ج ۲، ص ۷۸، الکوکب الدرّی، ص ۱۹۱. [۱۶۷] بهجة قلب المصطفی، ص ۵۳۲. [۱۶۸] بحار، ج ۵۳، ص ۱۴. [۱۶۹] نوادر الأخبار، ص ۱۸۳. [۱۷۰] اثبات الوصیة، ص ۱۲۴. [۱۷۱] معانی الأخبار، ص ۲۰۶. [۱۷۲] احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۰۸، سلیم بن قیس، ص ۴۰. [۱۷۳] امالی طوسی، ص ۱۱۸ و مناقب آل ابی طالب ج ۲، ص ۲۰۹. [۱۷۴] بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴. [۱۷۵] بحار الانوار ج ۸، ص ۵۸ و حقّ یقین، ص ۱۶۴. [۱۷۶] احتجاج، ج ۱، ص ۱۰۸. [۱۷۷] الفصول المهمّة، ص ۱۲۴. [۱۷۸] تذکرة الخواص، ص ۵۷ و ۲۸۸. [۱۷۹] ذخائر العقبی، ص ۱۵۵. [۱۸۰] نیل الأوطار، ج ۴، ص ۱۵۱، فتح الباری، ج ۳، ص ۱۲۴. [۱۸۱] الفصول المهمّة، ص ۱۲۴. [۱۸۲] مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۳۳. [۱۸۳] احتجاج، ج ۱، ص ۱۰۸. [۱۸۴] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۸۳. [۱۸۵] الصراط المستقیم، ج ۳، ص ۱۲. [۱۸۶] الملل و النحل، ص ۵۹ و الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۱۷. [۱۸۷] الملل و النحل، ص ۵۹ و الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۱۷. [۱۸۸] الملل و النحل، ص ۵۹. [۱۸۹] اسرار آل محمد، ص ۳۳. [۱۹۰] بحار الانوار، ج ۸ (چاپ سنگی)، ص ۵۶. [۱۹۱] شرح نهج البلاغه ج ۱۴، ص ۱۹۲ و بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۱. [۱۹۲] کفایه الأثر، ص ۱۹۸. [۱۹۳] کفایه الأثر، ص ۱۹۸. [۱۹۴] الإمامة و السیاسة، ج ۱، ص ۱۹. [۱۹۵] بشارة المصطفی، ص ۱۹۸. [۱۹۶] نوادر الأخبار، ص ۱۸۲. [۱۹۷] احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۱۳. [۱۹۸] اختصاص مفید، ص ۱۸۱. [۱۹۹] بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۴۱. المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۳۵۰. كشف الأستار، ج ۲، ص ۲۵۲. [۲۰۰] الامامه و السیاسه، ص ۲۰. [۲۰۱] صحیح مسلم، ج ۲، ص ۴۳، صحیح بخاری، ج ۳، ص ۵۵ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۲۶، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص

۱۸. [۲۰۲] مسند طرابلسی، ص ۱۲۵۹. [۲۰۳] تاریخ بخاری، ج ۶، ص ۴۴۵، مسند ابن ابی شیبه، ج ۱۵، ص ۳۸. [۲۰۴] صحیح ابن حبان، ج ۷، ص ۴۹ مسند أحمد ج ۳، ص ۴۴۶ محمد الزوائد، ج ۵، ص ۲۳۳، مسند زید، ص ۴۲۲. [۲۰۵] طبقات ابن سعد، ج ۵، ص ۱۴۴. [۲۰۶] المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۳۵۰، كشف الأستار، ج ۲، ص ۲۵۲. [۲۰۷] الکافی، ج ۱، ص ۳۷۶، محاسن برقی، ج ۱، ص ۱۵۳، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۲. [۲۰۸] شرح نهج البلاغه ج ۱۶، ص ۲۳۳، فریاد فاطمه، ص ۴۳. [۲۰۹] سوره شوری، آیه ۲۳. [۲۱۰] سوره مائده، آیه ۳. [۲۱۱] آیات الغدير، ص ۲۶۲ به نقل از تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۹۰. [۲۱۲] حیاة الإمام الحسن العسکری، ص ۴۲۵. [۲۱۳] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۷۳. بشارة المصطفی، ص ۱۹۹، أمالی الصیدوق، ص ۱۰۱. [۲۱۴] الکوکب الدرّی، ص ۲۵۰. [۲۱۵] احتجاج طبرسی، ج ۱ ص ۱۰۸. [۲۱۶] دلائل الإمامة، ص ۲۶. [۲۱۷] دلائل الإمامة، ص ۴۵. [۲۱۸] الکافی، ج ۱، ص ۴۵۸. [۲۱۹] المقنعة، ص ۷۱. [۲۲۰] مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۱۸. [۲۲۱] رجوع شود به وفات الصديقة الزهراء، ص ۱۱۴. [۲۲۲] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۵. [۲۲۳] كشف الغمة، ج ۱، ص ۳۱، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۸۹. [۲۲۴] مقاتل الطالبین، ص ۳۱، فتح الباری، ج ۷، ص ۳۹۷، تهذيب التهذيب، ج ۱۲، ص ۴۶۹. [۲۲۵] بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۱۵. [۲۲۶] مسار الشيعة، ص ۶۶، مصباح كفعمی، ص ۵۱۱.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات

نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای (و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه فائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

